

سکندبه قلم و آنچه می نویسند

جزوه حقوق تجارت ۳

دکتر امید ملاکریمی

(وکیل پایه یک دادگستری، مدرس دانشگاه و عضو هیأت علمی)

حیرت انگیزی که دنبالش بودید این جزوه است!

کیه که ندونه درس حقوق تجارت، از مهم ترین درس در همه آزمون های حقوقی مثل وکالت، قضاوته! با توجه به تدریس چندین ساله ای این درس در دانشگاه های مختلف، تصمیم گرفتم که برای این درس که داوطلبان برای فراگیری آن دچار مشکل بوده و متأسفانه به منبع جامع و ساده فهم دسترسی نداشته و بعضاً درگیر تشتت منابع می شوند کتاب جزوه طور کاملی رو تهیه کنم که شرح روان و بیانی ساده دارد. سعی بر آن شده که جامعیت در کنار اختصار بنشیند و مطالب به نحوی تدوین شود که نظم منطقی اوون به سردرگمی تبدیل نشه. مطالعه ای این جزوه به دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد و علی الخصوص داوطلبان شرکت در آزمون های تخصصی حقوقی مانند آزمون های کارشناسی ارشد، وکالت، قضاوت، توصیه می شود. ضمناً باید بگم: ده ها جزوه سبک و روان حقوقی که به طور شگفت انگیزی شیوا و گیرا و رسا توضیح دادم و قول می دم که اگه فقط یکی از اوونها رو از سایتیم (www.mollakarimi.ir) بگیرید و مطالعه کنید به جزواتم اعتیاد پیدا می کنید!

تمرکز اصلی کار من در این نوشته و بقیه جزوات گذاشته شده در وبسایتم (مثل جزوات حقوق مدنی، آیین دادرسی کیفری و آیین دادرسی مدنی) اینه که مثلیه گاو بنفش در بین سایر گاوها که سیاه و سفید هستند متمایز باشم!! در واقع این، هدف من است که متفاوت باشم و در حوزه آموزش و نویسندگی در رشته حقوق، کارهای متفاوتی نسبت به دیگران انجام بدم. می خوام نوشته هام مثل گاو بنفش باشه که واقعاً در خور توجه باشه. حتماً دیدید آدم هایی رو که با یه ویژگی خاص، خودشون رو متفاوت و منحصر به فرد نشون می دن؛ مثلاً عینک زرد می زنن یا یه مدل موی خاص خودشون رو دارن؛ من هم می خوام با «ساده نویسی» و آوردن مثال های ساده فهم متفاوت باشم و با این ویژگی، به چشم بیام. من کمترین می خوام که بهترین تبلیغ برای کارهام، تمایز و انجام کاری نو و جالب توجه باشه. نمی خوام از این جمله کلیشه ای ها بگم ولی «کلید موفقیت، متفاوت بودن».

«متفاوت بودن» رو در جزوه هایی که به رایگان در دسترس دانشجویان حقوق گذاشتم، نشون دادم. در آخر، باید بگم که جزوات سایت MollaKarimi.ir و حتی این نوشته دائماً با توجه به سرفصل های جدید و آخرین تغییرات قوانین و تست های آزمون های هر سال، به روز می شه و چنانچه پی دی اف یا نسخه چاپ شده جزوه رو در دست دارید بهتره مجدداً از سایت، نسخه به روز رو دانلود کنید. ضمناً ما کارگاهی داریم که متفاوت از بقیه کارگاه هاست! اسم کارگاه ما، «کارگاه تولید محتوای حقوقی» است که می تونید اینستاگرام ([@vekalatyar](https://www.instagram.com/vekalatyar)) و تلگرام ما ([@omidmollakarimi](https://www.telegram.com/@omidmollakarimi)) رو دنبال کنید تا کلی محتوای حقوقی خوب رو مشاهده و دریافت کنید. در آخر هم باید بگم کافیه نام و نام خانوادگی خودتون رو به فارسی به شماره ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ پیامک کنید تا از آخرین تغییرات این جزوات و اخبار حقوقی و جزوات جدیدی که نگارش می شه مطلعتون کنیم.

توجه: این جزوه برای تدریس در دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی توسط معلم (امید ملاکریمی) تهیه و تکثیر شده و جنبه انتفاعی نداشته و تکثیر و نسخه برداری از آن، بدون قصد سودجویی و «تنها با ذکر منبع» مجاز می باشد، در غیر این صورت، قانوناً ضامن آور است. نگارنده، سپاسگزار خوانندگانی خواهد بود که نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را پیرامون این نوشتار از راه های فوق یا ایمیل «mollakarimi.omid@gmail.com» بیان فرمایند.

مقدمه

به صورت چریکی، کلّ حقوق تجارت را آموزش خواهیم داد به گونه‌ای که به سادگی خوردن یک سوپ مرغ به صورت شیوا و رسا آن را بفهمید. مفاهیم حقوق تجارت اگر بدون مثال‌های ساده توضیح داده بشه مثل یک قورباغه زشت، تحملِ اوون سخت است اما در این نوشته، کاری می‌کنیم که این قورباغه را ببوسید. ما اوون قدیم که دانشجوی کارشناسی بودیم، استادامون بهمون کتابای دکتر اسکینی رو معرفی می‌کردند. وقتی کتاب‌های ایشون رو دستمون می‌گرفتیم با یک سری اصطلاحات قلمبه‌سلمبه چقرِ حقوقی مواجه می‌شدیم که ازش چیزِی نمی‌فهمیدیم و نهایتاً حوصله‌مون سر می‌رفت و زده می‌شدیم؛ البته باید گفت که مشکل از خودمون بود که اوون اصطلاحات رو در سال‌های دوره کارشناسی نمی‌فهمیدیم. چون مفاهیم پایه رو نمی‌دونستیم و یکی باید اول به زبون داستانی و با مثال‌های روشن برامون قصه می‌گفت و بعد، برامون خواندنِ اصطلاحاتِ ثقیل و دشوار، مثل خوردن هلو می‌شد! در سال‌های اخیر که «شبکه‌های اجتماعی»، ادبیات عامیانه رو ترویج دادن و مخاطبِ عمده این شبکه‌ها، دهه هفتادی‌ها و هشتادی‌ها هستند، معلمِ حقوق باید به زبون اینستاگرامی برای اوونها تدریس کنه! اصلاً هنرِ معلّمی یعنی «ساده‌گویی»؛ خلاصه اینکه، مدنی رو به طور کامل می‌گم و شما رو معتاد به روشِ خودم می‌کنم؛ قول می‌دم!

دروغله اول تقدیم به پدر و مادر عزیزم

و سپس تقدیم به تمام کسانی که تا به حال هیچ به آن تقدیم نشده است؛ تقدیم به گمنامان!

یکی از مباحث حقوق تجارت، حقوق تجارت ۳ که طبق آخرین سرفصل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شامل کلیات اسناد تجاری، شرایط اساسی برات و صدور آن به صورت سنتی و الکترونیکی، قبول و نکول برات، ظهر نویسی برات و اقسام آن شرایط اساسی چک و انواع آن، مسؤولیت‌های حقوقی در پرداخت چک، ضمانت اجرای ثبتی، ضمانت اجرای کیفری، شرایط اساسی سفته و مقررات حاکم بر آن قبض انبار و اسناد در وجه حامل می‌باشد.

اسناد تجاری

مزایای اسناد تجاری

مزیت اول: اسناد تجاری وسیله طلب و انتقال وجه می‌باشند یعنی به جای اینکه افراد در معاملات خود پول رد و بدل کنند اقدام به صدور یا تسلیم اسناد تجاری می‌کنند. از این مزیت اسناد تجاری به وصف جایگزینی اسناد تجاری تعبیر می‌گردد.

مزیت دوم: در اسناد تجاری مسؤولیت تضامنی حاکم است یعنی چنانچه در سررسید، سند تجاری برات و سفته منجر به اعتراض عدم تأدیه گردد و یا چک منجر به صدور گواهی عدم پرداخت شود، دارنده سند تجاری می‌تواند مستنداً به ماده ۲۴۹ ق.تجارت علیه همه مسؤولین اقامه دعوی نماید. لازم به یادآوری است اقامه دعوی علیه ظهرنویسان مشروط به این است که دارنده سند تجاری به وظایف قانونی خویش عمل نموده باشد.

وظایف قانونی دارنده برات و سفته:

الف- اعتراض عدم تأدیه در ظرف ده روز از سررسید مستنداً به ماده ۲۸۰ ق.ت و در مورد برات‌های به رؤیت و سفته‌های عندالمطالبه اقدام مقتضی در ظرف یک سال از تاریخ صدور سند مستنداً به ماده ۲۷۴ ق.ت.

ب- اقامه دعوی در ظرف یک سال یا دو سال از تاریخ اعتراض عدم تأدیه مستنداً به مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ ق.تجارت.

وظایف دارنده چک:

الف- اخذ گواهی عدم پرداخت در ظرف پانزده یا ۴۵ روز یا ۴ ماه از تاریخ صدور چک مستنداً به مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ ق.تجارت.

ب- اقامه دعوی در ظرف یک سال یا دو سال از تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت مستنداً به مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۳۱۴ ق.تجارت.

مزیت سوم اسناد تجاری:

صدور قرار تأمین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی:

موارد صدور قرار تأمین خواسته در ماده ۱۰۸ ق.آ.د مدنی چهار مورد بیان شده است:

مورد اول: اگر مستند دعوا سند رسمی باشد به درخواست خواهان دادگاه بدون اخذ خسارت احتمالی مکلف به صدور قرار تأمین خواسته می باشد.

مورد دوم: اگر خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد دادگاه به درخواست خواهان بدون اخذ خسارت احتمالی قرار تأمین خواسته صادر می کند.

مورد سوم: اگر مستند دعوی اسناد تجاری و اخوان شده باشد دادگاه بدون اخذ خسارت احتمالی به درخواست خواهان قرار تأمین خواسته صادر می کند.

مورد چهارم: چنانچه خواهان آمادگی خود را برای تودیع خسارت احتمالی اعلام دارد دادگاه با اخذ خسارت احتمالی مکلف به صدور قرار تأمین خواسته است.

بحث ما در اینجا مشمول مورد سوم است یعنی چنانچه مستند دعوا اسناد تجاری باشد دادگاه بدون تودیع خسارت احتمالی قرار تأمین خواسته صادر می کند. البته باید توجه داشت صدور قرار تأمین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی منوط و مشروط بر آن است که دارنده سند تجاری به وظایف قانونی خود عمل کرده باشد. وظایف قانونی سند تجاری در بند فوق بیان شده است؛ بنابراین اگر دارنده سند تجاری به وظایف قانونی خود عمل نکرده باشد دیگر صدور قرار تأمین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی ممکن نیست بلکه در این صورت صدور این قرار منوط به تودیع خسارت احتمالی است.

مزیت چهارم اسناد تجاری:

دارنده سند تجاری در پناه اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات قرار دارد

برای مثال آقای «الف» به بازار می رود و از «ب» فرش می خرد (الف خریدار و ب فروشنده) و «الف» به بازار می رود ماشینش را می فروشد و «ج» می خرد (الف فروشنده و ج خریدار). در اینجا «الف» بابت خرید فرش بدهکار و بابت فروش ماشین طلبکار است و «ب» بابت فروش فرش طلبکار است و «ج» بابت خرید ماشین به «الف» بدهکار است. در اینجا «الف» که هم طلبکار و هم بدهکار است صادرکننده برات است و کسی که فقط طلبکار است یعنی آقای «ب» دارنده برات است و آقای «ج» که فقط بدهکار است برات گیر است.

منظور از ایراد هر آن چیزی است که یکی از مسؤولین سند تجاری برای طفره رفتن از پرداخت وجه سند به آن استناد می کند؛ بنابراین اگر برات گیر برات، علیرغم قبول برات در سررسید عنوان کند که چون معامله منشاء صدور برات باطل بوده یا چون معامله منشاء صدور برات فسخ شده یا چون کالای موضوع معامله منشاء صدور برات تسلیم نگردیده است، لذا من وجه برات را تأدیه نمی کنم این یک ایراد است. همچنین اگر برات گیر عنوان کند که من، بدهکار صادرکننده برات نیستم و برات سازشی است این نیز یک ایراد است. اگر ظهرویس عنوان کند که نه تنها نباید مسؤول قلمداد گردم. بلکه وجه سند تجاری باید داده شود زیرا من دارنده واقعی آن بوده ام و آن را گم کرده ام. این نیز یک ایراد است. اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات می گوید دارنده (دارنده سند تجاری) در پناه من قرار داشته و ایرادات مسموع نیستند.

سؤال: آیا در حقوق ایران این اصل پذیرفته شده است؟ نص صریحی در این زمینه وجود ندارد اما رویه قضایی به مواد ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۴۹ ق. تجارت این اصل را در حقوق ایران به رسمیت شناخته است.

سؤال: آیا بر اصل غیرقابل استناد ایرادات استثنائی وارد است؟ بله، حقوقدانان به تبعیت از کنوانسیون یکنواخت ژنو سه استثناء را به این اصل وارد می دانند:

۱. ایراد حجر از ناحیه یکی از مسؤولین

۲. ایراد جعل از ناحیه یکی از مسؤولین

۳. ایراد فقدان یکی از شرایط اساسی از ناحیه ظهنویس

یعنی اگر یکی از سه ایراد به عمل آید ایرادکننده مسؤولیتی در قبال پرداخت وجه سند تجاری نخواهد داشت.

سؤال: اگر صادرکننده برات ایراد حجر کند و مبرای از مسؤولیت شناخته شود آیا ضامن این صادرکننده نیز می تواند برای مبراشدن از مسؤولیت به ایراد مضمون عنه خود استناد کند؟ خیر زیرا در اسناد تجاری اصلی به نام اصل استقلال امضاءها وجود دارد که بیان می دارد اگر به دلایلی مسؤولیت یکی از مسؤولین منتفی گردد مسؤولیت سایرین همچنان پابرجاست.

سؤال: اگر در مورد یک فقره چک، الف به عنوان دارنده، با ظهنویسی، چکی را به ب منتقل کند و ج به عنوان ضامن الف، پشت سند را امضاء کند چنانچه بعداً اثبات گردد که امضای الف جعل شده، الف و ج هیچ مسؤولیتی نسبت به وجه سند ندارند. سؤال: آیا همه دارندگان اسناد تجاری در پناه اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات قرار دارند؟ خیر. دارندگانی در پناه این اصل هستند که دارنده با حسن نیت باشند. دارندگان با سوءنیت در پناه این اصل نیستند. ملاک ما برای دارنده با حسن نیت و دارنده با سوءنیت، علم و اطلاع از وجود ایراد یا عدم علم و اطلاع از وجود ایراد است یعنی اگر دارنده سند، عالم به وجود ایراد باشد، دارنده با سوءنیت و اگر دارنده سند، جاهل به وجود ایراد باشد دارنده با حسن نیت است.

سؤال: اصل غیر استناد بودن ایرادات نمایانگر کدام وصف سند تجاری است؟ نمایانگر وصف تجریدی است یعنی مسؤولین سند تجاری به مجرد اینکه سند تجاری را امضا می کنند مسؤول قلمداد می گردند و معاملات منشأ صدور سند تجاری تأثیری در رفع مسؤولیت آنها نخواهد داشت.

نکته: لازم به ذکر است که در ماده ۱۴ ق. صدور چک مقنن مقرر داشته چنانچه تحصیل چک از طریق ارتکاب جرمی به عمل آمده باشد مسموع است یعنی در این ماده دامنه شمول ایرادات توسعه یافته است.

چک

کلیات چک:

تعریف چک: ماده ۳۱۰ ق.ت: «چک نوشته ای است که به موجب آن صادرکننده، وجوهی را که در نزد مُحالْ عَلَیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می نماید.»

مزایای اختصاصی چک:

۱. در صورت عدم پرداخت وجه چک، دارنده چک می تواند درخواست صدور اجرائیه کند.
 ۲. در صورت عدم پرداخت وجه چک، دارنده چک می تواند علیه صادرکننده چک، شکایت کیفری طرح نماید.
- شرایط شکلی چک: ماده ۳۱۱ ق.ت:** در صدور چک موارد ذیل باید رعایت شود:

۱. قید محل صدور
۲. قید تاریخ صدور
۳. قید مبلغ چک
۴. امضای صادرکننده

✓ صدور چک فقط با امضاء امکان پذیر است.

✓ در صورتی که چک فاقد امضاء باشد، نوشته صادرشده، به طور کلی سند محسوب نمی شود.

✓ طبق انتهای ماده ۳۱۱ ق.ت علی الاصول چک عندالمطالبه است؛ یعنی نباید وعده داشته باشد.

✓ وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود؛ یعنی وجه چک باید قبل از صدور و یا به محض صدور، در نزد مُحالْ عَلَیْهِ موجود باشد.

✓ چک ممکن است در وجه حامل یا در وجه شخص معین یا به حواله کرد شخص معین صادر شود.

- در صورتی که چک در وجه حامل صادر شده باشد: چک قابل ظهرنویسی و نقل و انتقال به دیگران است و نقل و انتقال آن نیز ممکن است با صرف قبض و اقباض به عمل آید.
- در صورتی که چک در وجه شخص معین صادر شده باشد: چک قابل ظهرنویسی نیست و همان شخصی که چک به نام او صادر شده است، می تواند، مبلغ چک را از بانک مُحالْ عَلَیْهِ دریافت کند.
- در صورتی که چک به حواله کرد شخص معین صادر شده باشد: چک قابل ظهرنویسی می باشد.

اشخاصی که در صدور چک و تأدیة وجه چک دخیل هستند:

۱. صادرکننده چک: شخصی که چک را صادر می کند و چک را به شخص دیگری ارائه می دهد، تا این شخص وجه چک را از شخص ثالث (محالْ عَلَیْهِ) دریافت کند.
۲. دارنده چک: شخص است که چک در اختیار او است، با ارائه چک به مُحالْ عَلَیْهِ، وجه چک را دریافت می کند.
۳. مُحالْ عَلَیْهِ: شخصی ثالثی است که در چک برای پرداخت مبلغ چک در نظر گرفته شده است.
۴. ظهرنویس: شخصی که سابقاً دارنده چک بوده است و حال چک را به شخص دیگری منتقل کرده است.

قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ با آخرین اصلاحات تا تاریخ ۱۳۹۷/۸/۱۳

ماده ۱ (الحاقی ۱۳۷۲): انواع چک عبارتند از:

۱. چک عادی، چکی است که اشخاص عهده بانک ها به حساب جاری خود صادر می کنند و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادرکننده آن ندارد.
۲. چک تأییدشده، چکی است که اشخاص عهده بانک ها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک مُحالْ عَلَیْهِ، پرداخت وجه آن تأیید می شود.
۳. چک تضمین شده، چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می شود.
۴. چک مسافرتی، چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هریک از شعب آن بانک توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می گردد.

تبصره (الحاقی ۱۳۹۷): قوانین و مقررات مرتبط با چک حسب مورد، راجع به چک هایی که به شکل الکترونیکی (داده پیام) صادر می شوند نیز لازم الرعایه است. بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت یک سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون، اقدامات لازم در خصوص چک های الکترونیکی (داده پیام) را انجام داده و دستورالعمل های لازم را صادر نماید.

✓ محالْ عَلَیْهِ چک های فوق، یکی است تمیز آنها از یکدیگر با تشخیص صادرکننده آنهاست.

✓ چک عادی و چک تأییدشده، صادرکننده آنها بانک نیست (صدور: توسط اشخاص).

- ✓ چک تضمین شده و چک مسافرتی، صادرکننده آن بانک است.
- ✓ در چک های تضمین شده، بانک هم صادرکننده و هم محال علیه محسوب می شود (صدور: توسط اشخاص؛ به عهده همان بانک).
- ✓ چک های مسافرتی با درخواست اشخاص صادر نمی شود، بلکه خود بانک آن را صادر می کند و به درخواست اشخاص آن را در اختیار آنها قرار می دهد (صدور: توسط بانک؛ پرداخت وجه آن: در هریک از شعب آن بانک).
- ✓ تفاوت چک مسافرتی و تضمین شده: چک مسافرتی به عهده هر بانکی توسط بانک مرکزی چاپ و در اختیار بانک صادرکننده قرار می گیرد و در حال حاضر در حکم اسکناس است؛ چک های تضمین شده چک هایی است که بر اساس قانون باید به عهده همان بانک صادر شده باشد. البته در حال حاضر چک های تضمین شده به عهده بانک های دیگر نیز صادر می شود و در عرف بانکداری به چک های رمزدار یا بین بانکی معروف است فی المثل چکی از بانک تجارت به عهده بانک دی به درخواست مشتری صادر شده و در بانک محال علیه یعنی همان بانک دی رمزگشایی می شود.

چک الکترونیک:

- ✓ این تبصره که در سال ۱۳۹۷ الحاق شده است، چک های الکترونیک (داده پیام) را به رسمیت شناخته شده است. هر یک از ۴ مدل چک فیزیکی خصوصاً چک عادی می تواند به صورت داده پیام (الکترونیکی) صادر شود.
- ✓ چک الکترونیک، یعنی اینکه شخصی که دارای حساب جاری است، به موجب امضای الکترونیک به بانک دستور پرداخت مبلغی معین به شخصی مشخص را برای تاریخی خاص، به جای صدور چک کاغذی، می دهد.
- ✓ همه مقررات راجع به چک کاغذی، مانند مسئولیت تضامنی صادرکننده، صاحب حساب و ضامن و تعقیب کیفری در مورد چک های الکترونیک حکمفرماست.
- ✓ طبق ماده ۱۴ قانون تجارت الکترونیک، برای چک های الکترونیک از اداره ثبت اجرائیه صادر نمی شود، اما می توان به استناد ماده ۲۳ قانون حاضر، از دادگاه درخواست صدور اجرائیه کرد.
- ماده ۱۴ قانون تجارت الکترونیک: کلیه «داده پیام» هایی که به طریق مطمئن ایجاد و نگهداری شده اند از حیث محتویات و امضای مندرج در آن، تعهدات طرفین یا طرفی که تعهد کرده و کلیه اشخاصی که قائم مقام قانونی آنان محسوب می شوند، اجرای مفاد آن و سایر آثار در حکم سناد [اسناد] معتبر و قابل استناد در مراجع قضایی و حقوقی است.
- ✓ قواعد شکلی صدور چک های الکترونیک همانند چک های کاغذی می باشد، بدین صورت که در چک های الکترونیک باید نام دارنده، مبلغ، تاریخ پرداخت و سایر شرایط درج شود.
- ✓ امضای چک های الکترونیک به صورت الکترونیک ثبت می شود.
- ✓ بانک مرکزی موظف است ظرف مدت یک سال، ساز و کارهای اجرائی و سامانه الکترونیکی صدور چک الکترونیکی را ایجاد کند.

ماده ۲: چک های صادر عهده بانک هایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا می شوند همچنین شعب آنها در خارج از کشور در حکم اسناد لازم الاجرا است و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل یا به هر دلیل دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد می تواند طبق قوانین و آیین نامه های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقیمانده آن را از صادرکننده وصول نماید.

برای صدور اجراییه دارنده چک باید عین چک و گواهی نامه مذکور در ماده ۴ و یا گواهی نامه مندرج در ماده ۵ را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم نماید.

اجراء ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می کند که مطابقت امضای چک به نمونه امضای صادرکننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد.

دارنده چک اعم از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او پشت نویسی شده یا حامل چک (در مورد چک های در وجه حامل) یا قائم مقام قانونی آنان.

تبصره (الحاقی ۱۳۷۶ مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام): دارنده چک می تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه های وارده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید. در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم، تقدیم نماید.

قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام:

موضوع استفسار: آیا مراد از خسارت و هزینه های مقرر در تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶، کلیه خسارات و هزینه های لازم از قبیل هزینه های دادرسی، حق الوکاله، ضمان ناشی از تسبیب، خسارات تأخیر تأدیه و امثال آن می باشد؟ در این صورت مبنای محاسبه خسارات، مقررات بانکی است یا مبنای آن عرف می باشد که قاضی به استناد نظریه کارشناسی یا سایر طرق نسبت به استخراج خسارات اقدام می نماید.

نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام: ماده واحده: منظور از عبارت «کلیه خسارات و هزینه های وارده ...» مذکور در تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، خسارات تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله بر اساس تعرفه های قانونی است.

ماده ۳ (اصلاحی ۱۳۸۲): صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده، به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک خودداری نماید. هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد.

ماده ۳ مکرر (الحاقی ۱۳۸۲): چک فقط در تاریخ مندرج در آن و یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود.

ماده ۴ (اصلاحی ۱۳۹۷): هرگاه وجه چک به علتی از علل مندرج در ماده ۲ پرداخت نگردد، بانک مکلف است بنا بر درخواست دارنده چک فوراً غیرقابل پرداخت بودن آن را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی ثبت نماید و با دریافت کد رهگیری و درج آن در گواهینامه‌ای که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادرکننده در آن ذکر شده باشد، علت یا علل عدم پرداخت را صریحاً قید و آن را امضاء و مهر و به متقاضی تسلیم نماید. به گواهینامه فاقد کد رهگیری و فاقد مهر شخص حقوقی در مراجع قضایی و ثبتی ترتیب اثر داده نمی‌شود.

در برگ مزبور [گواهینامه عدم پرداخت] باید مطابقت یا عدم مطابقت امضای صادرکننده با نمونه امضای موجود در بانک (در حدود عرف بانک‌داری) از طرف بانک گواهی شود. بانک مکلف است به منظور اطلاع صادرکننده چک، فوراً نسخه دوم این برگ را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است، ارسال دارد. در برگ مزبور باید نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک نیز قید گردد.

وظایف بانک نسبت به چک پرداخت‌نشده:

- ✓ به درخواست دارنده چک، غیرقابل پرداخت بودن چک باید در سامانه یکپارچه بانک مرکزی قید شود. در این مورد تفاوتی ندارد که عدم پرداخت ناشی از چه امری بوده است.
- ✓ بانک مکلف است با دریافت کد رهگیری و درج آن در گواهینامه‌ای که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادرکننده در آن ذکر شده باشد، علت یا علل عدم پرداخت را صریحاً قید و آن را امضاء و مهر و به متقاضی تسلیم نماید.
- ✓ بانک مکلف است در گواهینامه عدم پرداخت، مطابقت یا عدم مطابقت امضای صادرکننده با نمونه امضای موجود در بانک (در حدود عرف بانک‌داری) را گواهی کند.
- ✓ گواهینامه عدم پرداخت، باید دارای کد رهگیری باشد. به استناد ماده ۳ قانون اصلاح قانون صدور چک (۱۳۹۷) که ماده ۵ قانون صدور چک رو اصلاح کرده: در صورت فقدان کد رهگیری، گواهینامه عدم پرداخت در مراجع ثبتی و قضایی معتبر نیست؛ به عبارتی دیگر یعنی نمی‌توان به استناد آن از اداره ثبت، برای وصول وجه چک، درخواست صدور اجرائیه نمود.
- ✓ بانک باید نسخه‌ای از این گواهی عدم پرداخت را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است، ارسال کند.

ماده ۵ (اصلاحی ۱۳۹۷): در صورتی که موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد، به تقاضای دارنده چک بانک مکلف است مبلغ موجودی در حساب را به دارنده چک بپردازد و دارنده با قید مبلغ دریافت‌شده پشت چک، آن را به بانک تسلیم نماید. بانک مکلف است بنا به درخواست دارنده چک فوراً کسری مبلغ چک را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی وارد نماید و با دریافت کد رهگیری و درج آن در گواهینامه‌ای با مشخصات مذکور در ماده قبل، آن را به متقاضی تحویل دهد. به گواهینامه فاقد کد رهگیری در مراجع قضایی و ثبتی ترتیب اثر داده نمی‌شود.

چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده، بی محل محسوب و گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده چک، جانشین اصل چک می شود. در مورد این ماده نیز بانک مکلف است اعلامیه مذکور در ماده قبل را برای صاحب حساب ارسال نماید.

وظایف بانک در صورت کسر موجودی حساب:

در صورتی که بخشی از مبلغ چک در حساب موجود باشد و با کسر موجودی حساب مواجه شویم، باید:

- ✓ در صورتی که دارنده چک درخواست کند، مبلغ موجود در حساب، به او پرداخت شود و اصل چک از دارنده چک دریافت شود و نسبت به کسری موجودی گواهی عدم پرداخت صادر می شود و در سامانه یکپارچه بانک مرکزی قید می شود.
- ✓ دارنده چک مخیر است بین اینکه چک را نسبت به کل مبلغ برگشت بزند و یا اینکه مبلغ موجود در حساب را دریافت و نسبت به مابقی مبلغ مندرج، چک را برگشت بزند.

ماده ۵ مکرر (الحاقی ۱۳۹۷): بعد از ثبت غیرقابل پرداخت بودن یا کسری مبلغ چک در سامانه یکپارچه بانک مرکزی، این سامانه مراتب را به صورت برخط به تمام بانکها و مؤسسات اعتباری اطلاع می دهد. پس از گذشت بیست و چهار ساعت کلیه بانکها و مؤسسات اعتباری حسب مورد مکلفند تا هنگام رفع سوء اثر از چک، اقدامات زیر را نسبت به صاحب حساب اعمال نمایند:

الف- عدم افتتاح هرگونه حساب و صدور کارت بانکی جدید؛

ب- مسدود کردن وجوه کلیه حسابها و کارتهای بانکی و هر مبلغ متعلق به صادرکننده که تحت هر عنوان نزد بانک یا مؤسسه اعتباری دارد به میزان کسری مبلغ چک به ترتیب اعلامی از سوی بانک مرکزی؛

ج- عدم پرداخت هرگونه تسهیلات بانکی یا صدور ضمانتنامه های ارزی یا ریالی؛

د- عدم گشایش اعتبار اسنادی ارزی یا ریالی.

تبصره ۱: چنانچه اعمال محرومیت های مذکور در بندهای «الف»، «ج» و «د» در خصوص بنگاه های اقتصادی^۱ با توجه به شرایط، اوضاع و احوال اقتصادی موجب اخلاف در امنیت اقتصادی استان مربوط شود، به تشخیص

^۱ بنگاه های اقتصادی طبق آیین نامه اجرایی تبصره ۱ ماده ۵ مکرر قانون صدور چک حداقل باید دارای یکی از شرایط زیر باشند: ۱. تعداد کارکنان بنگاه در ۱۲ ماه منتهی به درخواست طبق فهرست حق بیمه پرداختی ۱۰۰ نفر و بیشتر باشد؛ ۲. میزان فروش بنگاه ناشی از فعالیت اصلی تولیدی طبق آخرین صورت های مالی، بیش از نصاب مقرر برای گروه اول موضوع ماده ۲ آیین نامه مربوط به نوع دفاتر، اسناد و مدارک و روش های نگهداری و نمونه اظهارنامه مالیاتی و نحوه ارایه برای رسیدگی و تشخیص درآمد مشمول مالیات موضوع ماده ۹۵ اصلاحی قانون مالیات های مستقیم - مصوب ۱۳۹۴ - وزیر امور اقتصادی و دارایی باشد؛ ۳. میانگین میزان ارزش صادرات بنگاه در دو سال آخر فعالیت، حسب اعلام گمرک جمهوری اسلامی ایران، بیش از یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) یورو بوده و ارز حاصل از آن طبق ضوابط و مقررات بانک مرکزی به چرخه اقتصادی کشور بازگردانده شده باشد. تبصره - اشخاص دارای محکومیت قطعی به جرایم اقتصادی موضوع قانون مجازات اسلامی یا دارای حکم ورشکستگی به تقصیر و یا تقلب مشمول این آیین نامه نخواهند بود. این شرط صرفاً پس از ایجاد امکان استعلام سامانه ای (سیستمی) برقرار خواهد بود.

شورای تأمین استان موارد مذکور به مدت یک سال به حالت تعلیق در می‌آید^۲. آیین‌نامه اجرائی این تبصره با در نظر گرفتن معیارهایی مانند میزان تولید و صادرات بنگاه و تعداد افراد شاغل در آن ظرف مدت سه ماه از لازم‌الاجراء شدن این قانون به پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

تبصره ۲: در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شود، اقدامات موضوع این ماده علاوه بر صاحب حساب، در مورد وکیل یا نماینده نیز اعمال می‌گردد مگر اینکه در مرجع قضایی صالح اثبات نماید عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است. بانک‌ها مکلفند به هنگام صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت، در صورتی که چک به نمایندگی صادر شده باشد، مشخصات نماینده را نیز در گواهی‌نامه مذکور درج نمایند.

تبصره ۳: در هر یک از موارد زیر، بانک مکلف است مراتب را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی اعلام کند تا فوراً و به صورت برخط از چک رفع سوءاثر شود:

الف - واریز کسری مبلغ چک به حساب جاری نزد بانک مُحالْ عَلَیْهِ و ارائه درخواست مسدودی که در این صورت بانک مکلف است ضمن مسدود کردن مبلغ مذکور تا زمان مراجعه دارنده چک و حداکثر به مدت یک سال، ظرف مدت سه روز، واریز مبلغ را به شیوه‌ای اطمینان‌بخش و قابل استناد به اطلاع دارنده چک برساند.

ب - ارائه لاشه چک به بانک مُحالْ عَلَیْهِ؛

ج - ارائه رضایت‌نامه رسمی (تنظیم‌شده در دفاتر اسناد رسمی) از دارنده چک یا نامه رسمی از شخص حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی دارنده چک؛

د - ارائه نامه رسمی از مرجع قضایی یا ثبتی ذی صلاح مبنی بر اتمام عملیات اجرائی در خصوص چک؛

هـ - ارائه حکم قضایی مبنی بر برائت ذمه صاحب حساب در خصوص چک؛

و - سپری شدن مدت سه سال از تاریخ صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت مشروط به عدم طرح دعوای حقوقی یا کیفری در خصوص چک توسط دارنده.

تبصره ۴: چنانچه صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت طبق ماده ۱۴ این قانون و تبصره های آن باشد، سوءاثر محسوب نخواهد شد.

تبصره ۵: بانک یا مؤسسه اعتباری حسب مورد مسؤول جبران خساراتی خواهند بود که از عدم انجام تکالیف مقرر در این ماده و تبصره‌های آن به اشخاص ثالث وارد گردیده است.

❖ ماده فوق بیان‌کننده موارد تنبیهی برای صادرکننده چک پرداخت‌نشده یا دارای کسر موجوی است. در این مورد نکات ذیل قابل توجه است:

^۲ مدت یک‌ساله در نظر گرفته‌شده برای تعلیق محدودیت نسبت به بنگاه اقتصادی قابل تمدید نخواهد بود و هر بنگاه اقتصادی صرفاً سه سال پس از انقضای مدت یک‌ساله مزبور امکان ثبت درخواست جدید را خواهد داشت.

✓ این موارد تنبیهی تا رفع سوءاثر از چک پابرجاست.

✓ این موارد تنبیهی به شرح ذیل هستند:

- عدم افتتاح حساب و صدور کارت بانکی جدید؛
 - مسدود نمودن وجوه کلیه حسابها و کارت‌های بانکی و هر مبلغ متعلق به صادرکننده که تحت هر عنوان نزد بانک یا مؤسسه اعتباری دارد به میزان کسری مبلغ چک به ترتیب اعلامی از سوی بانک مرکزی؛
 - عدم پرداخت هرگونه تسهیلات بانکی یا صدور ضمانت‌نامه‌های ارزی یا ریالی؛
 - عدم گشایش اعتبار اسنادی ارزی یا ریالی.
- ✓ اجرای موارد تنبیهی فوق غیر از مورد «مسدود نمودن وجوه کلیه حسابها و کارت‌های بانکی و هر مبلغ متعلق به صادرکننده که تحت هر عنوان نزد بانک یا مؤسسه اعتباری دارد به میزان کسری مبلغ چک به ترتیب اعلامی از سوی بانک مرکزی» ممکن است به تشخیص شورای تأمین استان در خصوص بنگاه‌های اقتصادی، به مدت یک سال به حالت تعلیق درآید.
- ✓ در فرض صدور چک توسط وکیل یا نماینده مانند مدیر شرکت، اقدامات تنبیهی فوق در مورد شخص حقیقی نماینده یا وکیل نیز اعمال می‌شود؛ مگر ثابت کند عدم پرداخت منتسب به او نیست.
- ✓ در صورتی که گواهینامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت توسط صاحب حساب باشد، سوءاثر تلقی نمی‌شود و اقدامات تنبیهی فوق اعمال خواهد شد.
- ✓ اینکه وجوه صادرکنندگان چک‌های برگشتی باید به میزان کسری مبلغ چک در نزد بانکها و مؤسسات اعتباری مسدود شود، به این معنا نیست که دستور پرداخت‌های صادره بر عهده مؤسسات اعتباری چک تلقی شود. به نظر می‌رسد وفق اصلاحات جدید، چک فقط بر عهده بانک قابل صدور دانسته شده است.

رفع سوءاثر: در موارد ذیل از چک برگشتی رفع سوءاثر خواهد شد و در نتیجه اقدامات تنبیهی فوق اعمال نخواهد شد:

- ✓ واریز کسری موجودی و مسدودی آن تا برداشت دارنده چک یا نهایتاً سپری شدن یک سال (بانک باید ظرف ۳ روز واریز مبلغ را به دارنده چک اطلاع دهد).
- ✓ ارائه لاشه چک به بانک
- ✓ رضایت‌نامه محضری رسمی یا نامه رسمی شخص حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی؛
- ✓ حکم قضایی مبنی بر برائت ذمه صاحب حساب؛
- ✓ سپری شدن ۳ سال از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت، مشروط به عدم طرح دعوای حقوقی یا کیفری.

نکته: طبق قانون صدور چک مؤسسه‌های مالی و اعتباری بدون آنکه مشمول امتیازات بانک‌ها شوند و بدون آنکه چک آنها نیز چک اصطلاحی محسوب شود و امتیازات چک را داشته باشد مشمول تکالیف قانون صدور چک قرار گرفته‌اند از جمله تکلیف ثبت در سامانه صیاد، مسدود کردن حسابها و ...

ماده ۶ (اصلاحی ۱۳۹۷): بانک‌ها مکلفند برای ارائه دسته چک به مشتریان خود، صرفاً از طریق سامانه صدور یکپارچه چک (صیاد) نزد بانک مرکزی اقدام نمایند. این سامانه پس از اطمینان از صحت مشخصات متقاضی با استعلام از سامانه نظام هویت‌سنجی الکترونیکی بانکی و نبود ممنوعیت قانونی، حسب مورد نسبت به دریافت گزارش اعتباری از سامانه ملی اعتبارسنجی موضوع ماده ۵ «قانون تسهیل اعطای تسهیلات و کاهش هزینه‌های

طرح و تسريع در اجرای طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانک‌ها مصوب ۱۳۸۶/۴/۵»^۳ یا رتبه‌بندی اعتباری از مؤسسات موضوع بند ۲۱ ماده ۱ «قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱»^۴ اقدام نموده و متناسب با نتایج دریافتی، سقف اعتبار مجاز متقاضی را محاسبه و به هر برگه چک شناسه یکتا و مدت اعتبار اختصاص می‌دهد. حداکثر مدت اعتبار چک از زمان دریافت دسته چک سه سال است و چک‌هایی که تاریخ مندرج در آنها پس از مدت اعتبار باشد، مشمول این قانون نمی‌شوند. ضوابط این ماده از جمله شرایط دریافت دسته چک، نحوه محاسبه سقف اعتبار و موارد مندرج در برگه چک مانند هویت صاحب حساب مطابق دستورالعملی است که ظرف مدت یک سال پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط بانک مرکزی تهیه می‌شود و به تصویب شورای پول و اعتبار می‌رسد.

تبصره ۱ (الحاقی ۱۳۹۷): بانک‌ها و سایر اشخاصی که طبق قوانین یا مقررات مربوط، اطلاعات مورد نیاز اعتبارسنجی یا رتبه‌بندی اعتباری را در اختیار مؤسسات مربوط قرار می‌دهند، مکلف به ارائه اطلاعات صحیح و کامل می‌باشند.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۳۹۷): به منظور کاهش تقاضا برای دسته چک و رفع نیاز اشخاص به ابزار پرداخت وعده‌دار، بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت یک سال پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، ضوابط و زیرساخت خدمات برداشت مستقیم را به صورت چک موردی برای اشخاصی که دسته چک ندارند، به صورت یکپارچه در نظام بانکی تدوین و راه‌اندازی نماید تا بدون نیاز به اعتبارسنجی، رتبه‌بندی اعتباری و استفاده از دسته چک، امکان برداشت از حساب این اشخاص برای ذی‌نفعان معین فراهم شود. در صورت عدم موجودی کافی برای پرداخت چک موردی، صاحب حساب تا زمان پرداخت دین، مشمول موارد مندرج در بندهای الف تا د ماده ۵ مکرر این قانون و نیز محرومیت از دریافت دسته چک، صدور چک جدید و استفاده از چک موردی می‌باشد.

تبصره ۳ (الحاقی ۱۳۹۷): هر شخصی که با توسل به شیوه‌های متقلبانه مبادرت به دریافت دسته چکی غیرمتناسب با اوضاع مالی و اعتباری خود کرده یا دریافت آن توسط دیگری را تسهیل نماید، به مدت سه سال از دریافت دسته چک، صدور چک جدید و استفاده از چک موردی محروم و به جزای نقدی درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود و در صورتی که عمل ارتكابی منطبق با عنوان مجرمانه دیگری با مجازات شدیدتر باشد، مرتکب به مجازات آن جرم محکوم می‌شود.

اعتبارسنجی متقاضیان برای اعطای دسته چک:

✓ در این ماده مقرر شده است که بانک‌ها تمام دسته چک‌ها را باید طبق سامانه صیاد تنظیم و صادر کنند.

^۳ دولت مکلف است ترتیبی اتخاذ نماید که ظرف مدت یک سال از تاریخ تصویب این قانون با ایجاد و به‌کارگیری نهادهای جدید مالی از قبیل بانک جامع اطلاعات، رتبه‌بندی و اعتبارسنجی مشتریان، گروه‌های مشاور مالی و سرمایه‌گذاری غیردولتی، ساماندهی مطالبات معوق، مؤسسات تضمین اعتبار، زمینه تسهیل و تسريع اعطاء تسهیلات بانکی را فراهم نماید.

^۴ منظور نهادهای مالی فعال در بازار اوراق بهادارند که از آن جمله می‌توان به کارگزاران، کارگزاران/معامله‌گران، بازارگردانان، مشاوران سرمایه‌گذاری، مؤسسات رتبه‌بندی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های پردازش اطلاعات مالی، شرکت‌های تأمین سرمایه و صندوق‌های بازنشستگی اشاره کرد.

✓ این دسته چک‌ها از طریق اعتبارسنجی صادر شده و به هر برگ چک مدت اعتبار و شناسه ویژه‌ای اختصاص داده می‌شود.

✓ با توجه به اعتبارسنجی متقاضیان دسته چک، به آنها دسته چکی با اعتبار مشخصی داده می‌شود. مجموع مبالغ چک‌هایی که صادرکنندگان صادر کرده و هنوز پرداخت نشده‌اند، نمی‌تواند از سقف اعتبار مزبور بیشتر باشد، در غیر این صورت، سامانه صیاد، این چک را به رسمیت نمی‌شناسد.

✓ طبق تبصره ۳ این ماده، اگر شخصی به شکل متقلبانه دسته چکی دریافت کند با اوضاع مالی و اعتباری اش متناسب نباشد یا دریافت دسته چک نامتناسب شخص دیگر را تسهیل کند، به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود:

- تا سه سال از دریافت دسته چک و صدور چک جدید و چک موردی محروم می‌شود.
- جزای نقدی درجه ۵ (بیش از ۸۰'۰۰۰'۰۰۰ ریال تا ۱۸۰'۰۰۰'۰۰۰ ریال) مگر مجازات شدیدتری برای اعمالش قابل تصور باشد.

✓ حداکثر مدت اعتبار چک از زمان دریافت دسته چک، سه سال است، همچنین این مدت اعتبار بر روی چک‌ها قید می‌شود.

✓ چک‌هایی که مدت مندرج بر روی آنها پس از مدت اعتبار باشد، مشمول مزایای قانون صدور چک نیستند.

✓ طبق قسمت اخیر ماده، دستورالعمل این ماده ظرف یک سال توسط بانک مرکزی تهیه و به تصویب شورای پول و اعتبار می‌رسد و تا قبل از آن، همان چک‌های رایج فعلی از احکام چک تبعیت می‌کنند.

چک موردی: چک موردی برای اشخاصی که دارای دسته چک نیستند قابل صدور است.

احکام چک موردی:

- ✓ بانک مرکزی باید ظرف یک سال، ضوابط چک موردی را تعیین نماید.
- ✓ صدور چک موردی، نیازمند اعتبارسنجی و داشتن دسته چک نیست.
- ✓ در صورتی که برای پرداخت وجه چک موردی، موجودی کافی در حساب نباشد تا زمانی که وجه آن پرداخت نشده، مشمول موارد تنبیهی مندرج در ماده قبل (سوءاثر) است و همچنین شخص نمی‌تواند دسته چک دریافت کند یا چک موردی دیگری یا هر نوع چک دیگری صادر کند.
- ✓ سایر احکام چک، مانند صدور اجرائیه، ضمانت، مسؤولیت تضامنی و غیره درباره چک موردی نیز اجرا می‌شود.
- ✓ طبق نص ماده فوق، چک موردی برای پرداخت‌های وعده‌دار است، نه بی‌وعده.
- ✓ چک موردی در وجه حامل قابل صدور و ظهرنویسی نیست.

ماده ۷ (اصلاحی ۱۳۸۲): هرکس مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد به شرح ذیل محکوم خواهد شد:

الف- چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده میلیون ریال باشد به حبس تا حداکثر شش ماه محکوم خواهد شد.

ب- چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال باشد از شش ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.

ج- چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون ریال بیشتر باشد به حبس از یک سال تا دو سال و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال محکوم خواهد شد و در صورتی که صادرکننده چک اقدام به صدور چک‌های بلامحل نموده باشد مجموع مبالغ مندرج در متون چک‌ها ملاک عمل خواهد بود.

تبصره (الحاقی ۱۳۸۲): این مجازات شامل مواردی که ثابت شود چک‌های بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا بهره‌ربری صادرشده، نمی‌باشد.

ماده ۸ (اصلاحی ۱۳۷۲): چک‌هایی که در ایران عهده بانک‌های خارج از کشور صادر شده باشند از لحاظ کیفری مشمول مقررات این قانون خواهند بود.

ماده ۹: در صورتی که صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری، وجه چک را نقداً به دارنده آن پرداخته یا به موافقت شاکی خصوصی ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال‌علیه فراهم نماید قابل تعقیب کیفری نیست. در مورد اخیر بانک مذکور مکلف است تا میزان وجه چک حساب صادرکننده را مسدود نماید و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک وجه آن را بپردازد.

ماده ۱۰ (اصلاحی ۱۳۷۲): هر کس با علم به بسته‌بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید عمل وی در حکم صدور چک بی‌محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین‌شده، غیرقابل تعلیق خواهد بود.

ماده ۱۱: جرایم مذکور در این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست و در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه ننماید یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت. (مرور زمان خاص)

منظور از دارنده چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است.

برای تشخیص این که چه کسی اولین بار برای وصول چک به بانک مراجعه کرده است، بانک‌ها مکلفند به محض مراجعه دارنده چک، هویت کامل او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید نمایند.

کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده حق شکایت کیفری نخواهد داشت مگر آنکه انتقال قهری باشد.

در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بی‌محل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح نمایندگی شخص مذکور در ظهر چک قید نماید و در [این] صورت بانک اعلامیه مذکور در ماده ۴ و ۵ را به نام صاحب چک صادر می‌کند و حق شکایت کیفری وی محفوظ خواهد بود.

تبصره: هرگاه بعد از شکایت کیفری، شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به هر نحو دیگری واگذار نماید تعقیب کیفری موقوف خواهد شد. (قرار موقوفی تعقیب)

ماده ۱۲ (اصلاحی ۱۳۸۲): هرگاه قبل از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت نماید و یا اینکه متهم، وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارت مذکور (از تاریخ

ارائه چک به بانک) را فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجراء ثبت تودیع نماید مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد. صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که دادگاه نسبت به سایر خسارت مورد مطالبه رسیدگی و حکم صادر کند.

هرگاه پس از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت کند و یا اینکه محکوم علیه به ترتیب فوق موجبات پرداخت وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید اجرای حکم موقوف می شود قرار موقوفی اجرا صادر می شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد.

تبصره (الحاقی ۱۳۸۲): میزان خسارات و نحوه احتساب آن بر مبنای «قانون الحاق یک تبصره به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک» (مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام) خواهد بود. (این تبصره، در بالا توضیح داده شد)

ماده ۱۳ (اصلاحی ۱۳۸۲): در موارد زیر صادرکننده چک قابل تعقیب کیفری نیست:

الف - در صورتی که ثابت شود چک سفید امضاء داده شده باشد.

ب - هرگاه در متن چک وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.

ج - چنانچه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله و یا تعهدی است.

د - هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

ه - در صورتی که ثابت شود چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد.



ماده ۱۴ (اصلاحی ۱۳۷۲): صادرکننده چک یا ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده می تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می نماید.

دارنده چک می تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و هرگاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت گردد دستوردهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ این قانون به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد.

تبصره ۱ (اصلاحی ۱۳۷۶): ذی نفع در مورد این ماده کسی است که چک به نام او صادر یا ظهرنویسی شده یا چک به او واگذار گردیده باشد (یا چک در وجه حامل به او واگذار گردیده)

در موردی که دستور عدم پرداخت مطابق این ماده صادر می شود بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستوردهنده در حساب مسدودی نگهداری نماید.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۳۷۲): دستوردهنده مکلف است پس از اعلام به بانک شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم و حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم نماید در غیر این صورت پس از انقضا مدت مذکور (یعنی بعد از اتمام یک هفته) بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت می کند.

تبصره ۳ (الحاقی ۱۳۷۶): پرداخت چک های تضمین شده و مسافرتی را نمی توان متوقف نمود مگر آنکه بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید. در این مورد نیز حق دارنده چک راجع به شکایت به مراجع قضایی طبق مفاد قسمت اخیر ماده ۱۴ محفوظ خواهد بود.

ماده ۱۵: دارنده چک می تواند وجه چک و ضرر و زیان خود را در دادگاه کیفری مرجع رسیدگی مطالبه نماید.
ماده ۱۶: رسیدگی به کلیه شکایات و دعاوی جزایی و حقوقی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه تا خاتمه دادرسی، فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد.

ماده ۱۷: وجود چک در دست صادرکننده دلیل پرداخت وجه آن و انصراف شاکی از شکایت است مگر خلاف این امر ثابت گردد.

ماده ۱۸ (اصلاحی ۱۳۷۲): مرجع رسیدگی کننده [به] جرائم مربوط به چک بلامحل، از متهمان در صورت توجه اتهام طبق ضوابط مقرر در ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) - مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی - حسب مورد یکی از قرارهای تأمین کفالت یا وثیقه (اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول) اخذ می نماید.

نکته: قانون آیین دادرسی کیفری سال ۷۸ به موجب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (با آخرین اصلاحات ۱۳۹۴) نسخ شده اما خیلی در اینجا این نسخ، مهم نیست چراکه ماده ۱۸ می خواد بگه: از ده قرار تأمینی که باز پرس می تواند صادر کند

در چک فقط یک از دو قرار «أخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله» و «أخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول» قابل صدور است.

ماده ۱۹: در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب امضاء متضامناً مسؤول پرداخت وجه چک بوده و اجراییه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو نفر صادر می شود. به علاوه امضاءکننده چک طبق مقررات این قانون مسؤولیت کیفری خواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است، که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسؤول خواهد بود.



ماده ۲۰: مسؤولیت مدنی پشت نویسان چک طبق قوانین و مقررات مربوط [مثلاً قانون تجارت] کماکان به قوت خود باقی است.

ماده ۲۱ (اصلاحی ۱۳۷۲): بانکها مکلفند کلیه حسابهای جاری اشخاصی را که بیش از یکبار چک بی محل صادر کرده و تعقیب آنها منجر به صدور کیفرخواست شده باشد بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری دیگری باز ننمایند.

تبصره ۱ (اصلاحی ۱۳۹۷): بانک مرکزی مکلف است با تجمیع اطلاعات گواهینامه های عدم پرداخت و آرای قطعی محاکم درباره چک در سامانه یکپارچه خود، امکان دسترسی برخط بانکها و مؤسسات اعتباری را به سوابق صدور و پرداخت چک و همچنین امکان استعلام گواهینامه های عدم پرداخت را برای مراجع قضایی و ثبتی از طریق شبکه ملی عدالت ایجاد نماید. قوه قضائیه نیز مکلف است امکان دسترسی برخط بانک مرکزی به احکام ورشکستگی، اعسار از پرداخت محکوم به و همچنین آرای قطعی صادر شده درباره چکهای برگشتی و دعاوی مطروحه طبق ماده ۱۴ این قانون به همراه گواهینامه عدم پرداخت مربوط را از طریق سامانه سجل محکومیت های مالی فراهم نماید.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۳۷۲): ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت افراد از افتتاح حساب جاری و نحوه پاسخ به استعلامات بانکها به موجب آیین نامه ای خواهد بود که ظرف مدت سه ماه توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تنظیم و به تصویب هیأت دولت می رسد.

ماده ۲۱ مکرر (الحاقی ۱۳۹۷): بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت دو سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون در مورد اشخاص ورشکسته، معسر از پرداخت محکوم به یا دارای چک برگشتی رفع سوء اثر نشده، از دریافت دسته چک و صدور چک جدید در سامانه صیاد و استفاده از چک موردی جلوگیری کرده و همچنین امکان استعمال آخرین وضعیت صادرکننده چک شامل سقف اعتبار مجاز، سابقه چک برگشتی در سه سال اخیر و میزان تعهدات چک های تسویه نشده را صرفاً برای کسانی که قصد دریافت چک را دارند، فراهم نماید. سامانه مذکور به نحوی خواهد بود که صدور هر برگه چک مستلزم ثبت هویت دارنده، مبلغ و تاریخ مندرج در چک برای شناسه یکتای برگه چک توسط صادرکننده بوده و امکان انتقال چک به شخص دیگر توسط دارنده تا قبل از تسویه آن، با ثبت هویت شخص جدید برای همان شناسه یکتای چک امکان پذیر باشد. مبلغ چک نباید از اختلاف سقف اعتبار مجاز و تعهدات چک های تسویه نشده بیشتر باشد.

تبصره ۱: در مورد چک هایی که پس از گذشت دو سال از لازم الاجراء شدن این قانون صادر می شوند، تسویه چک صرفاً در سامانه تسویه چک (چکاوک) طبق مبلغ و تاریخ مندرج در سامانه و در وجه دارنده نهایی چک بر اساس استعمال از سامانه صیاد انجام خواهد شد و در صورتی که مالکیت آنها در سامانه صیاد ثبت نشده باشد، مشمول این قانون نبوده و بانک ها مکلفند از پرداخت وجه آنها خودداری نمایند. در این موارد، صدور و پشت نویسی چک در وجه حامل ممنوع است و ثبت انتقال چک در سامانه صیاد جایگزین پشت نویسی چک خواهد بود. چک هایی که تاریخ صدور آنها قبل از زمان مذکور باشد، تابع قانون زمان صدور می باشد.

تبصره ۲: ممنوعیت های این ماده در مورد اشخاص ورشکسته، معسر از پرداخت محکوم به یا دارای چک برگشتی رفع سوء اثر نشده که به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی اقدام می کنند نیز مجری است.

سامانه صیاد: در این ماده برای صدور و ظهور نویسی چک، سامانه ای رایانه ای به نام سامانه صیاد پیش بینی شده است.

عملکرد سامانه صیاد:

- ✓ بانک مرکزی باید ظرف ۲ سال نام اشخاص ورشکسته، معسر از پرداخت محکوم به یا اشخاصی که چک برگشتی صادر کرده اند و هنوز رفع سوء اثر نشده است را در سامانه صیاد درج کرده و از دریافت دسته چک توسط آنها و صدور چک جدید در سامانه صیاد و استفاده از چک موردی جلوگیری نماید.
- ✓ اگر اشخاص ورشکسته چکی صادر کنند، احکام چک با رعایت قواعد ورشکستگی بر آن حاکم است. این ماده دلالت بر آن ندارد که چک صادره توسط اشخاص ورشکسته یا معسر از پرداخت محکوم به تابع احکام قانون صدور چک نیست؛ بلکه دلالت بر آن دارد که بانک ها نباید به ایشان دسته چک بدهند.
- ✓ ممنوعیت مندرج در ماده فوق، درباره چک هایی که به وکالت صادر شده نیز مجری است. برای مثال اگر شخصی به وکالت یا به عنوان مدیر شرکت، چک امضاء کند و آن چک منتهی به عدم پرداخت شود، نام آن وکیل یا مدیر در سامانه صیاد درج می شود و آنها از گرفتن دسته چک یا صدور چک موردی یا صدور هرگونه چک ممنوع می شوند.
- ✓ بانک مرکزی باید امکان استعمال آخرین وضعیت صادرکننده چک، شامل سقف اعتبار و سابقه چک برگشتی ظرف ۳ سال اخیر و میزان تعهدات تسویه نشده را صرفاً برای کسانی که قصد دریافت چک را دارند فراهم کند.

✓ صدور هر برگ مشروط به آن است که مبلغ و تاریخ مندرج در چک و نام دارنده آن چک همراه با شناسه ویژه (یکتا) آن چک در سامانه صیاد درج شود. در صورتی که صدور چک در سامانه صیاد درج نشود، آن چک به منزله یک سند تعهدآور مدنی خواهد بود.

✓ انتقال چک قبل از تسویه آن با ثبت هویت شخصی جدید برای همان شناسه یکتا امکان پذیر است.

✓ مبلغ چک نباید از اختلاف سقف اعتبار مجاز و تعهدات چک های تسویه نشده بیشتر باشد. به عبارت دیگر، مجموع مبالغ چک هایی که یک شخص از دسته چک های خود صادر می کند و در سامانه صیاد درج می کند و هنوز پرداخت نشده اند، نمی تواند از سقف اعتباری که در سامانه اعتبارسنجی برای او در نظر گرفته شده است، بیشتر باشد.

✓ چک هایی که بعد از ۲ سال از این قانون صادر خواهد شد، در سامانه تسویه چک (چکاوک) تسویه می شود. تسویه آنها طبق مبلغ و تاریخ مندرج در سامانه صیاد و در وجه دارنده نهایی است که نام او به عنوان دارنده در سامانه صیاد درج شده است.

✓ اگر بعد از گذشت ۲ سال از تاریخ اجرای این قانون، مالکیت دارنده چک در سامانه صیاد ثبت نشده باشد، آن چک مشمول قانون صدور چک نیست و بانک ها باید از پرداخت آن خودداری کنند؛ در غیر این صورت، این چک یک سند تعهدآور مدنی محسوب می شود و تابع احکام قانون صدور چک نیست.

✓ بعد از تشکیل این سامانه توسط بانک مرکزی، صدور و ظهرنویسی چک در وجه حامل ممنوع است.

✓ ثبت انتقال چک در سامانه صیاد جایگزین ظهرنویسی چک می شود؛ بنابراین بعد از تشکیل سامانه مذکور، انتقال چک نیازمند امضاء و ظهرنویسی در پشت چک نیست؛ بلکه صرفاً به موجب درج مشخصات منتقل الیه در سامانه انجام می شود.

✓ چک هایی که تاریخ صدور آنها قبل از زمان مذکور باشد، تابع قانون زمان صدور می باشند.

ماده ۲۲ (اصلاحی ۱۳۸۲): در صورتی که به متهم دسترسی حاصل نشود، آخرین نشانی متهم در بانک مُحالْ عَلَیْهِ اقامتگاه قانونی او محسوب می شود و هرگونه ابلاغی به نشانی مزبور به عمل می آید. هرگاه متهم حسب مورد در نشانی بانکی یا نشانی تعیین شده شناخته نشود یا چنین محلی وجود نداشته باشد گواهی مأمور به منزله ابلاغ اوراق تلقی می شود و رسیدگی به متهم بدون لزوم احضار متهم به وسیله مطبوعات ادامه خواهد یافت.

ماده ۲۳ (اصلاحی ۱۳۹۷): دارنده چک می تواند با ارائه گواهینامه عدم پرداخت، از دادگاه صالح صدور اجرائیه نسبت به کسری مبلغ چک و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی را درخواست نماید. دادگاه مکلف است در صورت وجود شرایط زیر حسب مورد علیه صاحب حساب، صادرکننده یا هر دو اجرائیه صادر نماید.

الف - در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی نشده باشد؛

ب - در متن چک قید نشده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است؛

ج - گواهینامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت طبق ماده ۱۴ این قانون و تبصره های آن صادر نشده باشد.

صادرکننده مکلف است ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه، بدهی خود را بپردازد، یا با موافقت دارنده چک ترتیبی برای پرداخت آن بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای حکم را میسر کند؛ در غیر این صورت حسب

درخواست دارنده، اجرای احکام دادگستری، اجرائیه را طبق «قانون نحوه محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۳» به مورد اجراء گذاشته و نسبت به استیفای مبلغ چک اقدام می‌نماید.

اگر صادرکننده یا قائم‌مقام قانونی او دعاوی مانند مشروط یا بابت تضمین بودن چک یا تحصیل چک از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا دیگر جرائم در مراجع قضائی اقامه کند، اقامه دعوی مانع از جریان عملیات اجرائی نخواهد شد؛ مگر در مواردی که مرجع قضائی ظنّ قوی پیدا کند یا از اجرای سند مذکور ضرر جبران‌ناپذیر وارد گردد که در این صورت با أخذ تأمین مناسب، قرار توقف عملیات اجرایی صادر می‌نماید. در صورتی که دلیل ارائه‌شده مستند به سند رسمی باشد یا اینکه صادرکننده یا قائم‌مقام قانونی مدعی مفقودشدن چک بوده و مرجع قضائی دلایل ارائه‌شده را قابل قبول بداند، توقف عملیات اجرائی بدون أخذ تأمین صادر خواهد شد. به دعوی مذکور خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد.

صدور اجرائیه برای وصول وجه چک: در این ماده قانون مزیت جدیدی برای چک در نظر گرفته است و آن، این است که دارنده چک می‌تواند برای وصول وجه چک به جای طرح دعوا در دادگاه، از دادگاه صالح درخواست صدور اجرائیه نماید.

شیوه درخواست صدور اجرائیه:

- ✓ دارنده چک با رجوع به دادگاه صالح درخواست می‌کند که دادگاه برای وصول وجه چک و حقّ الوکاله وکیل، بدون نیاز به رسیدگی قضائی و بدون نیاز به صدور حکم، اجرائیه صادر کند و وجه چک را وصول کند.
- ✓ چک، سند عادی لازم‌الاجراء است و علاوه بر اجرای ماده فوق وفق «آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی» (مصوب ۱۳۸۷ رئیس قوه قضائیه با اصلاحات ۱۳۹۸) قابلیت صدور اجرائیه برای اجراء را از طریق ثبتی دارد.
- ✓ طبق رأی وحدت رویه شماره ۶۸۸، دادگاه صالح برای صدور اجرائیه، همان دادگاه صالح برای اصل دعوا است؛ یعنی یا دادگاه محلّ اقامت صادرکننده چک (محلّ اقامت خوانده) یا دادگاه محلّ وقوع شعبه محالّ علیه (دادگاه محلّ انجام تعهد) یا دادگاه محلّ صدور چک (محلّ وقوع عقد یا قرارداد).
- ✓ اجرائیه نسبت به کسری مبلغ چک و حقّ الوکاله وکیل صادر می‌شود. برای دریافت خسارت تأخیر تأدیه، نمی‌توان از این روش بهره برد و باید اقدام به طرح دعوا نمود.
- ✓ در این روش، حقّ الوکاله وکیل، معادل حقّ الوکاله مرحله اجرا قابل وصول است.
- ✓ اجرائیه فقط علیه صاحب حساب صادر می‌شود، به عبارتی دیگر علیه ضامن و ظهرنویس صادر نمی‌شود.
- ✓ در مواردی که چک به نمایندگی صادر شده است، اجرائیه علیه صاحب حساب یا صادرکننده یا به نحو تضامن علیه هر دو قابل صدور است.
- ✓ صدور اجرائیه برای وصول وجه چک منوط به آن است که:
 - در متن چک، چک به صورت مشروط یا بابت تضمین صادر نشده باشد.
 - دلیل برگشت خوردن چک، دستور عدم پرداخت از جانب صادرکننده نباشد.
- ✓ صادرکننده چک باید ظرف ۱۰ روز از ابلاغ اجرائیه مبلغ را بپردازد یا موافقت دارنده را جلب کند یا مالی را معرفی نماید که اجرای حکم را میسر کند. در غیر این صورت قانون اجرای نحوه محکومیت‌های مالی نسبت به او قابل اجرا است؛ یعنی دارنده چک می‌تواند درخواست توقیف اموال او، جلب او و ممنوع‌الخروجی او را داشته باشد.

- ✓ اگر صادرکننده، چک را بابت تضمین یا امانت بداند یا امضای خود را در چک جعلی بداند یا ادعای پرداخت وجه چک و عدم مدیونیت داشته باشد، می تواند برای ابطال اجرائیه، اقامه دعوا نماید. این اقامه دعوی صادرکننده مانع جریان اجراء نیست، مگر آنکه مرجع قضایی ظن قوی پیدا کند یا از اجرای سند ضرر جبران ناپذیری به او وارد شود که در این صورت با **أخذ تأمین مناسب**، قرار توقف عملیات اجرائی صادر می شود.
- ✓ به این دعاوی خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد.
- ✓ در دو حالت بدون أخذ تأمین، قرار توقف عملیات اجرائی صادر می شود.
- ادعای صادرکننده چک برای ابطال اجرائیه، مستند به سند رسمی باشد.
- صادرکننده چک مدعی مفقودشدن چک باشد و مرجع قضایی دلایل او را قابل قبول بداند.
- ✓ با توجه به عموم و اطلاق این ماده، این امتیاز نسبت به چک هایی که قبل از تاریخ تصویب این قانون صادر شده اند، نیز قابل استفاده است.

ماده ۲۴ (الحاقی ۱۳۹۷): در صورت تخلف از هر یک از تکالیف مقرر در این قانون برای بانک ها یا مؤسسات اعتباری اعم از دولتی و غیردولتی، کارمند خاطی و مسؤول شعبه مربوط حسب مورد با توجه به شرایط، امکانات، دفعات و مراتب به مجازات های مقرر در ماده ۹ «قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷» محکوم می شوند که رسیدگی به این تخلفات در صلاحیت بانک مرکزی است.

طریق اول پیگیری چک: طرح شکایت کیفری علیه صادرکننده چک:

دارنده چک در صورت عدم پرداخت وجه چک می تواند علیه **صادرکننده** شکایت کیفری به جرم **صدور چک بلامحل** مطرح نماید. نکات موردتوجه از قرار ذیل است:

۱. مستنداً به ماده ۱۱ قانون صدور چک برای طرح شکایت کیفری بایستی مواعد ۶ ماهه رعایت شده باشد یعنی:
 - اولاً: بایستی دارنده در ظرف ۶ ماه از تاریخ صدور چک، گواهی عدم پرداخت اخذ نموده باشد.
 - ثانیاً: دارنده چک بایستی ظرف ۶ ماه از تاریخ گواهی عدم پرداخت، شکایت کیفری طرح نموده باشد.
- در صورت عدم رعایت یکی از مواعد فوق الاشعار طرح شکایت کیفری منتفی است.
۲. هرگاه چک به وکالت صادر گردد و یا به نمایندگی صادر شود و یا مدیران شرکت مبادرت به صدور چک نمایند. مستنداً به ماده ۱۹ ق. چک **مسؤولیت کیفری** متوجه صادرکننده یعنی امضاءکننده خواهد بود.
۳. هرگاه چک به وکالت یا نمایندگی صادر شود و یا مدیران شرکت مبادرت به صدور چک کند **از حیث پرداخت وجه چک، صادرکننده با صاحب حساب یعنی وکیل یا موکل و یا مدیران با شرکت** مسؤولیت تضامنی دارند.

سؤال: هرگاه چکی به وکالت یا نمایندگی صادر شود و یا مدیران شرکت مبادرت به صدور چک نمایند چنانچه به دلایلی مثلاً عدم رعایت مواعد ۶ ماهه، چک فاقد جنبه کیفری باشد آیا در این صورت باز از حیث پرداخت وجه چک مسؤولیت تضامنی حکم فرماست؟ برخی معتقدند در این قبیل موارد که چک فاقد جنبه کیفری است مسؤولیت تضامنی حاکم نیست و پرداخت وجه چک به عهده صاحب حساب (یعنی موکل یا شرکت است) و وکیل یا مدیر مسؤولیتی ندارند. دلیلی این امر آن است که حکم مقرر در ماده ۱۹ ق. تجارت چک یک حکم استثنایی است و منصرف به موردی است که چک دارای جنبه کیفری نیز باشد. اگر چک فاقد جنبه کیفری نیز باشد. اگر چک فاقد جنبه کیفری باشد مثل برات یا سفته است. برات و سفته ای که منجر به عدم تأدیه

گردیده است مسؤولیت پرداخت آن بر عهده موکل و یا شرکت برحسب مورد است و وکیل و مدیر مسؤولیتی نخواهند داشت؛ این نظر، ضعیف است چون علاوه بر اینکه در خود ماده ۱۹ قانون صدور چک گفته: «... اجرائیه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو نفر صادر می شود...»، در تبصره ۲ ماده ۵ مکرر که در سال ۹۷ به قانون صدور چک الحاق شده است اینگونه آمده است: «در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شود، اقدامات موضوع این ماده علاوه بر صاحب حساب، در مورد وکیل یا نماینده نیز اعمال می گردد مگر اینکه در مرجع قضائی صالح اثبات نماید عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است. بانکها مکلفند به هنگام صدور گواهینامه عدم پرداخت، در صورتی که چک به نمایندگی صادر شده باشد، مشخصات نماینده را نیز در گواهینامه مذکور درج نمایند.»

۴. چک های دارای جنبه کیفری هستند که محال علیه آن بانک است. همچنین در مورد چک هایی می توان از دوایر اجرای ثبت درخواست صدور اجرائیه نمود که محال علیه آن بانک باشد؛ بنابراین چکی مشمول قانون صدور چک است که محال علیه آن بانک باشد زیرا هم وصف کیفری چک و هم لازم الاجراء بودن آن منبعت از قانون صدور چک است اما مطابق ق. تجارت محال علیه چک محتمل است هر شخص حقیقی یا حقوقی باشد. پس چک های صادره بر عهده مؤسسات مالی و اعتباری و صندوق های قرض الحسنه مشمول ق. صدور چک نیستند اما مشمول ق. تجارت هستند.

۵. شکایت کیفری در مورد چک بلامحل فقط علیه صادرکننده امکان پذیر است و علیه ضامن و ظهرنویس نمی توان شکایت کیفری طرح کرد.

۶. مواردی که صادرکننده چک قابل تعقیب کیفری نمی باشد در ماده ۱۳ ق. چک احصاء شده اند.

۷. مطابق تبصره ۳ ماده ۱۴ ق. چک پرداخت چک های تضمین شده و مسافرتی را نمی توان متوقف نمود مگر آنکه بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید.

۸. دعوای حقوقی از حیث دادخواست دهنده و طرف دعوا محدودیتی ندارد یعنی همه علیه همه می توانند طرح کنند، اما شکایت کیفری فقط یکی می تواند طرح شکایت کند آن هم فقط علیه یکی (یکی علیه یکی)؛ به عبارت بهتر، دارنده سندی که اولین بار به بانک مراجعه کرده و گواهی عدم پرداخت به نامش صادر شده (ملاک نهایی «گواهی عدم پرداخت» است) می تواند علیه یکی فقط صادرکننده، شکایت کیفری مطرح کند بر خلاف اجرائیه ثبتی که همه می توانند متقاضی اجرائیه باشند چه دارنده چک چه منتقل الیه.

طریق دوم پیگیری چک: اقدام از طریق ثبتی^۹:

دارنده چک می تواند در صورت عدم پرداخت وجه چک از طریق ثبتی به موجب «اثین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی» درخواست صدور اجرائیه علیه صادرکننده نماید. نکات موردتوجه از قرار ذیل است:

^۹ این قسمت بر مبنای آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی (مصوب ۱۳۸۷ رئیس قوه قضائیه با اصلاحات ۱۳۹۸) بروزرسانی شده است. این آیین نامه در ۱۳۹۸/۱۲/۶ تغییر نموده است. بر مبنای همین تغییرات، جزوه بروزرسانی شده است.

**سند رسمی‌ای که بدون صدور حکم از دادگاه قابل
اجرائیه برای اجرای مدلول سند باشد مثل سند رسمی**

سند لازم‌الاجرا

**سند عادی‌ای که بدون صدور حکم از دادگاه قابل
اجرائیه برای اجرای مدلول سند باشد مثل چک**

۱. به موجب آخرین اصلاحات آیین‌نامه فوق: «**درخواست اجرای مفاد اسناد رسمی** [یا در حکم رسمی مانند چک] در ... مواردی که صدور اجرائیه بر عهده **ثبت محل** یا **اداره اجرای ثبت** می‌باشد از طریق دفترخانه اسناد رسمی صورت می‌گیرد. نحوه پذیرش و اقدام نسبت به درخواست اجرائیه از دفاتر اسناد رسمی مطابق شیوه‌نامه‌ای است که به تصویب رئیس سازمان ثبت خواهد رسید.»

۲. مطابق ماده ۵ آیین‌نامه ذکر شده (اصلاحی ۱۳۹۸): «**سردفتر** پس از احراز شرایط قانونی صدور اجرائیه و احراز هویت و صلاحیت درخواست‌کننده، مکلف است نسبت به ورود و تکمیل اطلاعات در سامانه اجرا اقدام، مدارک و مستندات مربوط را به سند الکترونیکی تبدیل و بانضمام اجرائیه صادره حداکثر ظرف ۴۸ ساعت از طریق سامانه مذکور، به **اداره اجرای ثبت محل** ارسال و اصول مدارک و مستندات را ضبط و بایگانی نماید. تبصره ۱: هرگاه سردفتر در صدور اجرائیه با اشکالی روبرو شود باید از صدور آن خودداری کرده و ظرف ۲۴ ساعت با طرح صریح اشکال، از **ثبت محل** استعلام و کسب تکلیف نماید. تبصره ۲: صدور اجرائیه فقط نسبت به تعهدات حال شده‌ای که در سند لازم‌الاجرا منجزاً قید شده باشد و اجرای آن در صلاحیت اداره ثبت باشد، امکانپذیر است.»

۳. وفق ماده ۲۱ آیین‌نامه یاد شده (اصلاحی ۱۳۹۸): «از تاریخ ابلاغ اجرائیه متعهد باید ظرف ده روز مفاد آن را به موقع اجرای بگذارد یا ترتیبی برای پرداخت دین خود بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای سند را میسر گرداند. اگر خود را قادر به اجرای مفاد اجرائیه نداند باید ظرف همان مدت صورت جامع دارائی خود را به مسئول اجراء بدهد و اگر مالی ندارد صریحاً اعلام کند. بدهکاری که در مدت مذکور قادر به پرداخت دین خود نبوده مکلف است هر موقع که متمکن از پرداخت تمام یا قسمتی از بدهی خود گردد آن را بپردازد. تبصره: ادارات اجرای ثبت مکلفند بلافاصله با تشکیل پرونده اجرایی الکترونیکی نسبت به شناسایی و توقیف اموال و دارایی‌های متعهد از طریق بانک‌های اطلاعاتی سازمان ثبت و سایر دستگاه‌ها که به هر نحو اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند، اقدام نمایند. مقررات این ماده مانع از توقیف اموالی که از سوی بستانکار به منظور تعقیب اجرائیه و استیفای طلب معرفی می‌شود، نخواهد بود.»

۴. از ماده ۱۸۳ تا ۱۹۳ آیین‌نامه به موضوع چک اختصاص داده شده است:
ماده ۱۸۳ — درخواست اجرای چک از محلی که بانک طرف حساب صادرکننده چک در آن محل واقع شده یا محل اقامت متعهدله به عمل می‌آید. برای صدور اجرائیه، بستانکار مکلف است **تقاضانامه مخصوص صدور اجرائیه** و همچنین **اصل و فتوکپی مصدق چک و گواهی برگشتی آن** را به دفترخانه اسناد رسمی مسئول پذیرش اجرائیه ارائه نماید. دفترخانه اصل چک را مأمور به مهر (پذیرش اجرا شد) نموده و آن را به بستانکار مسترد می‌نماید.

تبصره ۱- درخواست اجرای چک‌های صادره از شعب بانک‌های ایرانی خارج از کشور در دفترخانه‌های اسناد رسمی تهران که در شیوه‌نامه سازمان ثبت معین می‌گردد، به عمل خواهد آمد.

تبصره ۲- پس از صدور اجرائیه، **دارنده چک** می‌تواند ضمن اعلام انصراف، گواهی لازم را از اداره ثبت درخواست نماید. در این صورت، اگر اجرائیه ابلاغ شده باشد، حق الاجراء برابر مقررات وصول و پرونده مختومه می‌گردد. (اصلاحی ۱۳۹۸) ماده ۱۸۴- هرگاه چک نسبت به قسمتی از مبلغ آن بدون محل باشد، دارنده چک نسبت به باقی‌مانده حق صدور اجرائیه دارد.

ماده ۱۸۵- هرگاه گواهی‌نامه‌های متعدد و متعارض از بانک صادر گردد صدور اجرائیه موکول به رفع تعارض از همان بانک است.

ماده ۱۸۶- دعوی صادرکننده چک در مورد مطالبی که گاهی به عنوان بابت ... در متن چک نوشته می‌شود و همچنین مطالب مذکور در ظهر چک در مورد **ظهنویس در اداره ثبت قابل رسیدگی نمی‌باشد** و فقط وجه مرقوم در چک **قابل صدور اجرائیه در اداره ثبت می‌باشد**.

ماده ۱۸۷- اعلام جرم علیه صادرکننده چک بی‌محل به مقامات صلاحیت‌دار مانع درخواست صدور اجرائیه برای وصول وجه چک از طریق اداره ثبت نخواهد بود مگر اینکه دستوری در این باره از طرف مقامات قضائی صادر شود.

ماده ۱۸۸- اگر عدم پرداخت وجه چک به علت عدم مطابقت امضای زیر چک با امضای کسی که حق صدور چک را دارد و همچنین فقدان مهر در اشخاص حقوقی باشد **در اداره ثبت اجرائیه صادر نخواهد شد**.

ماده ۱۸۹- دارنده چک که حق تقاضای صدور اجرائیه دارد اعم است از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او **ظهنویسی شده یا حامل چک (در مورد چک‌های در وجه حامل)**.

ماده ۱۹۰- در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف حساب صادر شده باشد **صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و به تقاضای بستانکار اجرائیه علیه آنها براساس تضامن صادر می‌شود**. ماده ۱۹۱- در مواردی که صاحبان حساب متعدد بوده و چک با امضای احدی از آنان باشد **اجرائیه علیه امضاءکننده نسبت به مبلغ چک صادر می‌گردد**.

ماده ۱۹۲- در مورد چک‌های وعده‌دار اجرائیه **پس از سررسید** صادر خواهد شد.

ماده ۱۹۳- پس از صدور اجرائیه چک دارنده چک می‌تواند ضمن اعلام انصراف از تعقیب عملیات اجرائی مطالبه استرداد لاشه چک را بکند در این صورت اگر اجرائیه ابلاغ شده باشد، حق الاجرا را باید بپردازد و در این مورد پرونده مختومه محسوب است.

۵. از طریق ثبتی فقط علیه صادرکننده می‌توان درخواست اجرای چک نمود. پس علیه **ظهنویسان و ضامنین** درخواست اجرای چک ممکن نیست.

۶. اقدام به صدور اجرائیه از طریق ثبتی، بدون مراجعه به دادگاه مختص به برخی اسناد رسمی و عادی است. علی‌رغم این که چک سند رسمی نیست مقنن ویژگی لازم الاجرا بودن برخی از اسناد رسمی را در مورد چک نیز جاری دانسته است؛ به عبارت بهتر، دستور به اجرای **سند رسمی (و یا در حکم سند رسمی مانند چک)** حسب مورد توسط مراجع صالح ثبت یا سردفتر تنظیم‌کننده سند صادر می‌شود.

۷. در طریق ثبتی، نیازی به رعایت مواعد نیست یعنی اینکه چک چه زمانی برگشت خورده و در چه زمانی به مراجع ثبتی مراجعه شده مؤثر نیست.

۸. برای صدور اجرائیه از طریق ثبتی، باید مطابقت امضاء منعکس در چک با نمونه امضاء موجود در بانک در عرف بانکداری تأیید شده باشد. در غیر این صورت، نمی‌توان به طریق ثبتی اقدام کرد. در صورتی هم که مهر شخص حقوقی صاحب حساب در چک نخورده باشد در اداره ثبت اجرائیه صادر نخواهد شد.

۹. چنانچه چک به وکالت یا نمایندگی صادر شود یا مدیران شرکت مبادرت به صدور چک کنند اجرائیه به نحو تضامن علیه صادرکننده و صاحب حساب صادر خواهد شد؛ به عبارت بهتر، **به تقاضای بستانکار (دارنده چک)** اجرائیه علیه امضاءکننده و اصیل (صاحب حساب) بر اساس تضامن صادر می‌شود.

۱۰. چک سند رسمی نیست. چک سند عادی است. چک سند تجاری می‌باشد. چک در حکم سند رسمی است. چک سند لازم‌الاجرا می‌باشد.

۱۱. هزینه اجرای ثبت، نیم‌عشر اجرائیه است که هزینه آن از حقوقی و کیفری بیشتر است ولی بعد از اجرا وصول می‌شود، ضمناً شامل خسارت تأخیر تأدیه و حق الوکاله نمی‌شود.

سؤال: اگر صادرکنندگان چک متعدد باشند مثلاً چهار نفر باشند و همه ۴ نفر چک را امضاء کرده باشند هر کدام مسئولیت پرداخت چه مبلغی را دارند؟ هر کدام مسئول پرداخت یک‌چهارم وجه چک هستند یعنی بحث مسئولین متعدد عرضی مطرح است اما نکته مهم این است که در مواردی که صاحبان حساب متعدد بوده و چک با امضای احدی از آنان باشد اجرائیه علیه **امضاءکننده نسبت به مبلغ چک** صادر می‌گردد.

طریق سوم پیگیری چک: اقامه دعوی تجاری از طریق تقدیم دادخواست:

دارنده چک می‌تواند علیه همه مسئولین اعم از صادرکننده و ظهرنویسان با تقدیم دادخواست اقامه دعوی تجاری نماید مزایای اقامه دعوی تجاری از قرار ذیل است:

الف- اقامه دعوی علیه همه مسئولین از جمله ظهرنویسان؛

ب- صدور قرار تأمین خواسته (بدون تودیع خسارت احتمالی).

شرایط اقامه دعوی تجاری:

۱. **اخذ گواهی عدم پرداخت** در ظرف ۱۵ روز یا ۴۵ روز یا ۴ ماه از تاریخ صدور چک مستنداً به مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ ق.تجارت برحسب مورد.

۲. **اقامه دعوی** در ظرف یک سال یا دو سال از تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت مستنداً به مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۳۱۴ ق.تجارت برحسب مورد.

نکته: در مورد چک با سه استناد ذیل می‌توان درخواست صدور قرار تأمین خواسته نمود.

- مستنداً به ماده ۱۰۷ ق.آ.د.ک (مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴) بدون تودیع خسارت احتمالی. در این صورت بایستی مواعد ۶ ماهه مقرر در ماده ۱۱ قانون صدور چک رعایت شده باشد یعنی چک باید دارای جنبه کیفری باشد. البته استناد به این ماده صرفاً در مراجع جزایی مورد قبول است، چراکه ماده ۱۰۷ ق.آ.د.ک مقرر داشته: «شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس **بخواهد**. هرگاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می‌کند...».

- مستنداً به ماده ۲۸۲ ق.تجارت و بند ج ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م بدون تودیع خسارت احتمالی. در مورد چک، نظر قوی بر این است که با توجه به رأی وحدت رویه ایجادشده که مقرر داشته در چک، **گواهی عدم پرداخت**، جایگزین **واخواست عدم تأدیه** می‌باشد و دارنده چک در صورت اخذ گواهی عدم پرداخت در مواعد ۱۵ روزه، ۴۵ روزه یا ۴ ماهه همچنان می‌تواند از مزایا بهره‌مند باشد

یعنی مطابق این نظر اگر دارنده چک بر حسب مورد مطابق مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ ق.ت در مواعد ۱۵ روزه یا ۴۵ روزه یا ۴ ماهه اقدام به اخذ گواهی عدم پرداخت نموده باشد همچنان می تواند درخواست صدور قرار تأمین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی را بنماید.

- مستنداً به بند د ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م با تودیع خسارت احتمالی. (در صورتی که خواهان به وظایف قانونی مقرر در مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ ق.ت عمل نکرده باشد).

نکته: در مورد **برات** و **سفته** با دو استناد ذیل می توان درخواست صدور قرار تأمین خواسته نمود.

- مستنداً به ماده ۲۹۲ ق.تجارت و بند ج ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م بدون تودیع خسارت احتمالی. در این مورد دارنده برات و سفته باید به وظایف قانونی خود عمل نموده باشد. در مورد برات و سفته اگر این دو سند منجر به واخواست عدم تأدیه نشده باشد و همچنین اگر واخواست عدم تأدیه در خارج از مؤعد قانونی باشد، صدور قرار تأمین خواسته منوط به تودیع خسارت احتمالی خواهد بود یعنی صدور قرار تأمین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی منوط به آن است که خواهان در مهلت قانونی ده روزه واخواست عدم تأدیه را بعمل آورده باشد.

- مستنداً به بند د ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م با تودیع خسارت احتمالی.

تست: چه کسی می تواند دعوای حقوقی طرح کند؟

- × دارنده چکی که گواهی عدم پرداخت به نام او صادر شده است.
- × دارنده چکی که با ظهورنویسی پس از صدور گواهی عدم پرداخت منتقل شده باشد.
- × دارنده چکی که بعد از صدور گواهی عدم پرداخت به واسطه ارث دارنده سند است.

✓ همه موارد

طریق چهارم پیگیری چک: صدور اجرائیه از طریق دادگاه:

این طریق در ماده ۲۳ قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۹۷ بدین شیوه بیان شده است: «دارنده چک می تواند با ارائه گواهینامه عدم پرداخت، از دادگاه صالح صدور اجرائیه نسبت به کسری مبلغ چک و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی را درخواست نماید. دادگاه مکلف است در صورت وجود شرایط زیر حسب مورد علیه صاحب حساب، صادرکننده یا هر دو اجرائیه صادر نماید: الف- در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی نشده باشد؛ ب- در متن چک قید نشده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است؛ ج- گواهینامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت طبق ماده ۱۴ این قانون و تبصره های آن [چکی که صادرکننده یا ذینفع ادعا می کند مفقود یا سرقت یا جعل شده یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده] صادر نشده باشد.»

در این طریق «صادرکننده مکلف است ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه، بدهی خود را بپردازد، یا با موافقت دارنده چک ترتیبی برای پرداخت آن بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای حکم را میسر کند؛ در غیر این صورت، حسب درخواست دارنده، اجرای احکام دادگستری، اجرائیه را طبق قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ به مورد اجراء گذاشته و نسبت به استیفای مبلغ چک اقدام می نماید.»

این ماده بیست و سه به نظر ملاکریمی مهمه! به موجب این ماده دارنده چک می تواند از دادگاه نیز تقاضای صدور اجرائیه نماید؛ یعنی علاوه بر اینکه به موجب ماده ۲ قانون صدور چک، چک، سند عادی در حکم لازم الاجرا می باشد و از طریق مرجع ثبتی امکان صدور اجرائیه دارد از طریق دادگاه نیز امکان صدور اجرائیه نسبت به مبلغ چک و حق الوکاله وجود دارد به شرط آنکه چک مربوطه، چک مشروط یا مقید بابت تضمین و یا چکی که مواجه با دستور عدم پرداخت شده نباشد.

برات:

ماده ۲۲۳ ق. تجارت علاوه بر امضاء یا مهر برات دهنده ۸ شرط دیگر را در مورد برات اعلام نموده است. در ماده ۲۲۶ ق. تجارت برای ۷ شرط از این شرایط، ضمانت اجرا پیش‌بینی کرده است. ضمانت اجرای پیش‌بینی شده آن است که در صورت فقدان یکی از این شرایط، نوشته دیگر سند تجاری قلمداد نگردیده بلکه فقط یک سند عادی قلمداد خواهد شد. در ماده ۲۲۶ ق. تجارت در خصوص بند ۱ ماده ۲۲۳ ق. تجارت ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده است. شاید دلیل این امر آن باشد که در چند جای این سند بحث برات‌کش و برات‌گیر و دارنده برات مطرح شده و نیازی به درج این که نوشته برات است نمی‌باشد. از طرف دیگر در ماده ۲۲۶ ق. تجارت آن است که در صورت فقدان یکی از شرایط، نوشته دیگر سند تجاری قلمداد نگردیده بلکه سند عادی قلمداد می‌شود. حال آنکه می‌دانیم اگر نوشته فاقد مهر یا امضاء برات دهنده باشد نه تنها سند تجاری قلمداد نمی‌گردد بلکه حتی سند عادی هم قلمداد نمی‌شود یعنی چنین نوشته است قابلیت استناد ندارد.

نکته: قانونگذار در ماده ۲۲۳ ق. تجارت صدور برات را هم با مهر تنها تجویز کرده و هم با امضاء تنها (منظور از مهر، اثر انگشت است) در ماده ۳۰۸ ق. تجارت نیز مقنن صدور سفته را هم با مهر تنها و هم با امضاء تنها تجویز نموده است. حال آنکه در مورد چک در ماده ۳۱۱ ق. تجارت صدور چک با مهر تنها تجویز نشده است بلکه مقنن صدور چک را فقط با امضاء تجویز نموده است. علت این امر آن است که چک دارای جنبه کیفری بوده و مقنن می‌خواسته افراد بی‌سواد نتوانند مبادرت به صدور چک کنند.

نکته: ۲۴۶ ق. تجارت ظهرونی برات را با امضاء امکان‌پذیر دانسته است. حال سؤال این است که آیا با مهر تنها ظهرونی برات امکان‌پذیر است یا خیر؟ برخی با توجه به ماده ۲۴۶ معتقدند خیر؛ اما نظر اقوی این است که از آنجا که قانونگذار در ماده ۲۲۳ ق. تجارت خلق یعنی صدور این سند تجاری را با مهر تنها تجویز نموده و به طریق اولی ظهرونی آن نیز با مهر تنها صحیح خواهد بود.

شرایط هشت‌گانه برات (شرایط اساسی برات):

شرط اول: قید اینکه نوشته برات است:

گفته شد که این شرط فاقد ضمانت اجرا است زیرا احتمال اشتباه این سند با اسناد دیگر منتفی است.

شرط دوم: قید تاریخ صدور برات:

برای قید تاریخ برات مزایای ذیل مترتب است:

اولاً قید تاریخ صدور برات مشخص می‌کند که آیا برات دهنده در تاریخ صدور برات صلاحیت صدور این سند تجاری را داشته یا خیر؟ برای مثال ورشکسته یا محجور بوده است یا خیر؟

ثانیاً: از طریق تاریخ برات، قانون حاکم بر قضیه مشخص می‌گردد زیرا می‌دانیم اسناد از حیث صدور تابع قانون حاکم در زمان صدور خود می‌باشند.

ثالثاً: از طریق صدور برات در برخی موارد مرور زمان دعوی مشخص می‌شود. برای مثال مستنداً به ماده ۲۷۴ ق. تجارت چنانچه در ظرف یک سال در برات به رؤیت، از تاریخ صدور برات اقدام مقتضی به عمل نیامده باشد. دیگر دارنده برات حق اقامه دعوی بر علیه ظهرونیسان را نخواهد داشت.

رابعاً: از طریق تاریخ صدور برات در برخی موارد سررسید برات مشخص می‌شود یعنی در موردی که سررسید برات به وعده از تاریخ صدور برات باشد تاریخ سررسید از طریق تاریخ برات مشخص می‌شود.

سؤال: ماده ۲۲۵ ق.تجارت مقرر داشته که تاریخ صدور برات و مبلغ برات بایستی به تمام حروف قید شود. حال اگر تاریخ صدور یا مبلغ برات فقط به عدد تنها قید شود چنین براتی چه وضعیتی دارد؟ از آنجاکه برای حکم این ماده ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده است بنابراین برات همچنان معتبر است.

شرط سوم:

برات‌گیر محتمل است شخص حقوقی باشد یا شخص حقیقی. برات‌گیر الزاماً باید شخص معین باشد؛ بنابراین نمی‌توان برات‌گیر را مردد بین چند نفر قرار داد. برات‌گیر محتمل است واحد باشد و محتمل است متعدد باشد.

سؤال: آیا خود برات دهنده درعین حال می‌تواند برات‌گیر باشد؟ پذیرش این امر در حقوق ایران مشکل است. در صورت جمع دو عنوان برات دهنده و برات‌گیر در شخص واحد در صورت جمع سایر شرایط چنین نوشته‌ای را می‌توان سفته قلمداد نمود.

نکته: صدور برات ممکن است مستند به ماده ۲۲۷ ق.ت به وکالت یا نمایندگی باشد. در این صورت مسؤولیت متوجه اصیل خواهد بود نه نماینده.

شرط چهارم: تعیین مبلغ برات:

برات الزاماً بایستی متضمن پرداخت وجه نقد باشد؛ بنابراین نمی‌توان در برات تعهد به انجام سایر تعهدات غیر پولی نمود. اگر برات متضمن تعهد غیر پولی باشد چنین نوشته‌ای دیگر سند تجاری برات قلمداد نگردیده بلکه فقط یک سند عادی است.

برات بایستی متضمن پرداخت وجه رایج کشور باشد؛ بنابراین نمی‌توان در برات تعهد به پرداخت یک ارز خارجی نمود زیرا مطابق ماده ۶ ق.نحوه اعمال تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۴ معاملات ارزهای خارجی جرم قاچاق قلمداد شده است. لازم به ذکر

است اگر صدور برات دارای منشاء خارجی باشد قید ارز خارجی در برات نخواهد داشت اما در این قبیل موارد محاکم به دلیل احترام به پول رایج کشور، حکم به معادل ریالی ارز خارجی خواهند داد.

شرط پنجم: تعیین مکان تأدیه برات:

محل پرداخت برات محتمل است محل اقامت برات‌گیر یا مکانی دیگر باشد.

سؤال: آیا برات‌گیر در هنگام قبولی می‌تواند مکان تأدیه را از محل تعیین شده در برات به جای دیگر تغییر دهد یا خیر؟ پاسخ این است که باید بین دو مورد قائل به تمایز شویم. مورد اول اینکه برات‌گیر بخواهد مکان تأدیه را در داخل همان شهر تغییر دهد مثلاً

محل پرداخت برات اقامتگاه برات‌گیر که دفتر تجاری تاجر در بازار است تعیین شود. در این صورت تاجر می‌تواند در هنگام قبولی برات، مکات تأدیه را داخل شهر تهران از دفتر تجاری خود مثلاً به بانک طرف حساب خود تغییر دهد. این امر ایرادی ندارد.

مورد دوم اینکه تاجر بخواهد محل پرداخت وجه برات را از تهران به یک شهر دیگر تغییر دهد. چنین تغییری پذیرفته نیست.

شرط ششم: تعیین سررسید برات:

مستنداً به ماده ۲۴۱ ق.تجارت سررسید برات محتمل است به یکی از چهار صورت ذیل باشد:

۱. به رؤیت

۲. به وعده از رؤیت

۳. به تاریخ معین

۴. به وعده از تاریخ صدور چنانچه سررسید برات به غیر از چهار صورت فوق باشد چنین نوشته‌ای دیگر سند تجاری قلمداد

نمی‌شود مثلاً نمی‌توان سررسید برات را تاریخ مسافرت و وزیر امور خارجه فلان کشور به ایران قرار داد. همچنین نمی‌توان

سررسید برات را روز باشد برف و مواردی از این قبیل قرار داد.

تفسیر ماده ۲۴۲ ق.تجارت:

منظور از برات بی‌وعده در اینجا برات به رؤیت است. پس منظور مقنن از برات بی‌وعده این نیست که سررسید آن مشخص نشده باشد زیرا می‌دانیم براتی که سررسید آن مشخص نشده است سند تجاری قلمداد نمی‌شود.

شرط هفتم: قید نام دارنده برات:

برعکس سفته و چک که در هنگام صدور می‌توانند هم در وجه حامل و هم در وجه شخص معین صادر شوند. برات الزاماً بایستی در وجه شخص خاصی صادر شود و نمی‌تواند در وجه حامل صادر گردد. البته می‌توانیم برات را به صورت حامل درآوریم یعنی شخصی که برات در وجه او صادر شده چنانچه بدون قید نام مُنتَقِلْ اَلِیه، برات را امضاء نماید و در اختیار دیگری قرار دهد در این صورت برات در وجه حامل درخواهد آمد. مثال: «الف»: صادرکننده برات، «ب»: دارنده برات، «ج»: برات‌گیر. در اینجا «ب» برای کسی که می‌خواهد ظهرنویسی کند می‌تواند نام او را قید نکند و فقط امضاء کند.

مزیت عمده اسناد تجاری در وجه حامل آن است که دارنده سند می‌تواند بدون امضاء آن را به دیگری منتقل کند و فایده عملی این اقدام آن است که اگر در سررسید وجه سند تأدیه نشود آن انتقال‌دهنده‌ای که برات را امضاء نکرده است نمی‌توان علیه او اقامه دعوی نمود. عیب این نوع سند این است که در صورت سرقت یا مفقود شدن اثبات مالکیت آن بسیار دشوار است.

نکته: تنها طریقی که می‌توان سند تجاری را غیرقابل نویسی نمود اندراج شرط غیرقابل ظهرنویسی می‌باشد.

سؤال: هرگاه شرط غیرقابل ظهرنویسی تجاری در سند تجاری درج شده باشد اما علیرغم این شرط، سند تجاری به دیگری منتقل شود چه اثری بر آن بار است؟ ظهرنویسی تجاری باطل است و انتقال، انتقال مدنی محسوب می‌شود.

سؤال: منظور از برات سفید مهر یا سفید امضاء چیست؟ براتی است که فاقد برخی مندرجات باشد. بحث است که آیا چنین براتی معتبر است یا خیر؟ می‌گویند اگر از باب وکالت باشد معتبر است یعنی اگر دارنده سند تجاری از صادرکننده اجازه تکمیل مندرجات را گرفته باشد چنین براتی معتبر است.

شرط هشتم: قید این که برات نسخه چندم است.

هرچند که در ماده ۲۲۶ ق. تجارت مقنن برای این مورد نیز ضمانت اجرا پیش‌بینی نموده اما باید توجه داشت این ضمانت اجرا در مواردی قابل اعمال است که برات در بیش از یک نسخه صادر شود پس از برات در یک نسخه صادر گردد قید که برات نسخه چندم است الزامی نمی‌باشد.

محل برات و تئوری محل برات: محل برات عبارت است از طلب یا اعتباری که برات دهنده در نزد برات‌گیر دارد.

تئوری محل برات می‌گوید به محض صدور برات محل برات از صادرکننده برات به دارنده برات منتقل می‌شود. اثر پذیرش تئوری محل برات آن است که اگر پس از صدور برات و پس از قبولی آن توسط برات‌گیر اما قبل از سررسید صادرکننده برات ورشکسته شود، دیگر اداره تصفیه یا مدیر تصفیه صادرکننده برات نمی‌تواند به استناد اصل تساوی حقوق بستانکاران برای مطالبه طلب منشاء صدور برات به برات‌گیر مراجعه کند و برات‌گیر فقط در قبال دارنده برات مسؤول خواهد بود. حال آنکه اگر تئوری محل برات پذیرفته نشود برات‌گیر باید به جای یک بدهی دو بار پرداخت کند. یک بار به اداره تصفیه یا مدیر تصفیه صادرکننده ورشکسته به استناد اصل تساوی حقوق بستانکاران و یک بار دیگر به دارنده برات به استناد اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات در قبال دارنده با حسن نیت سند تجاری.

تئوری محل برات یک تئوری فرانسوی است در هنگام تدوین کنوانسیون یکنواخت ژنو به دلیل اختلاف کشورها پذیرش یا عدم پذیرش این تئوری این امر جزو مواد اختیاری کنوانسیون قلمداد شد تا هر کشوری که مایل باشد در قوانین داخلی خود آن را بپذیرد والا خیر. برخی کشورها مثل فرانسه در حقوق داخلی خود به موجب قوانین آن را پذیرفته‌اند ولی برخی کشورها که در قوانین داخلی خود آن خود آن را نپذیرفته بودند در عمل خلأ ناشی از عدم پذیرش این تئوری را احساس کردند لذا از طریق درج شرط در برات تئوری محل برات را پذیرفتند.

سؤال: آیا در حقوق ایران تئوری محل برات پذیرفته شده است یا خیر؟

نص صریح در قوانین ایران در مورد پذیرش این تئوری وجود ندارد.

سؤال: آیا در حقوق ایران با درج شرط در خود برات می‌توان این تئوری را پذیرفت؟ خیر، زیرا مواد ۲۹۰ و ۲۷۴ ق. تجارت رگه‌هایی از تئوری محل برات بوده و بیانگر آن است که قانونگذار ایران مطلع از وجود تئوری محل برات بوده اما تعهدات آن را نپذیرفته است یعنی قانون ایران اصل تساوی حقوق بستانکاران را به تئوری محل برات ترجیح داده است؛ بنابراین در حقوق ایران برات‌گیر بابت یک بدهی باید وجه برات را دو بار پرداخت کند. یک‌بار به دارنده برات و یک‌بار به اداره تصفیه یا مدیر تصفیه صادرکننده ورشکسته. البته باید توجه داشت بابت یکی از این پرداخت‌ها برات‌گیر می‌تواند داخل در صف غرمای صادرکننده ورشکسته شود.

شرایط قبولی برات:

۱. قبولی برات بایستی به صورت کتبی باشد. پس قبولی شفاهی فقط به موجب مقررات مدنی می‌تواند مفید باشد.
 ۲. قبولی برات بایستی در خود برات به عمل آید. قبولی در سند جداگانه فقط به موجب مقررات مدنی مؤثر خواهد بود.
 ۳. برای تحقق قبولی صرف امضای قبول کننده کافی بوده و نیازی به درج عبارت دیگر نمی‌باشد.
- سؤال: از تاریخ ارائه برات به برات‌گیر نامبرده در ظرف چه مدتی باید آن را قبول یا نکول نماید؟ مستنداً به ماده ۲۳۵ ق. تجارت بایستی آن را فوراً یا نهایتاً ظرف ۲۴ ساعت قبول یا نکول نماید.
- سؤال: هرگاه دارنده برات جهت اخذ قبولی برات را تسلیم برات‌گیر نماید اگر برات‌گیر آن را امضاء کرده اما قبل از استرداد آن به دارنده برات، امضاء خود را خط بزند آیا چنین براتی قبول شده محسوب می‌شود یا نکول شده؟
- کنوانسیون یکنواخت ژنو آن را نکول شده قلمداد کرده است. در حقوق ایران نیز با دو دلیل ذیل می‌توان آن را نکول شده قلمداد نمود:

دلیل اول: با توجه به ماده ۱۹۱ ق. مدنی برای ایجاد عمل حقوقی هم وجود قصد انشاء لازم است و هم ابراز قصد انشاء لازم است در فرض فوق می‌توان امضاء را قصد انشاء و استرداد سند را ابراز قصد انشاء قلمداد کرد. چون قبل از ابراز قصد انشاء امضاء خط خورده است لذا قبولی محقق نشده است.

دلیل دوم: در عرف عوام جامعه، اشخاص اول اسناد را امضاء می‌کنند و بعد آن را می‌خوانند و رد قضیه فوق محتمل است برات‌گیر پس از امضاء متوجه شده است که اصلاً بدهکار به برات‌دهنده نمی‌باشد و امضاء را خط زده است. لازم به ذکر است ماده ۲۳۱ ق. تجارت که مقرر داشته قبول کننده حق نکول ندارد منصرف از این مورد است زیرا در این مورد بحث ما بر سر این است که آیا قبولی تحقق یافته است یا خیر؟

موارد نکول برات:

۱. برات‌گیر محتمل است برات را صریحاً نکول نماید مثلاً بنویسد قبول نمی‌کنم. این از مصادیق بارز نکول برات است.
۲. برات‌گیر محتمل است امتناع از قبول یا نکول نماید این نیز نکول محسوب می‌شود. اگر دارنده برات نتواند برات‌گیر را پیدا کند باز از موارد نکول برات است.
۳. چنانچه برات‌گیر را به صورت مشروط قبول کند این نیز از موارد نکول برات است. باید توجه داشت در قبولی مشروط برات‌گیر در حدود شرط مسؤول است.

مزایای اعتراض نکول (تفسیر ماده ۲۳۷ ق. تجارت)

چنانچه دارنده برای اخذ قبولی به برات‌گیر مراجعه کند اگر برات‌گیر برات را نکول کند دارنده می‌تواند اعتراض نکول به عمل آورد. مزایای اعتراض نکول آن است که دارنده می‌تواند به مسؤولین یعنی برات‌دهنده و ظهرنویسان مراجعه نموده و از آنها مطالبه ضامن نماید. اگر ضامن معرفی کردند مشکلی نخواهد بود ولی اگر ضامن معرفی نکنند برات مؤجل حال خواهد شد. بین حقوق ایران و کنوانسیون یکنواخت ژنو در خصوص مزیت اعتراض نکول یک تفاوت عمده وجود دارد. در کنوانسیون یکنواخت ژنو با اعتراض نکول برات مؤجل تبدیل به برات حال می‌شود حال آنکه در حقوق ایران با اعتراض نکول برات مؤجل حال نخواهد شد.

شد بلکه پس از اعتراض نکول دارنده می‌تواند به مسئولین مراجعه نموده از آنها ضامن بخواهد اگر ضامن معرفی نکردند برات حال خواهد شد.

تفسیر ماده ۲۳۸ ق. تجارت:

برات شماره ۱ برات شماره ۲

آقای «الف»: صادرکننده آقای «د»: صادرکننده

آقای ب. دارنده آقای «ه»: دارنده

آقای «ج»: برات‌گیر آقای «ج»: برات‌گیر

سررسید برات: ۸۲/۴/۱۰ سررسید: ۸۲/۹/۱۰

مثال: برات‌گیر در هر دو مورد یک نفر است و هر دو برات را قبول نموده است. برات‌گیر در برات شماره ۱ در صورت سررسید وجه برات را تأدیه نکرده است. آقای «ب» در اینجا اعتراض عدم تأدیه به عمل می‌آورد. متعاقب آن دارنده برات شماره ۲ می‌تواند به برات‌گیر مراجعه کند، برات‌گیر یا باید ضامن بدهد یا پرداخت وجه برات را به نحو دیگری تضمین کند. در مورد این ماده بحث بر سر این است که اگر برات‌گیر ضامن ندهد و یا پرداخت وجه برات را به نحو دیگری تضمین نکند تکلیف چیست؟ ماده ۲۳۸ ضمانت اجرایی را پیش‌بینی نکرده است اما با وحدت ملاک از ماده ۲۷۳ ق. تجارت می‌توان گفت اگر ضامن ندهد و یا پرداخت وجه را به نحو دیگری تضمین نکند برات مؤجل تبدیل به برات حال می‌شود.

مزایا اعتراض عدم تأدیه:

- ۱- صدور قرار تأمین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی مستنداً به مواد ۰۸ ق. آ.د. مدنی و ماده ۲۹۲ ق. تجارت.
 - ۲- اقامه دعوی علیه همه مسئولین از جمله ظهرنویسان.
- نکته: استفاده از مزایایی فوق منوط به آن است که اعتراض عدم تأدیه در موعد قانونی به عمل آمده باشد و متعاقب آن اقامه دعوی نیز در موعد قانونی به عمل آمده باشد.

اعتراض یا واخواست یا پروتست:

۱. اعتراض دو نوع است:
 - الف- واخواست نکول.
 - ب- واخواست عدم تأدیه.
۲. واخواست نکول مختص برات است و نمایانگر آن است که برات‌گیر برات را قبول ننموده است.
۳. واخواست عدم تأدیه مختص به برات و سفته است. با توجه به رأی وحدت رویه ایجادشده در سال ۱۳۶۹ گواهی عدم پرداخت در چک جایگزین واخواست عدم تأدیه می‌باشد.
۴. واخواست باید به صورت کتبی باشد.
۵. واخواست از طریق دادگستری به عمل می‌آید.
۶. ملاک ما برای واخواست تاریخ ثبت آن در دفتر واخواست است نه ابلاغ به طرف.
۷. مهلت اعتراض عدم تأدیه مستنداً به ماده ۲۸۰ ق. تجارت ۱۰ روز از تاریخ سررسید است. باید توجه داشت در محاسبه ۱۰ روز، روز سررسید و روز اقدام محاسبه نمی‌شود. پس اگر سررسید برات ۹۹/۴/۱۰ باشد آخرین مهلت برای اعتراض عدم تأدیه ۹۹/۴/۲۱ می‌باشد.

۸. مقنن در مورد اعتراض نکول مهلت خاصی را بیان نکرده است؛ بنابراین تا سررسید می‌توان اقدام به اعتراض نکول کرد. لازم به ذکر است در مورد برات به وعده از رؤیت، درخواست قبولی باید مستنداً به ماده ۲۷۴ ق.تجارت در ظرف یک سال از تاریخ صدور برات به عمل آید.
۹. ابلاغ و اخواست به متعهد اصلی الزامی است یعنی به برات‌گیر در برات و به صادرکننده سفته؛ بنابراین ابلاغ به سایر مسؤولین الزامی نیست.
- سؤال: آیا منظور از مواعد در مواد ۲۸۹ و ۲۹۰ ق.تجارت شامل همه مواعد مذکور در مواد (۲۷۴-۲۸۰-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷) می‌باشد یا خیر؟
برخی محاکم معتقد بودند بله شامل مواعد مذکور در همه مواد است و برخی معتقد بودند مواعد مقرر در مواد ۲۸۹ و ۲۹۰ ق.تجارت شامل مواعد مذکور در مواد ۲۸۵ و ۲۸۴ ق.تجارت نیست. نهایتاً هیأت عمومی دیوان عالی کشور نظر دوم را پذیرفت یعنی اینکه عدم اعلام مراتب عدم تأدیه به ایادی ماقبل ظرف ۱۰ روز خدشه‌ای به حقوق دارنده برات ایجاد نمی‌کند. بنابراین برای دارنده برات، رعایت مواد ۲۸۴ و ۲۸۵ ق.تجارت الزامی نیست.
۱۰. شرط معافیت دارنده سند تجاری از اعتراض نکول یا اعتراض عدم تأدیه چه وضعیتی دارد؟ منظور این است که اگر شرط شود دارنده سند تجاری بدون اینکه اعتراض نکول یا اعتراض عدم تأدیه به عمل آورد از مزایای آنها استفاده نماید این شروط چه وضعیتی دارند؟ حقوقدانان اختلاف نظر دارند. برخی معتقدند به دلیل اصل حاکمیت اراده این شروط معتبر است اما نظر اقوی این است که به دلیل مخالفت این شروط با نظم عمومی این شروط باطل است زیرا می‌دانیم اعتراض نکول و اعتراض عدم تأدیه دارای هزینه سنگین بوده و این هزینه جزء درآمد دولت است. اشخاص نمی‌توانند با انعقاد قرارداد خصوصی مانع وصول درآمد دولت شوند.
- مداخله شخص ثالث در برات:
مداخله شخص ثالث محتمل است یا برای قبولی برات باشد و یا برای پرداخت وجه برات که در ذیل به تفصیل در این زمینه بحث خواهیم کرد:
- الف- مداخله شخص ثالث جهت قبولی که اصطلاحاً شخص ثالث گفته می‌شود. این تأسیس حقوقی مختص به برات است زیرا بحث قبولی برات‌گیر فقط در این سند قابلیت اعمال دارد. قبولی شخص ثالث متعاقب نکول برات و متعاقب اعتراض نکول بعمل می‌آید. قبولی شخص ثالث بایستی به نفع یکی از مسؤولین باشد که محتمل است برات دهنده یا یکی از ظهرنویسان باشد. برات‌گیر نمی‌تواند ذینفع قبولی ثالث باشد زیرا برات‌گیر که برات را قبول نکرده است سمتی در برات ندارد که ثالث بتواند به نفع او برات را قبول کند. قبولی ثالث بر دو نوع است:
۱. قبولی ثالث با درج شرط در برات:
یعنی برات دهنده در هنگام صدور برات شرط می‌کند که اگر برات‌گیر، برات را نکول کرد دارنده به شخص ثالث تعیین شده در برات مراجعه نماید. قانون تجارت ایران اشاره به این نوع قبولی ثالث نکرده است اما کنوانسیون ژنو آن را پذیرفته است و به اعتقاد حقوقدانان پذیرش این نوع قبولی ثالث در حقوق ایران اشکالی ندارد.
- سؤال: اگر در هنگام صدور برات شرط شود که دارنده باید در صورت نکول برات جهت اخذ قبولی به ثالث تعیین شده مراجعه کند اگر برات‌گیر برات را نکول کند ولی دارنده برات به این وظیفه خود در خصوص مراجعه به ثالث جهت اخذ قبولی رجوع کند دارنده برات چه مزایایی را از دست خواهد داد؟ مزایای اعتراض نکول یا مزایای اعتراض عدم تأدیه یا هر دو یا هیچ کدام؟ فقط مزایای اعتراض نکول را از دست خواهد داد. مزایای اعتراض عدم تأدیه برای دارنده محفوظ خواهند ماند.
۲. قبولی ثالث به ابتکار خود:

یعنی ثالث پس از اعتراض نکول با ابتکار خود مداخله نموده و برات نکول شده را به نفع یکی از مسؤولین (برات دهنده یا یکی از ظهرنویسان) قبول نماید. مقررات این نوع قبولی ثالث در مواد ۲۳۹ و ۲۴۰ ق.تجارت بیان شده است.

مثال: آقای «الف»: برات گیر

آقای «ب»: صادرکننده برات

آقای «ج»: ظهرنویس اول

آقای «د»: ظهرنویس دوم

آقای «ه»: ظهرنویس سوم

آقای «و»: ظهرنویس چهارم

آقای «ز»: ظهرنویس پنجم

آقای «ح»: دارنده برات

اگر دارنده قبل از سررسید برای اخذ قبولی به برات گیر مراجعه کند و مواجه با نکول او شود می تواند مطابق ماده ۲۳۷ به هر یک از ظهرنویسان رجوع کند و از آنها ضامن بخواهد. اگر بر فرض ندادند، برات حال می شود و حال اگر ثالثی به نفع یکی از ظهرنویسان مثلاً ظهرنویس سوم (ه) مداخله کند سؤال این است که آیا دارنده همچنان می تواند از مزایای ماده ۲۳۷ استفاده کند؟

ظاهر ماده ۲۴۰ ق.تجارت حکایت از آن دارد که پس از قبولی ثالث باز مزایای ناشی از اعتراض نکول در قبال همه مسؤولین همچنان محفوظ است. پذیرش این نظریه به منزله آن است که بگوئیم تأسیس حقوقی ثالث عملی بیهوده است. برای پرهیز از این موارد بایستی ماده ۲۴۰ را به نحوی تفسیر کنیم که هم ظاهر ماده را تا حدی حفظ کنیم و هم به تأسیس حقوقی قبولی ثالث اثر قائل شویم و لذا در موردی که براتی دارای مسؤولین فوق باشد، اگر دارنده برات بعد از نکول برات گیر، اعتراض نکول به عمل آورد و متعاقب آن ثالثی مداخله نموده و به نفع ظهرنویس سوم (ه) برات را قبول کند باید گفت دارنده برات می تواند از مزایای اعتراض نکول در قبال اشخاص مابعد ذینفع قبولی ثالث (ظهرنویسان چهارم و پنجم) همچنان استفاده کند یعنی از آنها ضامن بخواهد و اگر ضامن ندارند برات نسبت به آنها حال خواهد شد اما این دارنده برات پس از قبولی ثالث دیگر حق رجوع به ذینفع قبولی ثالث و ایادی ماقبل او را جهت استفاده از مزایای اعتراض نکول نخواهد داشت. نکته: برخی معتقدند ماده ۲۴۰ ق.تجارت منصرف به موردی است که ثالث جهت قبولی مداخله نموده ولی دارنده برات آن را نمی پذیرد و چون دارنده، مداخله ثالث را جهت قبولی نپذیرفته، می تواند از مزایای اعتراض نکول استفاده کند.

ب- مداخله ثالث جهت پرداخت که از آن به پرداخت ثالث تعبیر می گردد. مقررات پرداخت ثالث در مواد ۲۷۰ الی ۲۷۳ ق.تجارت بیان شده است. مقنن در ماده ۲۷۰ ق.تجارت ذینفع پرداخت شخص ثالث را برات دهنده یا یکی از ظهرنویسان بیان نموده است. در این ماده از برات گیر به عنوان ذینفع پرداخت ثالث نامی برده نشده است. علت این امر آن است که اگر پرداخت ثالث به نفع برات دهنده و یا یکی از ظهرنویسان باشد ثالث پرداخت کننده حق رجوع به ذینفع و ایادی ماقبل از را خواهد داشت. حال آنکه اگر ذینفع پرداخت ثالث برات گیر باشد چون برات گیر، مدیون اصلی این سند تجاری است موضوع دیگر مشمول مقررات تجاری نیست بلکه بحث ایفاء دین از ناحیه غیر مدیون در امور مدنی یعنی ماده ۲۶۷ ق.مدنی مطرح می باشد که در این فرض اگر ثالث پرداخت کننده به نفع برات گیر، مأذون از ناحیه برات گیر باشد حق مراجعه به ایشان را دارد و الا خیر.

تفسیر ماده ۲۷۱ ق.تجارت:

این ماده می گوید ثالث پرداخت کننده دارای تمام حقوق دارنده برات است بیان قانونگذار در برخی موارد درست است و در برخی موارد درست نیست. برای مثال اگر در مثال قبل برات گیر در سررسید، وجه برات را تأدیه نکند و دارنده برات اعتراض

عدم تأدیه به عمل آورد، متعاقب آن دارنده می تواند علیه همه مسؤولین یعنی آقایان الف، ب، ج، د، ه و ح اقامه دعوی نموده و وجه برات را مطالبه کند. حال هرگاه پس از اعتراض عدم تأدیه ثالثی مراجعه نموده و وجه برات را به نفع ظهرنویس پنجم پرداخت کند در اینجا ثالث پرداخت کننده دارای تمام حقوق دارنده برات است زیرا حق رجوع به همه مسؤولین را دارد تمام حقوق دارنده برات نخواهد شد زیرا حق رجوع به ظهرنویسان چهارم و پنجم را ندارد؛ بنابراین بهتر است به جای این جمله که ثالث پرداخت کننده دارای تمام حقوق دارنده برات است بگوییم شخص ثالث پرداخت کننده حق رجوع به ذینفع و ایادی ماقبل او را دارد. ماده ۲۷۲ مؤید این امر است.

سؤال: شخص ثالث پرداخت کننده:

۱. دارای تمام حقوق دارنده برات است.
۲. ثالث پرداخت کننده فقط حق رجوع به ذینفع را دارد.
۳. ثالث پرداخت کننده حق رجوع به ذینفع و ایادی مابعد او را دارد.
۴. ✓ ثالث پرداخت کننده حق مراجعه به ذینفع و ایادی ماقبل او را دارد.

سؤال: شخص ثالث پرداخت کننده:

۱. ✓ دارای تمام حقوق دارنده برات است.
۲. فقط حق رجوع به ذینفع را دارد.
۳. فقط حق رجوع به برات گیر را دارد.
۴. حق رجوع به هیچ کس را ندارد.

تفسیر ماده ۲۷۳ ق. تجارت:

برای مثال، برات منجر به اعتراض عدم تأدیه شده است. دو نفر آمده اند. یکی می گوید من به نفع ظهرنویس دوم می خواهم وجه برات را پرداخت نمایم و دیگری می گوید من به نفع ظهرنویس سوم می خواهم پرداخت کنم. در اینجا پرداخت کدام را باید قبول کنیم؟ در اینجا باید پرداخت ثالثی پذیرفته شود که به نفع ظهرنویس دوم یعنی (د) پرداخت می نماید زیرا در این فرض ظهرنویسان ۳ و ۴ و ۵ باری الذمه و افراد بیش تری باری می گردند.

نکته: لازم به ذکر است حکم مقرر در فوق در مورد ضمانت نیز مورد استفاده قرار می گیرد. بدین شرح که اگر مضمون عنه ضامن معلوم نباشد مضمون عنه شخصی محسوب می شود که با پرداخت ضامن افراد بیش تری باری شوند؛ بنابراین در چک صادرکننده چک، برات، برات گیر و در سفته، صادرکننده سفته، مضمون عنه فرض می شوند. مضمون عنه فرض نمودن برات گیر منوط بر آن است که برات گیر را قبول کرده باشد.

تفاوت ضامن و ظهرنویس:

ضامن کسی است که ضمانت یکی از مسؤولین را نموده است حال آنکه ظهرنویس کسی است که خود زمانی دارنده سند تجاری بوده است و در هنگام واگذاری آن سند به دیگری، ظهر آن را امضاء می کند. ضامن هیچ وقت دارنده سند تجاری نبوده است. سؤال: فایده تشخیص ضامن از ظهرنویس چیست؟ آن است که برای مراجعه به ضامن رعایت مواعد شرط نیست. حال آنکه برای مراجعه به ظهرنویس رعایت مواعد شرط است یعنی اگر مواعد رعایت نشده باشد حق اقامه دعوی بر علیه ظهرنویس وجود ندارد. منظور از مواعد، مواعد مقرر در مواد ۲۷۴ و ۲۸۰ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۳۱۵ و ۳۱۷ ق.ت است. لازم به ذکر است منظور از

ضامن در اینجا ضامن مدیون اصلی است. اگر ظهرنویس دارای ضامن باشد از آنجا که برای رجوع به ظهرنویس رعایت مواعد شرط است برای رجوع به ضامن ظهرنویس نیز رعایت مواعد شرط خواهد بود.

نکته: اینکه می‌گوییم برای رجوع به ضامن مدیون اصلی رعایت مواعد شرط نیست منبعث از رأی وحدت رویه ایجاد شده در سال ۱۳۷۴ در این زمینه است.

سؤال: آیا امضای مجهول، امضای ضامن فرض خواهد شد یا امضای ظهرنویس؟

منظور از امضای مجهول این نیست که صاحب امضای معلوم نیست بلکه منظور آن است که صاحب امضاء معلوم است اما نمی‌دانیم که آیا ایشان به عنوان ضامن سند تجاری را امضاء نموده یا به عنوان ظهرنویس؟ فروض ذیل لازم به ذکر است:

۱. آقای «الف» به عنوان صادرکننده سفته، سفته‌ای را در وجه آقای «ب» صادر می‌کند. در حال حاضر این سفته در دست آقای «ب» است اما امضای آقای «ج» در ظهر سفته دیده می‌شود. بدون قید اینکه آیا ایشان ضامن بوده یا ظهرنویس؟ در این مورد بدون تردید آقای «ج» به عنوان ضامن مطرح می‌باشد.
۲. آقای «الف» به عنوان صادرکننده سفته، سفته‌ای را در وجه آقای «ب» صادر می‌کند. در حال حاضر این سفته در دست آقای «ج» است. امضای آقای «ب» در ظهر سفته دیده می‌شود اما قید نشده است که آیا ایشان به عنوان ضامن سفته را امضاء کرده و یا به عنوان ظهرنویس. در این فرض آقای «ب» بدون تردید ظهرنویس فرض می‌شود.
۳. هرگاه «الف» به عنوان صادرکننده سفته، سفته‌ای را در وجه حامل صادر کند که اگر حال حاضر این سفته در دست «ج» باشد اما رد ظهر آن امضاء «ب» دیده شود تردید وجود دارد که آیا «ب» به عنوان ضامن این سند تجاری را امضاء کرده یا ظهرنویس؟ حقوقدانان در اینکه ایشان ضامن فرض شوند یا ظهرنویس. اختلاف نظر دارند. نظر اقوی این است که ایشان ظهرنویس تلقی می‌شوند.

ظهرنویسی:

شرایط ظهرنویسی:

۱. ظهرنویسی باید به صورت کتبی باشد؛ بنابراین ظهرنویسی شفاهی فقط به موجب مقررات مدنی مفید و مؤثر است.
۲. ظهرنویسی سند تجاری باید در خود سند به عمل آید یعنی ظهرنویسی در سند جداگانه فقط به موجب مقررات مدنی مفید و مؤثر خواهد بود. بعضی حقوقدانان معتقدند ظهرنویسی در سند جداگانه معتبر است زیرا در این صورت ظهرنویسی در سند جداگانه موجب می‌شود سند تجاری به دفاعیات بیش‌تری مورد ظهرنویسی قرار گیرد. حال آنکه اگر قرار باشد ظهرنویسی فقط در خود سند تجاری به عمل آید سند تجاری، کمتر می‌تواند مورد ظهرنویسی قرار گیرد.
۳. مستنداً به ماده ۲۴۶ ق. تجارت برای تحقق ظهرنویسی صرف امضای ظهرنویس کافی بوده و نیازی به درج عبارت دیگر نیست. لازم به ذکر است ظهرنویسی با مهر تنها (اثر انگشت) همان اثر امضاء را دارد.
۴. قید تاریخ در هنگام ظهرنویسی الزامی نیست. هرچند قید تاریخ مزایایی دارد از جمله اینکه نشان می‌دهد که آیا ظهرنویس در تاریخ ظهرنویسی صلاحیت ظهرنویسی داشته است یا خیر؟ برای مثال آیا ورشکسته یا محجور بوده یا خیر؟ ضمناً از طریق قید تاریخ ظهرنویسی قانون حاکم بر ظهرنویسی مشخص می‌شود زیرا می‌دانیم اسناد از حیث ظهرنویسی تابع قانون حاکم در زمان ظهرنویسی می‌باشند.
۵. بحث است که آیا رشته ظهرنویسی باید مرتب باشد یا خیر؟ یعنی آیا مرتب نبودن رشته ظهرنویسی بر حقوق دارنده برات خدشه ایجاد می‌کند یا خیر؟ هرچند که برخی از حقوقدانان مستنداً به مواد ۲۶۶ و ۲۸۸ ق. تجارت معتقدند در حقوق ایران رشته ظهرنویسی باید مرتب باشد ولی این نظر ضعیف است.

لازم به ذکر است مرتب بودن رشته ظهرنویسی به طرق زیر قابل اثبات است: اول با قید شماره، دوم با قید تاریخ، سوم با قید نام منتقل‌الیه.

انواع ظهرنویسی:

ظهرنویسی محتمل است به یکی از سه منظور ذیل به عمل آید:

۱. ظهرنویسی به منظور انتقال: یعنی دارنده سند تجاری با امضاء سند آن را به دیگری منتقل می‌کند. در این ظهرنویسی، دارنده سند تجاری فقط حقوق خود را منتقل نمی‌کند بلکه مسؤولیت خود را نیز منتقل می‌کند و لذا اگر برات‌گیر در سررسید، وجه برات را تأدیه نکند دارنده برات پس از اعتراض عدم تأدیه حق اقامه دعوی علیه آن انتقال‌دهنده‌ای که در هنگام انتقال، برات را امضاء نموده است را نیز خواهد داشت. البته می‌دانیم اگر انتقال‌دهنده در هنگام انتقال، سند تجاری را امضاء نکند نمی‌توان پس از اعتراض عدم تأدیه علیه چنین انتقال‌دهنده‌ای اقامه دعوی نمود.

نکته: هرگاه ظهرنویس بدون قید عبارتی سند تجاری را ظهرنویسی کند این نوع ظهرنویسی حمل بر ظهرنویسی جهت انتقال خواهد بود. ظهرنویسی به عنوان تضمین یا وثیقه و همچنین ظهرنویسی به منظور وکالت نیازمند تصریح است.

۲. ظهرنویسی به منظور وکالت: یعنی دارنده سند تجاری برای انجام برخی امور از طریق این ظهرنویسی سند تجاری را در اختیار دیگری قرار می‌دهد برای مثال وکالت می‌دهد که وکیل وجه سند را وصول کند و آن را به دارنده واقعی بدهد.

نکته: اگر ظهرنویس در هنگام ظهرنویسی قید نماید لطفاً پس از وصول به حساب شماره فلان واریز گردد چنین ظهرنویسی به منظور وکالت است.

سؤال: شخصی چکی را به نفع بانکی ظهرنویسی می‌کند بدون اینکه عبارتی را بنویسد. بانک بعد از وصول وجه سند را به حساب خود واریز می‌کند. ظهرنویس به دادگاه مراجعه و ادعا می‌کند این ظهرنویسی جهت وکالت بوده نه انتقال؛ آیا ادعای ظهرنویس مسموع است یا خیر؟

خیر زیرا گفتیم اصل بر ظهرنویسی به منظور انتقال است و ظهرنویسی به منظور وکالت نیازمند تصریح است. در قضیه مذکور چنین تصریحی وجود ندارد لذا این نوع ظهرنویسی به عنوان انتقال محسوب می‌شود. تفاوت نمی‌کند طرفی که به موجب ظهرنویسی سند تجاری در اختیار ایشان قرار داده می‌شود بانک باشد یا شخص حقیقی یا حقوقی دیگری باشد. بنابراین اینکه چون بیش‌تر چک‌هایی که در اختیار بانک گذاشته شده به منظور وکالت بوده این بار نیز به منظور وکالت فرض گردد مسموع نیست.

۳. ظهرنویسی به منظور تضمین یا وثیقه: مثال: شخصی از بانک ۱۰ میلیون تومان وام می‌گیرد. بانک می‌گوید وامی که می‌خواهم به تو بدهم باید یک مالی را در رهن من بگذاری. این شخص هیچ مالی ندارد که به بانک رهن بدهد اما می‌گوید سفته‌ای دارم به مبلغ ۱۵ میلیون. در اینجا می‌تواند پشت سفته را ظهرنویسی کند و این سفته ظهرنویسی شده به منظور تضمین و وثیقه‌ای در قبال بازپرداخت وام است. کنوانسیون یکنواخت ژنو هر سه نوع ظهر نویسی (ظهرنویسی به منظور انتقال، وکالت و تضمین یا وثیقه) را پذیرفته اما قانون تجارت ایران در ماده ۲۴۷ ق.ت فقط اشاره به ظهرنویسی به منظور انتقال و ظهرنویسی به منظور وکالت کرده است. حال به دلیل سکوت قانونگذار در مورد ظهرنویسی به منظور تضمین حقوقدانان اختلاف نظر دارند که آیا منظور ظهرنویسی به منظور تضمین یا وثیقه در حقوق ایران امکان‌پذیر است یا خیر؟ نظر اقوی این است که ظهرنویسی به منظور وثیقه یا تضمین در حقوق ایران باطل است و دلیل این امر آن است که می‌دانیم مطابق مقررات رهن، مورد رهن باید عین باشد و همچنین باید عین معین باشد. حال آنکه تصور عین در مورد اسناد تجاری منتفی آیت. منظور از عین، اموال مادی قابل لمسی است و منظور از عین معین اموال مادی قابل لمس هستند که در عالم خارج تشخیص و تعیین دارند. مثل این کتاب، این ماشین و...

ظهرنویسی مشروط چه وضعیتی دارد؟

یعنی هرگاه ظهرنویس در هنگام ظهرنویسی شرطی را درج کند وضعیت شرط و ظهرنویسی چگونه است؟ پاسخ است که باید بین دو مورد قائل به تمایز شویم:

مورد اول: اینکه نظر مندرج هیچ مغایرتی با مندرجات اساسی برات نداشته باشد مثل شرط مندرج در اعمال ماده ۲۷۵ ق. تجارت در این مورد هم شرط و هم ظهرنویسی معتبر است.

سؤال: تفاوت ظهر نویسی تجاری و انتقال مدنی چیست؟ اگر وجه سند در سررسید پرداخت نگردد در ظهر نویسی تجاری دارنده می‌تواند علیه همه مسؤولین حتی ظهرنویسان اقامه دعوی نماید حال آنکه در انتقال مدنی، فقط می‌تواند بر علیه مدیون اصلی و ضامن ایشان اقامه دعوی نماید و حق اقامه دعوی بر علیه ظهرنویس ندارد.

سؤال: ظهرنویسی قسمتی از برات چه وضعیتی دارد؟ این ظهرنویسی تجاری باطل است و انتقال، انتقال مدنی محسوب می‌گردد.

سؤال: هرگاه دارندگان سند تجاری متعدد باشند و فقط برخی از آنها سند تجاری را ظهرنویسی کنند این ظهرنویسی چه وضعیتی دارد؟ این ظهرنویسی تجاری باطل است و انتقال، انتقال مدنی محسوب می‌گردد.

نکته: علت بطلان ظهرنویسی تجاری در دو سؤال فوق آن است که این قبیل ظهرنویسی‌ها موجب می‌شود در حقوق دارندگان سند تجاری مسائلی مطرح شود از جمله اینکه با این سند تجاری در دست چه کسی باید باقی بماند.

سؤال: در ظهرنویسی جهت وکالت، وکیلی از طریق ظهرنویسی، دارنده سند تجاری می‌گردد چه اقداماتی را می‌تواند به عمل آورد؟

۱. چنین وکیلی حق وصول وجه سند تجاری را خواهد داشت.
۲. در صورت عدم وجه سند، چنین وکیلی در مورد چک، حق دریافت گواهی عدم پرداخت و در مورد برات و سفته، حق اعتراض عدم تأدیه را خواهد داشت.
۳. چنین وکیلی برای وصول وجه سند تجاری، حق توکیل به غیر را خواهد داشت. برای مثال شخص دارنده چکی است که محال علیه آن بانک خارجی است. دارنده چک به بانک ایرانی خود از طریق ظهرنویسی جهت وکالت برای وصول وجه سند وکالت می‌دهد هرچند که در این ظهرنویسی، حق توکیل مورد اشاره قرار نگرفته است اما این بانک ایرانی با استفاده از حق توکیل می‌تواند به یکی از شعب خود در خارج وکالت دهد که این وجه سند تجاری را وصول کند.
۴. ماده ۲۴۷ ق.ت مقرر داشته چنین دارنده ای (دارنده ای که از طریق ظهرنویسی جهت وکالت سند تجاری در دست اوست) حق اقامه دعوی را دارد. باید توجه داشت این قسمت از ماده ۲۴۷ ق.ت تجارت به موجب مقررات وکالت (مصوب ۱۳۱۵) نسخ شده است زیرا به موجب این قانون اقامه کننده دعوی یا باید اصیل باشد یا نماینده قانونی یا وکیل دادگستری باشد. در حالی که در قضیه فوق چنین وکیلی که وکیل دادگستری نیست حق اقامه دعوی ندارد.
۵. می‌دانیم به موجب مقررات قانون مدنی، عقد وکالت به فوت و جنون و سفته از بین می‌رود. حال بحث این است که اگر پس از ظهرنویسی جهت وکالت، ظهرنویس (موکل) فوت کند یا مجنون یا سفیه شود آیا وکیلی که از طریق ظهرنویسی، سند تجاری در اختیار او قرار گرفته حق انجام اقدامات قانونی را خواهد داشت یا خیر؟ بعضی از حقوقدانان حقوق، تجارت معتقدند بله چنین وکیلی کماکان می‌تواند در خصوص عدم تأدیه و اخذ گواهی عدم پرداخت اقدام کند و عدم پرداخت مقید به زمان محدودی هستند و اگر بگوییم وکالت از بین رفته و وکیل حق اقدام ندارد این امر به ضرر دارنده سند یا وراث او خواهد بود.

مسئولیت اسناد تجاری:

در این قسمت هدف ما بررسی مسئولیت برات دهنده، ظهرنویس برات، ظهرنویس سفته، ظهرنویس چک، برات گیر، صادرکننده سفته و صادرکننده چک و مسئولیت ضامن هر یک از مسؤولین فوق الاشعار می‌باشد.

مسئولیت صادرکننده برات:

الف- قبل از سررسید که در این دوره صادرکننده مسئولیت قبولی دارد.

ب- پس از سررسید که در این دوره صادرکننده مسئولیت پرداخت دارد.

مسئولیت قبولی صادرکننده برات بدین نحو است که اگر براتگیر، برات را نکول نمود، پس از اعتراض نکول، دارنده می تواند مستنداً به ماده ۲۳۷ ق.تجارت به برات دهنده مراجعه نموده و تقاضای ضامن نماید و اگر ضامن برات حال می شود.

مسئولیت پرداخت صادرکننده برات نیز بدین نحو است که چنانچه در سررسید، براتگیر وجه برات را پرداخت ننمود، دارنده پس از اعتراض عدم تأدیه می تواند مستنداً به ماده ۲۴۹ ق.تجارت جهت مطالبه وجه برات علیه صادرکننده اقامه دعوی نماید اما برای اقامه دعوی علیه صادرکننده برات بایستی فرازهای ذیل را موردتوجه قرار داد:

الف- صادرکننده برات محل برات را در نزد براتگیر تأمین ننموده است:

در این مورد پس از سررسید و پس از اعتراض عدم تأدیه، خواه دارنده برات وظایف قانونی خود را در خصوص اعتراض عدم تأدیه در موعد قانونی و اقامه دعوی در موعد قانونی عمل نموده باشد و خواه عمل ننموده باشد درهرحال دارنده می تواند در این فرض علیه صادرکننده اقامه دعوی نموده و وجه برات را مطالبه نماید.

ب- صادرکننده برات محل برات را در نزد براتگیر تأمین نموده باشد:

هرگاه براتگیر در سررسید، وجه برات را به دارنده نپردازد، دارنده در صورتی در این فرض حق اقامه دعوی علیه صادرکننده برات را دارد که به وظایف قانونی خود عمل نموده باشد. وظایف دارنده از قرار ذیل است:

۱. اعتراض عدم تأدیه در ظرف ۱۰ روز از سررسید، مستنداً به ماده ۲۸۰ ق.تجارت و چنانچه سررسید برات به رؤیت باشد اقدام مقتضی در ظرف یک سال از تاریخ صدور برات مستنداً به ماده ۲۷۴ ق.ت.

۲. اقامه دعوی در ظرف ۱ سال یا ۲ سال از تاریخ اعتراض عدم تأدیه مطابق مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ ق.تجارت.

نکته: اصل بر آن است که برات دهنده محل برات را تأمین ننموده است مگر اینکه برات دهنده اثبات نماید محل برات را تأمین کرده است.

سؤال: آیا برات دهنده در هنگام صدور برات می تواند مسئولیت قبولی خود را سلب نماید یا خیر؟ و در صورت درج شرط سلب مسئولیت قبولی این شرط چه وضعیتی دارد؟ از آنجاکه با درج این شرط هیچ خدشه ای به مندرجات اساسی برات وارد نمی شود بلکه فقط دارنده برات مزایای اعتراض نکول را از دست می دهند. این شرط صحیح و معتبر بوده و لازم الاتباع می باشد و در این فرض مسئولیت پرداخت یعنی مزایای اعتراض عدم تأدیه همچنان پابرجاست.

سؤال: آیا برات دهنده هنگام صدور برات می تواند مسئولیت خود را سلب نماید یا خیر؟ و به عبارت دیگر شرط سلب مسئولیت پرداخت چه وضعیتی دارد؟ باید گفت این شرط باطل می باشد زیرا چنانچه این شرط معتبر قلمداد گردد چنانچه براتگیر برات را قبول نکند این سند به صورت یک لاشه درخواهد آمد زیرا دارنده از یک طرف نمی تواند برای مطالبه برات به براتگیر مراجعه کند زیرا او برات را قبول نکرده است و از طرف دیگر نمی تواند به برات دهنده مراجعه نماید زیرا برات دهنده مسئولیت پرداخت خود را سلب نموده است فلذا چون چنین شرطی موجب می شود سند تجاری برات به صورت یک لاشه درآید بنابراین شرط باطل است.

مسئولیت ظهرنویس برات:

مسئولیت ظهرنویس برات نیز همانند مسئولیت برات دهنده شامل دو دوره می باشد:

دوره اول، قبل از سررسید و دوره دوم، پس از سررسید.

دوره اول، ظهرنویس دارای مسئولیت قبولی برات می باشد یعنی اینکه اگر برات نکول شد و دارنده برات اعتراض نکول به عمل آورد، دارنده در اعمال ماده ۲۳۷ ق.ت می تواند به ظهرنویس جهت مطالبه ضامن مراجعه نماید.

- مسئولیت ظهرنویس در دوره دوم مسئولیت پرداخت می باشد یعنی چنانچه در سررسید، برات گیر، وجه برات را نپردازد و دارنده اعتراض عدم تأدیه به عمل آورد، دارنده می تواند در اعمال ماده ۲۴۹ ق. تجارت علیه ظهرنویس نیز اقامه دعوی نماید اما اقامه دعوی علیه ظهرنویس زمانی امکان پذیر است که دارنده و به وظایف خود عمل نماید. وظایف دارنده از قرار ذیل است:
- ۱- اعتراض عدم تأدیه ظرف ۱۰ روز از سررسید مطابق ماده ۲۸۰ ق. تجارت و در مورد برات های به رؤیت اقدام مقتضی ظرف یکسال از تاریخ صدور برات مطابق ماده ۲۷۴ ق. ت
 - ۲- اقامه دعوی در ظرف ۱ سال یا ۲ سال برحسب مورد مطابق مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ ق. ت
- اگر دارنده به یکی از وظایف خود عمل ننماید حق اقامه دعوی علیه ظهرنویسان را ندارد.
- نکته:** در مورد ظهرنویسان بحث از تأمین و عدم تأمین محل برات مطرح نمی باشد.
- سؤال: آیا ظهرنویس برات می تواند شرط سلب مسئولیت را در برات درج نماید یا خیر؟ با توجه به شرحی که در باب سلب مسئولیت قبولی برات دهنده گفته شد در مورد ظهرنویسان نیز درج چنین شرطی صحیح است.
- سؤال: آیا ظهرنویسان می تواند شرط سلب مسئولیت پرداخت، باز برات دارای یک مسؤول است و آن برات دهنده می باشد بنابراین با این شرط دیگر برات به صورت یک لاشه در نمی آید (این شرط در مورد ظهرنویس سفته و ظهرنویس چک نیز صادق است. اصطلاحاً می گویند ظهرنویس حقوق خود را منتقل نموده است نه مسئولیت خود را)

مسئولیت ظهرنویس سفته:

- ظهرنویس سفته دارای مسئولیت پرداخت می باشد یعنی چنانچه صادرکننده سفته (متعهد) در سررسید از پرداخت وجه سفته امتناع ورزد، دارنده پس از اعتراض عدم تأدیه می تواند در اعمال ماده ۲۴۹ ق. تجارت علیه ظهرنویس اقامه دعوی نماید مشروط بر اینکه دارنده به وظایف قانونی خود عمل نموده باشد ... وظایف دارنده از قرار ذیل است:
۱. اعتراض عدم تأدیه در ظرف ۱۰ روز از **سررسید** مطابق ماده ۲۸۰ قانون تجارت و در مورد سفته های عندالمطالبه با توجه به مواد ۲۷۴ و ۳۰۹ قانون تجارت اقدام مقتضی در ظرف ۱ سال از **تاریخ صدور سفته**.
 ۲. اقامه دعوا ظرف یک یا دو سال از **تاریخ اعتراض عدم تأدیه** بر حسب مورد مطابق مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت هرگاه دارنده به یکی از وظایف خود عمل نکند حق اقامه دعوا علیه ظهرنویس سفته را نخواهد داشت.

مسئولیت ظهرنویس چک:

- ظهرنویس چک دارای مسئولیت پرداخت می باشد یعنی چنانچه چک منجر به صدور گواهی عدم پرداخت گردد، دارنده چک در صورتی که به وظایف قانونی ذیل عمل نموده باشد حق اقامه دعوی علیه ظهرنویس چک خواهد داشت:
- وظیفه اول: اخذ گواهی عدم پرداخت ظرف ۱۵ روز یا ۴۵ روز یا ۴ ماه از تاریخ صدور چک برحسب مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ ق. تجارت.
- وظیفه دوم: اقامه دعوی در ظرف ۱ سال یا ۲ سال تاریخ برگشت چک مطابق مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۳۱۴ ق. تجارت. چنانچه دارنده چک به یکی از وظایف فوق الاشعار عمل ننموده باشد در این صورت حق اقامه دعوی علیه ظهرنویس را نخواهد داشت.

مسئولیت برات گیر برات:

- از آنجاکه برات گیر در برات مدیون اصلی این سند تجاری می باشد، خواه دارنده به وظایف خود عمل بکند خواهد نکند در هر حال دارنده می تواند علیه برات گیر اقامه دعوی در مورد برات گیر رعایت مواعد الزامی نمی باشد (مسئولیت برات گیر مشروط بر آن است که برات گیر برات را قبول باشد.)

مسئولیت صادرکننده سفته:

از آنجا که مدیون اصلی سند تجاری سفته، صادرکننده سفته می باشد، خواه دارنده به وظایف قانونی خود عمل نکند خواه نکند، حق مراجعه به صادرکننده سفته را دارد؛ بنابراین برای مراجعه به صادرکننده سفته رعایت مواعد الزامی نمی باشد. همچنین باید توجه داشت بدون اعتراض عدم تأدیه می توانیم علیه صادرکننده سفته یا برات گیر برات اقامه دعوی کنیم. محتمل است مثلاً مواعد منقضی گردیده و هیچ فایده ای برای اعتراض عدم تأدیه مترتب نباشد یعنی به دلیل انقضاء مواعد از یک طرف نمی توان به ظهنویس مراجعه کرد و از طرف دیگر نمی توان بدون تودیع خسارت احتمالی درخواست صدور قرار تأمین خواسته نمود. در این صورت نیازی به وخواست (اعتراض) عدم تأدیه نمی باشد.

مسئولیت صادرکننده چک:

از آنجا که صادرکننده چک مدیون اصلی این سند تجاری می باشد. خواه دارنده به وظایف خود در خصوص اخذ گواهی عدم پرداخت در موعد قانونی و اقامه دعوی در موعد قانونی عمل نموده باشد و خواه عمل ننموده باشد، در هر حال دارنده چک می تواند به صادرکننده در هر زمانی که بخواهد مراجعه نموده و علیه او اقامه دعوی نماید.

نکته: لازم به یادآوری است در صورت عدم رعایت مواعد فوق الاشعار، مطابق قسمت آخر ماده ۳۱۵ ق. تجارت چنانچه وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود. دعوی دارنده چک علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نیست. برای مثال اگر صادرکننده چک، وجه را در نزد محال علیه تأمین نموده باشد ولی دارنده چک در مواعد قانونی اقدام ننماید و بعداً حکم ورشکستگی محال علیه صادر گردد، در این صورت دارنده حق اقامه دعوی علیه صادرکننده نخواهد داشت و باید داخل در صف غرماء محال علیه گردد.

مسئولیت ضامن:

برای بررسی مسئولیت باید دید مضمون ضامن کیست؟ اگر مضمون عنه ضامن، برات گیر یا صادرکننده سفته یا صادرکننده چک باشد، همچنان که برای مراجعه به این سه مسؤول (برات گیر، صادرکننده سفته، صادرکننده چک) رعایت مواعد شرط نمی باشد، برای مراجعه به ضامن آنها نیز رعایت مواعد شرط نیست. رأی وحدت رویه ایجاد شده در سال ۱۳۷۴ خود مؤید این امر می باشد که برای مراجعه به ضامن مدیون اصلی رعایت مواعد مقرر در مواد ۲۸۰ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۷۴ ق. ت. الزام آور نمی باشد؛ اما چنانچه ضامن، ضامن ظهنویس باشد، همچنان که برای مراجعه به ظهنویس رعایت مواعد شرط است، برای مراجعه به ضامن ظهنویس نیز رعایت مواعد شرط می باشد. خلاصه آنکه مسئولیت ضامن در خصوص رعایت مواعد کار مسئولیت مضمون عنه او می باشد.

مسئولیت ضامن صادرکننده برات همان مواردی است که در خصوص مسئولیت خود صادرکننده برات گفته شد.

تفاوت پرداخت در اسناد تجاری و مدنی:

۱. در اسناد مدنی، مدیون در هنگام اداء دین باید هویت دائن را احراز نماید. حال آنکه در مورد اسناد تجاری در وجه حامل، مدیون سند تجاری لزومی نیست که هویت دارنده سند تجاری را احراز نماید.
۲. در امور مدنی با توجه به ماده ۲۷۷ ق. مدنی حاکم می تواند پرداخت دین را تقسیط نماید، حال آنکه در مورد اسناد تجاری با توجه چنانچه مدیون بخواهد قسمتی از بدهی را پرداخت نماید طلبکار ملزم به اخذ آن با توجه به ماده ۲۷۷ ق. مدنی نمی باشد. حال آنکه در مورد اسناد تجاری چنانچه مدیون سند بخواهد قسمتی از وجه سند را بپردازد، دارنده سند با توجه به ماده ۲۶۸ ق. تجارت مکلف به تمکین می باشد.
۳. چنانچه در امور مدنی طلبکار برای پرداخت دین به مدیون مهلت دهد، این امر خدشه ای به حقوق طلبکار وارد نمی کند اما چنانچه در اسناد تجاری دارنده سند جهت پرداخت وجه سند به مدیون مهلتی بدهد، محتمل است این امر موجب تضییع حقوق دارنده سند تجاری گردد زیرا می دانیم که اگر اسناد تجاری در مواعد مقرر منجر به اخذ گواهی عدم پرداخت (در مورد

چک) و اعتراض عدم تأدیه (در مورد برات و سفته) نگردند، دارنده سند تجاری حق اقامه دعوی علیه ظهرنویسان نخواهد داشت.

۴. چنانچه مدیون در امور مدنی بدهی خود را قبل از سررسید بپردازد براثت ذمه حاصل می نماید زیرا گفته شد پرداخت دین در امور مدنی با احراز هویت دائن به عمل می آید اما در اسناد تجاری مدیونی که قبل از سررسید سند تجاری، وجه آن را بپردازد محتمل است در مقابل دارنده واقعی آن سند، همچنان مسؤول باقی بماند. برای مثال دارنده سند تجاری در ۹۹/۷/۱ آن را گم می کند یا بنده این سند تجاری در تاریخ ۹۹/۷/۱۰ به مدیون اصلی مراجعه نموده و با بخشیدن مقداری از وجه سند، مابقی آن را دریافت می دارد. سررسید این سند تجاری ۹۹/۱۱/۱ بوده است. دارنده واقعی سند در تاریخ ۹۹/۷/۳ به دادگاه مراجعه نموده و همان روز از دادگاه دستور موقتی مبنی بر جلوگیری از پرداخت وجهان سند تجاری اخذ می نماید و در تاریخ ۹۹/۲/۱ حکم به نفع خواهان در ماهیت امر نیز صادر می گردد. در این صورت مدیون سند تجاری مکلف است وجه این سند را دوباره به دارنده واقعی تأدیه نماید. ملاحظه می گردد مستنداً به ماده ۲۵۶ ق. تجارت مدیونی که قبل از سررسید تجاری وجه آن را تأدیه نموده، براثت ذمه حاصل نمی نماید زیرا قبل از سررسید از دادگاه صالحه، دستور موقتی مبنی بر جلوگیری از پرداخت وجه آن سند صادر گردیده است.

ضمانت:

در حقوق ایران در صورت تعدد مسؤولین اصل بر مسؤولیت مشترک است. مسؤولیت تضامنی استثناء بر اصل بوده و نص می طلبد. این نص مطابق ماده ۴۰۳ ق. تجارت محتمل است نص قراردادی باشد و یا نص قانونی. ماده ۴۰۳ اصل نقل ذمه به ذمه را مفروض دانسته است. ضمانت در حقوق تجارت با ضمانت در حقوق مدنی از حیث اصل و استثناء تفاوتی با هم ندارند؛ یعنی اصل بر نقل ذمه به ذمه و انتقال مسؤولیت است چراکه ضم (تضامن به مفهوم عام) استثناء و مستلزم تصریح است. به نحوی که ماده ۴۰۳ در صورت تصریح در قانون یا قرارداد، تضامن را پذیرفته است و الا نقل را مفروض دانسته است؛ البته به علت کثرت مسؤولیت های تضامنی تصریح شده در قانون برخی به غلط اصل را بر تضامن در حقوق تجارت دانسته اند. از سویی در صورت تصریح بر ضمانت ضم در باب نحوه رجوع به ضامن و مضمون عنه، اصل به تضامن (به مفهوم خاص) است چراکه به موجب ماده ۴۰۲ ضمانت وثیقه ای اولاً رجوع به مضمون عنه و سپس رجوع به ضامن مستلزم تصریح در قانون یا قرارداد دانسته شده است.

نص قراردادی مثل اینکه دو پیمانکار با کارفرما برای احداث یک پل در ظرف یک سال قراردادی منعقد می نمایند. چنانچه این دو پیمانکار به تعهد خود در موعد مقرر عمل ننمایند. کارفرما می تواند برای مطالبه نصف خسارت به هر یک از آنها مراجعه کند اما چنانچه در هنگام انعقاد قرارداد پیمانکاری، شرط تضامن درج شده باشد در این صورت هر یک از پیمانکاران در قبال کل خسارات مسؤول خواهند بود. مسؤولیت تضامنی منبث یعنی اسناد تجاری و مسؤولیت تضامنی موجود در «ماده ۱۱۶ ق. تجارت» یعنی شرکت های تضامنی می باشد. باید توجه داشت هرچند که هم در اسناد تجاری و هم در شرکت های تضامنی، مسؤولیت تضامنی حاکم است اما باید توجه داشت بین این دو مسؤولیت تضامنی تفاوت وجود دارد. بدین نحو که در شرکت های تضامنی مسؤولیت هم تضامنی است و هم نامحدود حال آنکه در اسناد تجاری مسؤولیت تضامنی است اما محدود می باشد. منظور از تضامنی بودن مسؤولیت در شرکت های تضامنی آن است که شرکت تضامنی بدهکار و یا ورشکسته گردد و دارایی آن کافی برای دیون خود نباشد هر یک از شرکاء در قبال کل بدهی شرکت مسؤولیت تضامنی دارند و منظور از نامحدود بودن مسؤولیت در شرکت های تضامنی آن است که شرکای این شرکت در هنگام ورود به شرکت نمی دانند که در قبال چه مبلغی مسؤولیت تضامنی را می پذیرند به عبارت دیگر سقف این مسؤولیت نامحدود است چون معلوم نیست که آیا شرکت یک میلیون تومان بدهکار خواهد شد یا ۱۰ میلیون یا ۱۰۰ میلیون و یا اصلاً بدهکار نخواهد شد.

منظور از تضامنی بودن مسئولیت در اسناد تجاری آن است که اگر مدیون سند تجاری در سررسید وجه سند را پرداخت نکند دارنده می‌تواند از باب تضامن علیه همهٔ مسؤولین اعم از صادرکننده، ظهر نویسان و ضامنین اقامهٔ دعوا نماید و منظور از محدود بودن مسئولیت در اسناد تجاری آن است که مسؤولین اسناد تجاری فقط در قبال مبلغ مندرج در سند تجاری، مسئولیت تضامنی را می‌پذیرند یعنی اینکه سقف مسئولیت محدود به مبلغ مندرج در سند تجاری می‌باشد.

باید توجه داشت در شرکت‌های تضامنی دو رابطه وجود دارد: رابطهٔ اول حاکم است بین طلبکاران و شرکاء. در این رابطه مسئولیت تضامنی حکم‌فرماست یعنی اینکه همهٔ طلبکاران می‌توانند برای مطالبهٔ طلب خود به هر یک از شرکاء به دلخواه خود، مراجعه نمایند اما در رابطه دوم که بین خود شرکاء حاکم است دیگر مسئولیت تضامنی حاکم نیست بلکه مسئولیت نسبی حاکم است یعنی اینکه اگر یکی از شرکاء کل بدهی شرکت را پرداخت نماید آن شریک حق مراجعه به سایر شرکاء به نسبت سهم‌الشرکه آنها را خواهد داشت.

باید توجه داشت درست است که در اسناد تجاری مسئولیت تضامنی حکم‌فرماست اما باید به خاطر سپرد مسئولیت تضامنی در اسناد تجاری در مورد مسؤولین متعدد طولی، قابل اعتماد است. در مورد مسؤولین متعدد عرضی مسئولیت مشترک حاکم است.

مثال برای مسؤولین متعدد طولی:

آقای «الف»: صادرکننده سفته

آقای «ب»: ظهر نویس اول

آقای «ج»: ظهر نویس دوم

آقای «د»: دارندهٔ سفته

هرگاه آقای «د» در سررسید به مدیون اصلی سفته یعنی آقای «الف» مراجعه نماید ولی مدیون اصلی وجه آن را پرداخت نکند پس از واخواست عدم تأدیه می‌تواند از باب مسئولیت تضامنی علیه همهٔ مسؤولین یعنی آقایان «الف و ب و ج» اقامهٔ دعوی نماید. در این صورت دادگاه همه آنها را به نحو تضامن به پرداخت وجه سفته محکوم خواهد کرد.

نکته: در اینکه در این مثال گفتیم دادگاه از باب تضامن آقایان «الف و ب و ج» را محکوم خواهد کرد به آن دلیل است که کمکی در وصول طلب به طلبکار شود اما این بدان معنی نیست که دارندهٔ سفته بتواند سه برابر وجه سفته را وصول کند. به عبارت دیگر درست است که رد هنگام صدور حکم، دادگاه سه نفر را در این مثال به نحو تضامن محکوم می‌کند اما در هنگام اجرای حکم با وصول مبلغی معادل وجه سفته حکم موقوف‌الاجراء خواهد شد.

مثال برای مسئولیت متعدد عرضی:

آقایان «الف، ب و ج»: صادرکننده سفته < چنانچه وجه سفته در سررسید پرداخت نگردد می‌توان علیه «الف، ب و ج» اقامهٔ دعوی نماید. در این صورت مسئولیت آنها مشترک است یعنی اینکه در این مثال هر کدام از آنها به پرداخت وجه محکوم خواهند شد.

مثال برای موردی که مسؤولین متعدد طولی و عرضی باهم جمع شده‌اند:

آقایان «الف و ب»: صادرکننده سفته

آقایان «ج، د و ه»: ظهرنویس اول

آقای «و»: ظهر نویس دوم

آقای «ک»: دارندهٔ سفته

اگر این سفته در سررسید منجر به واخواست عدم تأدیه گردد دارنده می‌تواند علیه همهٔ مسؤولین اقامهٔ دعوی نماید و دادگاه هر یک از آنها به شرح ذیل محکوم خواهد کرد:

هر یک از آقایان «الف و ب» هر کدام به نصف وجه سفته به نحو تضامن با سایرین، هریک از آقایان «ج و د و ه» هر کدام به ¼ وجه سفته به نحو تضامن با سایرین محکوم می گردند.

سؤال: چنانچه صادرکنندگان سند تجاری متعدد باشند هر کدام چه مسؤولیتی دارند؟

الف- هیچ مسؤولیتی ندارند.

ب- مسؤولیت مشترک دارند. ✓

ج- مسؤولیت تضامنی دارند.

د- هیچ کدام

سؤال: سفته ای در وجه آقایان «الف، ب» صادر شده، بعداً آن دو را ظهرنویسی کرده به شخص دیگری منتقل می کنند. اگر وجه سفته در سررسید پرداخت نگردد.

الف. آقایان الف و ب هیچ مسؤولیتی ندارند.

ب. هر کدام در قبال کل وجه مسؤولیت تضامنی دارند.

ج. مسؤولیت مشترک دارند. ✓

د. هیچ کدام

سؤال: هرگاه مسؤولین اسناد تجاری متعدد باشند:

الف- هر کدام مسؤولیت مشترک دارند.

ب- هر کدام مسؤولیت تضامنی دارند.

ج- هیچ کدام مسؤولیتی ندارند. ✓

د- صادرکننده مسؤولیتی ندارد.

فقط شرکت مسؤول است زیرا میان به عنوان نماینده هستند. در همه شرکت ها به این صورت است.

سؤال: هرگاه مدیر شرکت چکی صادر کند مسؤولیت حقوقی متوجه کیست؟

الف- مدیر و شرکت به نحو تضامن ✓

ب- مدیر

ج- شرکت

د- هیچ کدام مسؤولیتی ندارند.

نکته: این حکم استثنائی در ماده ۱۹ قانون چک بیان شده است.

با خواندن نکات زیر، مطالب، در ذهن تان تثبیت خواهد شد و اصلاً به جور خوبی می شینه توی عمق وجودتون تون!

جمع بندی اسناد تجاری

نکته ۱: اسناد تجاری شامل برات، سفته و چک. اسنادی قابل نقل و انتقال هستند و متضمن دستور پرداخت مبلغی معین (موضوع اسناد تجاری وجه نقد است) به رؤیت یا به سررسید کوتاه مدت هستند و به جای پول وسیله ای پرداخت قرار می گیرند و از امتیازات ویژه برخوردار هستند.

نکته ۲: اسناد تجاری، اسناد عادی هستند. فقط در مورد چک قانونگذار آن را از حیث اجراء، در حکم سند رسمی به شمار آورده است؛ یعنی برای وصول آنها علاوه بر اقدام از طریق دادگستری، می توان از طریق ادارات اجرای ثبت نیز اقدام نمود.

نکته ۳: وفق ماده ۲۲۵ مکرر ق.آ.د.م، خوانده در دعاوی مدنی می تواند برای تأدیه خسارتی که ممکن است از بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله به وی وارد شود از دادگاه تقاضای تأمین نماید که تأمین دعاوی واهی نام دارد و دادگاه در صورتی که

تقاضای او را موجه بداند باید قرار تأمین صادر کند اما در دعاوی که مستند آن برات یا سفته یا چک باشد تقاضای تأمین دعاوی واهی از خواننده پذیرفته نمی‌شود.

نکته ۴: در حقوق مدنی، هرگاه بدهکار تقاضا کند، دادگاه می‌تواند مطابق اوضاع و احوال برای او مهلت پرداخت معین کند یا مقرر کند به اقساط بپردازد (مواد ۲۷۷ و ۶۵۲ ق.م) در حالی که هیچ دادگاهی نمی‌تواند بدون رضایت دارنده برات برای پرداخت وجه آن به مدیون مهلت اعطاء کند (ماده ۲۶۹).

نکته ۵: در حقوق مدنی تجزیه‌ی دین، ممکن نیست و طلبکار می‌تواند، چنین پیشنهادی را از جانب مدیون رد کند (ماده ۲۷۷ ق.م). نتیجه‌ی این قاعده این است که هرگاه مدیون قسمتی از دین را در صندوق دادگستری بسپارد نسبت به قسمت پرداخت‌شده بری‌الذمه نمی‌گردد اما در اسناد تجاری (به جز چک)، تجزیه‌ی دین پیش‌بینی شده است و اگر مقداری از وجه سند پرداخت شود، مسؤول سند به نسبت پرداخت‌شده بری می‌شود و دارنده فقط نسبت به باقی‌مانده وجه سند می‌تواند اعتراض عدم تأدیه کند (ماده ۲۶۸ ق.ت) اما در مورد چک نمی‌توان دارنده را ملزم به دریافت قسمتی از چک نمود.

نکته ۶: سند تجاری، سندی است مجرد که متضمن یک تعهد تجاری با ویژگی‌های خاص خود است و نمی‌توان مقررات قانون مدنی را در آن حاکم دانست.

نکته ۷: برات دهنده با صدور برات، طلب خود را از براتگیر وصول و بدهی خود را به دارنده‌ی برات پرداخت می‌کند.

نکته ۸: بازرگان ورشکسته در صورتی مجاز به صدور برات است که قرارداد ارفاقی تنظیم نموده باشد. اگر براتی توسط شخص فاقد اهلیت صادر شود قابلیت پرداخت ندارد اما اگر همین سند مورد ظهرنویسی قرار گیرد به استناد اصل استقلال امضاءات، مسؤولین بعدی باید وجه برات را پرداخت کنند؛ به عبارت دیگر در صورتی که صادرکننده برات محجور باشد، براتگیر و سایر مسؤولین سند تجاری نمی‌توانند به این ایراد استناد کنند (اصل استقلال امضاها).

نکته ۹: محتمل است برات از سوی چند نفر به عنوان صادرکننده، امضاء یا مهر شود و به عبارتی صادرکنندگان متعدد باشند. در خصوص مسؤولیت آنها دو نظر وجود دارد:

۱. مسؤولیت نسبی: طبق این نظر هرکدام از صادرکنندگان مسؤولیت پرداخت نیمی از سند را دارند.

۲. مسؤولیت تضامنی: طبق این نظر هرکدام از صادرکنندگان در مقابل دارنده مسؤولیت تضامنی دارند.

نکته ۱۰: شرایط شکلی برات علاوه بر مهر و امضاء، ۸ مورد است.

نکته ۱۱: نوشته‌ای که مهر و امضاء نداشته باشد، سند محسوب نمی‌شود.

نکته ۱۲: طبق بند ۲ ماده ۲۲۳ ق.ت، تاریخ تحریر برات باید ذکر شود. فواید ذکر تاریخ صدور عبارت است از:

۱. مشخص می‌شود که صادرکننده در تاریخ صدور اهلیت لازم را داشته است یا خیر. در صورتی که صادرکننده محجور باشد موجب بی‌اعتباری تعهد وی خواهد بود ولی سایر امضاءکنندگان مسؤولیت خواهند داشت.

۲. تشخیص اهلیت صادرکننده برای صدور برات: به موجب بند ۲ ماده‌ی ۴۲۳ تاجر پس از تاریخ توقف حق تأدیه‌ی قرض به هیچ وسیله‌ای نخواهد داشت.

۳. تشخیص نوع برات. اگر سررسید برات یک یا چند ماه از تاریخ صدور برات باشد، در این حال تعیین سررسید برات از تاریخ تحریر تعیین می‌شود.

نکته ۱۳: ذکر نام محال‌علیه (براتگیر): یعنی شخصی که باید وجه برات را تأدیه کند، الزامی است و ممکن است محال‌علیه شخص حقیقی یا حقوقی باشد.

نکته ۱۴: براتگیر می‌تواند خود براتکش باشد در این صورت سند سفته محسوب می‌شود.

نکته ۱۵: چنانچه برات بر عهده‌ی شعبه‌ی شخص حقوقی توسط شرکت مادر یا شعبه‌ی دیگر صادر شود، صدور برات بر عهده‌ی شخص ثالث محسوب می‌شود.

- نکته ۱۶:** تعیین مبلغ برات، الزامی است و مبلغ برات باید با تمام حروف نوشته شود اما اگر با عدد باشد ضمانت اجرایی ندارد.
- نکته ۱۷:** چنانچه مبلغ برات دو بار نوشته شود و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ کمتر مناط اعتبار است.
- نکته ۱۸:** چنانچه مبلغ با حروف و عدد نوشته شود و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ با حروف معتبر است.
- نکته ۱۹:** تاریخ تأدیهی برات که همان سررسید برات است باید در برات قید شود و ممکن است توسط دارنده و به وکالت از صادرکننده بعد از صدور برات تعیین شود و ایرادی ندارد.
- نکته ۲۰:** بیان مکان تأدیهی برات الزامی است و عبارت است از محلی که دارنده باید برات را به محال علیه برای قبولی و پرداخت ارائه دهد.
- نکته ۲۱:** اگر مکان تأدیهی برات و محل اقامت براتگیر متفاوت باشد، برای طرح دعوی به استناد ماده ۱۳ ق.آ.د.م هم دادگاه محل اقامت براتگیر و هم دادگاه محل تأدیه صالح به رسیدگی می باشند.
- نکته ۲۲:** اسناد تجاری به چهار صورت می تواند صادر شود.
- نکته ۲۳:** در وجه شخص معین که با نام شخصی که دارنده ی برات است صادر می شود و ممکن بر روی برات عبارت حواله کرد خط خورده باشد یا عبارت غیرقابل انتقال ذکر شده باشد، در چنین صورتی انتقال برات ایرادی ندارد اما انتقال تابع ظهرنویسی تجاری نبوده و مشمول مقررات انتقال طلب مدنی است.
- نکته ۲۴:** به حواله کرد: شخصی که نامش روی برات است می تواند شخصاً به براتگیر مراجعه یا برات را از طریق ظهرنویسی به دیگری حواله دهد (انتقال).
- نکته ۲۵:** در وجه یا حواله کرد: در این صورت دارنده می تواند خودش برای وصول اقدام کند و یا برات را به دیگری منتقل کند (حواله دهد).
- نکته ۲۶:** در وجه حامل: سند در وجه حامل یعنی هر کس می تواند آن را به محال علیه ارائه دهد و وجه سند را مطالبه کند.
- نکته ۲۷:** نام دارنده ی برات یعنی شخصی که برات در وجه یا به حواله کرد او پرداخت می شود، باید در سند برات قید شود. در نتیجه صدور برات در وجه حامل ممنوع است (برخلاف سفته و چک).
- نکته ۲۸:** ذکر اینکه برات نسخه چندم است، در برات اجباری است.
- نکته ۲۹:** فایده ی صدور برات در چند نسخه در تسهیل اخذ قبولی است. به استناد ماده ۲۶۱ ق.ت. در صورتی که گم شدن یکی از نسخ می توان با ارائه ی نسخه دیگر، قبولی برات را مطالبه نمود.
- نکته ۳۰:** در صورتی که شرایط شکلی برات رعایت نشود، سند تجاری محسوب نمی شود و یک سند حقوقی محسوب می شود که متضمن نوعی دین حقوقی یا تجاری است.
- نکته ۳۱:** موعد گرفتن قبولی، فاصله ی بین صدور برات تا سررسید است. بر این اصل اولاً استثنایی قانونی در مورد برات به رؤیت و برات به وعده از رؤیت و ثانیاً استثنای قراردادی وارد است (مواد ۲۷۴ الی ۲۷۶ ق.ت.)
- نکته ۳۲:** برات دهنده در مورد برات به روز معین یا به وعده از تاریخ صدور می تواند دارنده برات را از ارائه جهت قبولی منع کند و نسبت به ظهر نویسان نیز لازم الرعایه است + اگر ظهرنویس برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد و دارنده برات در مدت مذکور، تقاضای قبولی نکند، نمی تواند به ظهرنویس مراجعه کند.
- نکته ۳۳:** در مورد برات به وعده از رؤیت، پس از قبولی براتگیر سررسید تعیین می شود. پس برات دهنده یا ظهرنویس ها نمی توانند دارنده ی برات را از قبول منع کنند.
- نکته ۳۴:** قبولی برات باید در خود سند برات صورت گیرد و اصولاً بر روی برات است زیرا امضات پشت سند اصولاً ظهرنویسی است ضمناً با امضاء یا مهر براتگیر، برات قبل از قبولی نیز قابل ظهرنویسی است.
- نکته ۳۵:** برات قبول شده قابل نکول نمی باشد و براتگیر نمی تواند به ایرادات موجود استناد نماید.
- نکته ۳۶:** قبولی قسمتی از برات، نکول محسوب نمی شود و قبولی می تواند نسبت به مبلغی از وجه برات باشد. در این صورت نسبت به مابقی نکول شده محسوب می شود.

نکته ۳۷: دارنده‌ی براتی که مشروط قبول شده می‌تواند در صورت تحقق شرط در سررسید به براتگیر مراجعه نماید. همچنین می‌تواند از مزایای نکول استفاده نموده و به سایر مسؤولین مراجعه نموده و از آنها ضامن بخواهد.

نکته ۳۸: برات باید به محض ارائه یا منتهی ظرف ۲۴ ساعت، قبول یا نکول شود.

نکته ۳۹: براتگیر الزامی به قبول برات ندارد حتی در فرضی که محل برات نزد وی تأدیه شده باشد به عنوان مثال اگر آقای «الف» مبلغی به آقای «ب» قرض داده باشد و سپس براتی در وجه آقای «ج» صادر کند تا وجه آن را از آقای «ب» اخذ کند، هرچند اصطلاحاً محل برات نزد آقای «ب» وجود دارد اما وی مجبور به قبول نیست زیرا محتمل است این شخص تمایلی به قبول یک تعهد براتی نداشته باشد. به علاوه، قبول برات به نوعی اماره‌ی مدیونیت براتگیر به براتکش است.

نکته ۴۰: قبولی مشروط: قبولی مشروط، نکول محسوب می‌شود اما دارنده‌ی براتی که مشروط قبول شده است، می‌تواند در صورت تحقق شرط و در حدود شرط، در سررسید به براتگیر مراجعه نماید. البته دارنده‌ی چنین براتی می‌تواند از مزایای نکول استفاده نموده و به سایر مسؤولین مراجعه نموده و از آنها ضامن بخواهد.

نکته ۴۱: قبولی قسمتی از برات (یا قبولی نسبت به مبلغی از وجه برات): در این صورت نسبت به مابقی نکول شده محسوب می‌شود و مقررات نکول نسبت به آن مقدار قبول نشده جاری می‌شود.

نکته ۴۲: نکول ممکن است صریح باشد. با این قید که براتگیر برات را امضاء نموده و ذکر کند که آن را قبول ندارد یا ممکن است ضمنی باشد مانند آنکه ظرف ۲۴ ساعت از ارائه از انجام قبولی امتناع کند یا ممکن است به صورت مشروط قبول شود.

نکته ۴۳: چنانچه در براتی که به وعده از رؤیت سررسید آن تعیین می‌شود، با امتناع براتگیر برای رؤیت برات مواجه شود برات نکول شده محسوب می‌شود و در این صورت تاریخ وخواست، تاریخ رؤیت محسوب می‌شود.

نکته ۴۴: ورشکستگی براتگیر قبل از قبول نیز در حکم نکول است زیرا براتگیر یا مدیر تصفیه نمی‌تواند برات را قبول نمایند. به علاوه ورشکستگی براتگیر دارنده را از اعتراض نکول معاف نمی‌کند.

نکته ۴۵: با نکول برات، براتگیر دیگر مسؤولیتی در مقابل دارنده نخواهد داشت و در شمار مسؤولین برات نخواهد بود.

نکته ۴۶: در حقوق ایران قبول ثانویه پیش‌بینی نشده است. در نتیجه اگر براتی ارائه شده و مورد نکول واقع شود نمی‌توان مجدداً آن را جهت قبولی ارائه داد مگر اینکه وفق ماده ۲۳۵ ق.ت ارائه مجدد ظرف ۲۴ ساعت از ارائه اولیه باشد.

نکته ۴۷: دارنده‌ی برات نکول شده می‌تواند اعتراض نکول به عمل آورد و از مزایای اعتراض نکول استفاده کند اما اعتراض نکول، اجباری نیست.

نکته ۴۸: اعتراض نکول اجباری نمی‌باشد و در صورتی که دارنده پس از نکول اعتراض نکول به عمل نیابد از مزایای ماده ۲۳۷ ق.ت محروم می‌شود و در نتیجه نمی‌تواند برای ارائه‌ی ضامن به سایر مسؤولین برات مراجعه کند.

نکته ۴۹: اعتراض نکول فقط در برات وجود دارد و در سفته نیازی به اخذ قبولی وجود ندارد. در نتیجه نکول در سفته راه ندارد.

نکته ۵۰: ماده ۲۳۷ ق.ت (اثر نکول نسبت به سایر مسؤولین از قبیل صادرکننده، ضامن و ظهرنویس): با نکول برات و اعتراض آن، دارنده می‌تواند به سایر مسؤولین برات مراجعه نموده و از آنها تقاضای ضامن برای تأدیه‌ی وجه برات در سر وعده (موعد پرداخت) نماید و چنانچه ایشان ضامن معرفی نکنند باید وجه برات را به انضمام سایر مخارج فوراً تأدیه نمایند.

نکته ۵۱: ماده ۲۳۸ ق.ت (اثر عدم تأدیه برات بر سایر برات‌های قبول شده): آقای «الف»، دو برات متعلق به آقایان «ب» و «ج» را قبولی نوشته است. سررسید برات آقای «ب» ۹۹/۵/۵ است. زمانی که در سررسید به آقای «الف» مراجعه می‌کنند ایشان وجه برات را پرداخت نکرده و برات مواجه با عدم پرداخت و اعتراض عدم تأدیه می‌شود. در این بین آقای «ج» که سررسید براتش ۹۹/۹/۹ است می‌تواند به آقای «الف» مراجعه کند و از وی تقاضای ضامن یا تضمین پرداخت براتش را در سر وعده نماید و چنانچه آقای □ «الف» ضامنی ندهد، برات حال می‌شود.

نکته ۵۲: قبولی شخص ثالث: زمان قبولی شخص ثالث، پس از اعتراض نکول برات است.

نکته ۵۳: ثالث می‌تواند به نفع برات دهنده (صادرکننده) یا یکی از ظهرنویس‌ها برات را قبول نماید.

نکته ۵۴: برات به نفع براتگیر قابل قبولی ثالث نمی‌باشد زیرا براتگیر با نکول برات از مسؤولین برات نخواهد بود.

نکته ۵۵: براتگیر می‌تواند به عنوان شخص ثالث برات را به نفع یکی از مسؤولین برات قبول نماید ولی دارنده‌ی برات می‌تواند قبول شخص ثالث را نپذیرفته و از مزایای نکول استفاده کند.

نکته ۵۶: انواع سررسید:

۱. برات به رؤیت (برات بی‌وعده): براتی است که به محض ارائه باید پرداخت شود. در این برات، دارنده تکلیفی به قبولی ندارد.

۲. برات به وعده از رؤیت: براتگیر باید وجه آن را در وعده‌ی معینی از تاریخی که دارنده آن را به وی ارائه می‌نماید پرداخت نماید.

۳. برات به وعده از تاریخ برات: پرداخت آن موکول به مدت معینی از تاریخ صدور برات می‌باشد.

۴. برات به وعده از تاریخ معین: تاریخ معینی برای پرداخت قید شده است.

نکته ۵۷: صدور برات خارج از یکی از چهار صورت فوق باعث خروج آن از شمول مقررات راجع به بروات تجاری می‌شود.

نکته ۵۸: اگر براتی در روز معین باید پرداخت شود و اختلاف بین تقویم محل صدور و محل پرداخت باشد؛ تاریخ پرداخت طبق تقویم محل تأدیه (پرداخت) معتبر است.

نکته ۵۹: ظهرنویسی: ظهرنویسی فقط با امضای سند در ظهر آن (پشت آن) به عمل می‌آید. ضمناً ظهرنویسی باید در خود برات باشد نه در سند جداگانه.

نکته ۶۰: ظهرنویسی قسمتی از برات، باطل است.

نکته ۶۱: هرگاه دو نفر دارنده‌ی برات باشند با ظهرنویسی یکی از آنها انتقال باطل است.

نکته ۶۲: ظهرنویسی به نفع محال علیه، به منزله‌ی رسید وجه است.

نکته ۶۳: ظهر نویسی یا جهت انتقال است یا جهت وکالت در وصول وجه سند یا جهت وثیقه.

نکته ۶۴: در برات وصولی (جهت وکالت در وصول)، هرگاه وکیل پس از وصول وجه ورشکست شود؛ دارنده‌ی برات باید وارد در صف غرما شود اما اگر وجه برات وصول نشده باشد، صاحب برات می‌تواند برای استرداد آن به تاجر ورشکسته مراجعه کند.

نکته ۶۵: ظهرنویسی می‌تواند در وجه حامل باشد (ظهرنویسی سفید امضاء) برخلاف صدور برات که حتماً باید در وجه شخص معین باشد.

نکته ۶۶: چنانچه ظهرنویسی در وجه حامل باشد برای انتقال مجدد آن از سوی دارنده (حامل) نیاز به ظهرنویسی مجدد نمی‌باشد و سند در وجه حاملی می‌باشد که با قبض و اقباض منتقل می‌شود.

نکته ۶۷: ذکر تاریخ ظهرنویسی الزامی نمی‌باشد اما ذکر تاریخ فوایدی دارد از جمله تشخیص اهلیت ظهرنویس در زمان انتقال و همچنین تشخیص حق رجوع ظهرنویس‌ها به یکدیگر پس از پرداخت وجه برات زیرا به استناد ماده ۲۴۹ ق.ت. هر ظهرنویسی در صورت پرداخت وجه سند می‌تواند به ظهرنویس‌های ماقبل خود و صادرکننده رجوع کند و برای تشخیص ظهرنویس‌های ماقبل (مقدم) باید به تاریخ ظهرنویسی مراجعه شود. البته اگر ظهرنویس تاریخ را ذکر کرد نباید تاریخ مقدم باشد در غیر این صورت جاعل شناخته می‌شود.

نکته ۶۸: بر طبق نظری، با تأمل در ماده ۲۴۹ ق.ت. رشته‌ی ظهرنویسی در برات باید مرتب باشد چون ظهرنویسان پس از پرداخت مبلغ برات، به ید ماقبل خود مراجعه می‌کنند و مراجعه به ید ماقبل منوط بر این است که رشته‌ی ظهرنویسی مرتب باشد.

نکته ۶۹: چنانچه رشته‌ی ظهرنویسی مرتب نبوده باشد هر کدام از ظهرنویسان که پرداخت نماید می‌تواند به برات‌دهنده مراجعه نماید.

نکته ۷۰: در صورتی که صادرکننده یا یکی از دارندگان برات آن را با قید غیرقابل انتقال صادر یا ظهر نویسی نماید، در این صورت ظهرنویس‌های بعدی مشمول ظهرنویسی مقرر در قانون تجارت نمی‌شوند.

نکته ۷۱: در ظهرنویسی برات تضمینات دین سابق به دین لاحق تعلق می‌گیرد و برخلاف قانون مدنی با ظهرنویسی وثایق سابق همراه با ظهرنویسی سند منتقل می‌شود.

نکته ۷۲: اصل بر ظهرنویسی جهت انتقال است و ظهرنویسی جهت وکالت، خلاف اصل است و نیاز به تصریح دارد. به عنوان مثال با قید وکالت در وصول یا برای وصول ظهرنویسی می‌شود.

نکته ۷۳: امضای ظهر سند یا ضمانت است یا ظهرنویسی. ظهرنویس کسی است که برات به حواله کرده او صادر شده و وی با امضای خود در ظهر سند آن را به غیر منتقل می‌کند. ضامن کسی است که پرداخت وجه سند را از سوی مضمون‌عنه خود تضمین می‌کند. ظهرنویس به همراه کلیه امضاکنندگان دیگر سند مسؤولیت تضامنی دارد اما ضامن فقط با مضمون‌عنه خود مسؤولیت تضامنی دارد.

نکته ۷۴: در خصوص ماهیت امضای مجهول در ظهر سند (شک در ضامن یا ظهرنویس بودن امضای ظهر سند) اختلاف وجود دارد.

نکته ۷۵: اکثریت قضات دادگستری معتقدند اصل بر ظهرنویسی است و امضای مجهول ظهرنویسی فرض می‌شود مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

نکته ۷۶: اداره‌ی حقوقی در نظریه ۷/۱۹۵۰-۷۲/۴/۲-۱۹۵۰ امضای ظهر چک را در عرف کسبه و تجار امضاء جهت ضمانت دانسته است.

نکته ۷۷: فایده تشخیص ظهرنویس از ضامن در این است که برای مراجعه به ضامن صادرکننده برات رعایت مواعد شرط نیست اما برای مراجعه به ظهرنویس رعایت مواعد شرط است.

نکته ۷۸: تاجر ورشکسته‌ای که با ظهرنویسی برات با تاریخ مقدم طلب یکی از طلبکاران را پرداخته و به این وسیله به سایر طلبکاران ضرر وارد می‌کند مزور شناخته می‌شود.

نکته ۷۹: مسؤولیت در اسناد تجاری، تضامنی محسوب می‌شود و تمام مسؤولین در عرض هم قرار دارند.

نکته ۸۰: مواردی که مؤید اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات است: مواد ۲۳۰ + ۲۳۱ + ۲۴۹ ق.ت

نکته ۸۱: بر اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات، استثنای حجر و جعل و ایرادات شکلی وارد است.

نکته ۸۲: در قبال دارنده‌ی با حسن نیت ایراد به معامله‌ی منشاء صدور سند؛ در هیچ صورت پذیرفته نیست.

نکته ۸۳: در صورت ادعای جعل از سوی براتکش، براتگیر و سایر مسؤولین نمی‌توانند به آن استناد کنند.

نکته ۸۴: اگر صادرکننده محجور باشد، براتگیر و بقیه مسؤولین نمی‌توانند به آن استناد کنند (اصل استقلال امضاها).

نکته ۸۵: اگر صادرکننده استناد به ایراد شکلی کند، بقیه هم می‌توانند به این ایراد استناد کنند.

نکته ۸۶: اگر براتکش، خود دارنده‌ی برات باشد و مبنای معامله صدور برات نامشروع باشد، براتگیر می‌تواند به آن ایراد کند.

نکته ۸۷: اگر دارنده‌ی برات، برات دهنده باشد، در صورت اقامه‌ی دعوی علیه براتگیر؛ اگر براتگیر مدیون نباشد می‌تواند ایراد به عدم مدیونیت خود کند زیرا در این مورد دارنده‌ی برات، شخص ثالث نیست تا در پناه اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات قرار گیرد و تفاوتی نمی‌کند که برات دهنده از ابتدای صدور دارنده بوده یا بر اثر ظهرنویسی دارنده‌ی برات شده است.

نکته ۸۸: هر گاه مطابق اساسنامه شرکت، صدور برات باید با امضا دو مدیر شرکت باشد و فقط یکی امضا کند، مدیر صادرکننده مسؤول است.

نکته ۸۹: هرگاه صدور برات از ناحیه‌ی شرکت باشد، شرکت مسؤول است مگر اینکه مدیر از حدود اختیارات تفویض شده در اساسنامه تجاوز کند که در این صورت خود مدیر، صادرکننده فرض می‌شود و اگر مدیر حق صدور برات بیش از مبلغ معینی نداشته باشد به عنوان مثال حق صدور برات تا ۱۰ میلیون ریال نداشته باشد ولی بیشتر از این میزان صادر کند، شرکت نسبت

به ده میلیون مسؤول و مدیر نسبت به مازاد مسؤول است. (البته این تحدید مسؤولیت در شرکت‌های مختلف، متفاوت است. در شرکت سهامی حتی اگر مدیر بیش از حد مقرر در اساسنامه برات صادر کند بازهم شرکت مسؤول پرداخت است).

نکته ۹۰: مسؤولیت براتگیر مشروط بر این است که براتگیر برات را قبول کرده باشد.

نکته ۹۱: شرط عدم مسؤولیت قبولی، هیچ خدشه‌ای وارد نمی‌کند و صحیح است و در این فرض فقط دارنده، حق اعتراض نکول را از دست می‌دهد.

نکته ۹۲: شرط عدم مسؤولیت پرداخت، شرطی باطل است زیرا اگر براتگیر برات را پرداخت نکند، این سند به صورت یک لاشه در می‌آید.

نکته ۹۳: براتگیری که برات را قبول کرده است، مدیون اصلی این سند تجاری قلمداد می‌شود. در نتیجه باید وجه برات را بپردازد اعم از آنکه دارنده به وظایف خود عمل کرده یا نکرده باشد و دارنده در هر حال می‌تواند علیه براتگیری که وجه برات را در سررسید نپرداخته اقامه‌ی دعوی کند.

نکته ۹۴: اگر دارنده‌ی برات خود براتکش باشد (مثل اینکه شخصی براتی به نام خود صادر کرده باشد یا دارنده بعدی برات، آن را به نفع براتکش ظهنویسی کرده باشد) مسؤولیت براتگیر مطلق نخواهد بود.

نکته ۹۵: در این صورت با عدم پرداخت وجه برات و اقامه‌ی دعوی علیه براتگیر، اگر براتکش محل برات را نزد براتگیر تأدیه نکرده باشد (در واقع براتگیر مدیون نباشد)؛ وی می‌تواند ایراد به عدم مدیونیت خود کند زیرا در این مورد دارنده‌ی برات، شخص ثالث نیست تا در پناه اصل عدم استماع ایرادات قرار گیرد و تفاوتی نمی‌کند که برات دهنده از ابتدای صدور برات، دارنده بوده باشد (براتی به نفع خود صادر کرده باشد) یا بر اثر ظهنویسی دارنده برات شده است (براتی را به نفع ثالث صادر کرده و سپس ثالث آن را با ظهنویسی به خود براتکش منتقل کرده باشد).

نکته ۹۶: وفق ماده ۲۸۴ دارنده‌ی براتی که به علت عدم تأدیه اعتراض شده است باید در **ظرف ۱۰ روز از تاریخ اعتراض**

عدم تأدیه را به وسیله‌ی اظهارنامه رسمی یا مراسله‌ی سفارشی دو قبضه به کسی که برات را به او واگذار نموده اطلاع دهد.

نکته ۹۷: دیوان عالی کشور در خصوص این ماده به شرح ذیل نظر داده است: با اطلاق ماده ۲۴۹ قانون تجارت که برات دهنده و قبول کننده برات و ظهن نویس‌ها را در مقابل دارنده‌ی برات متضامناً مسؤول شناخته است و حق مراجعه و اقامه‌ی دعوی علیه هر کدام از آنان را بدون رعایت ترتیب از حیث تاریخ برای دارنده‌ی برات محفوظ داشته است و با توجه به مدلول مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون مزبور که مدت اقامه‌ی دعوی از طرف دارنده‌ی برات را سه ماه و شش ماه از تاریخ اعتراض عدم پرداخت برات تعیین نموده است و عنایت به مفاد ماده ۲۸۸ همان قانون که شرط استفاده از حق را که در ماده‌ی ۲۴۹ قانون به ظهن نویس‌ها داده شده به رعایت مواعد مقرر در مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت از تاریخ اعتراض موکول و شروع مرور زمان مدت‌های مزبور را از فردای ابلاغ احضار به محکمه به او و همچنین در صورت تأدیه وجه برات را به دارنده آن بدون آن که بر علیه او اقامه دعوی شده باشد موعد را از فردای روز تأدیه قرار داده بدیهی است که اشاره و منظور ماده ۲۸۹ این قانون به مواعد مقرر در مواد فوق مواعد مذکوره مورد بحث بوده و ناظر به موعد ده روز ارسال اظهارنامه‌ی رسمی و یا نامه‌ی سفارشی دو قبضه مذکوره در مواد ۲۸۴ و ۲۸۵ قانون تجارت نمی‌باشد.

نکته ۹۸: لذا عدم ارسال اظهارنامه‌ی رسمی یا مراسله‌ی سفارشی دو قبضه به واگذارنده‌ی برات یا اطلاع نامه از طرف هر ظهن نویس به ظهن نویس سابق خود نمی‌تواند موجب اسقاط حق اقامه‌ی دعوی دارنده‌ی برات بر واگذارنده و قبول کننده و ظهن نویس‌ها و همچنین هر ظهن نویس بر ظهن نویس سابق خود گردد.

نکته ۹۹: صور مسؤولیت صادرکننده برات:

۱. مسؤولیت قبولی: اگر براتگیر نکول کرد، پس از اعتراض نکول، دارنده می‌تواند به برات‌دهنده رجوع کند و تقاضای

ضامن کند و اگر ضامن نداد، برات حال می‌شود.

۲. مسؤولیت پرداخت:

الف. صادرکننده محل برات را نزد براتگیر تأمین ننموده باشد: در این فرض، خواه دارنده به وظایف قانونی خود عمل کرده و خواه نکرده باشد، در هر حال دارنده می‌تواند علیه صادرکننده، اقامه دعوی کرده و وجه برات را مطالبه کند.

ب. صادرکننده محل برات را نزد براتگیر تأمین نموده باشد: دارنده در صورتی می‌تواند علیه وی طرح دعوا کند که به وظایف قانونی خود از جمله تنظیم اعتراض‌نامه عمل کرده باشد.

نکته ۱۰۰: اصل بر این است که برات دهنده محل برات را تأمین ننموده است مگر اینکه برات دهنده ثابت کند محل برات را تأمین کرده است.

نکته ۱۰۱: محل: وجهی است که به اتکای وجود فعلی آن و یا وجودش در موعد پرداخت، صادرکننده‌ی سند تجاری مبادرت به صدور سند تجاری می‌کند. منبع محل برات با محل برات متفاوت است و همیشه یکسان نیست.

نکته ۱۰۲: وجود محل ممکن است ناشی از وجود دین حال یا مؤجل مبلغی باشد اما منبع محل برات ممکن است یک سند تجاری باشد که براتگیر از جانب صادرکننده‌ی برات مأمور وصول آن است.

نکته ۱۰۳: اگر محل برات نزد براتگیر تأمین نشده باشد براتگیر پس از قبول برات و پرداخت آن می‌تواند به براتکش رجوع کند.

نکته ۱۰۴: اگر محل در برات تأدیه شده باشد و براتگیر پس از پرداخت حق رجوع به براتکش را ندارد. در چنین حالتی اگر دارنده به وظایف خود در خصوص مواعد عمل نکند، دعوی وی علیه براتکش به حکم ماده ۲۹۰ ق.ت. مسموع نمی‌باشد.

نکته ۱۰۵: در قانون تجارت ایران اصل بر این است که محل برات تأدیه نشده است و در نتیجه اگر برات تأدیه شده باشد براتکش باید این موضوع را در برات قید کند و قید این موضوع، مدعی را از اثبات امر بی‌نیاز می‌کند و مسؤولیت وی را در مقابل دارنده‌ی کاهل (دارنده‌ای که به وظایف قانونی خود عمل نکرده است) از بین می‌برد. در غیر این صورت اصل بر این است که محل تأدیه نشده و عدم رعایت مواعد مسقط حق دارنده برای رجوع به وی نمی‌شود.

نکته ۱۰۶: **عدم ضرورت وجود محل:** در اسناد تجاری وجود و انتقال محل الزامی نیست؛ یعنی وجود محل در هنگام تأدیه منوط اعتبار است.

نکته ۱۰۷: **تأثیر وجود محل در صورت ورشکستگی:** تئوری انتقال محل در قانون تجارت ایران پذیرفته نشده است. در نتیجه مالکیت تاجر ورشکسته تا زمان سررسید بر وجه سند باقی است و چون پس از اعلام حکم ورشکستگی تمامی اموال وی بر اساس اصل تساوی طلبکاران میان طلبکاران به نحو غرمایی تقسیم می‌گردد صاحب سند برای دریافت حصه‌ی خود داخل در غرما می‌شود اما در کشورهایی که انتقال محل پذیرفته شده است، صاحب سند تجاری وارد در غرما نمی‌شود و تمام وجه آن را دریافت می‌کند.

نکته ۱۰۸: **صور مسؤولیت ظهرنویس برات:**

۱. مسؤولیت قبولی: اگر برات نکول شد و دارنده‌ی برات اعتراض نکول کرد، مستند به ماده ۲۳۷ می‌تواند به ظهرنویس جهت مطالبه‌ی ضامن مراجعه کند.

۲. مسؤولیت پرداخت: چنانچه در سررسید، براتگیر، وجه را نپردازد و دارنده اعتراض کند، دارنده مستند به ماده ۲۴۹ می‌تواند علیه ظهرنویس نیز اقامه‌ی دعوی نماید مشروط بر اینکه دارنده به وظایف خود عمل نموده باشد.

نکته ۱۰۹: هرگاه به علت عدم تأدیه وجه برات از سوی براتگیر، وجه برات را یکی از ظهرنویسان پرداخت کند وی حق مراجعه به ایادی ماقبل خود را دارد (ماده ۲۴۹ ق.ت).

نکته ۱۱۰: **مسؤولیت ضامن:** مسؤولیت ضامن در حدود مسؤولیت مضمون‌عنه او است. در نتیجه ضامن می‌تواند به کلیه ایراداتی که از سوی مضمون‌عنه وی مسموع است استناد کند. فایده‌ی تشخیص ظهرنویس از ضامن در این است که برای مراجعه به ضامن صادرکننده برات رعایت مواعد شرط نیست اما برای مراجعه به ظهرنویس رعایت مواعد شرط است.

نکته ۱۱۱: اگر مضمون عنه ضامن، براتگیر یا صادرکننده برات یا سفته یا چک باشد، همچنان که برای مراجعه به این سه مسؤول رعایت مواعد شرط نیست برای مراجعه به ضامن آنها نیز رعایت مواعد شرط نیست.

نکته ۱۱۲: اگر مضمون عنه ضامن، ظهرنویس باشد برای مراجعه به ظهرنویس رعایت مواعد شرط است. پس برای مراجعه به ضامن او نیز رعایت مواعد شرط است،

نکته ۱۱۳: ضامن ظهرنویس و ظهرنویس در مقابل دارنده کاهل مسؤولیت ندارند.

نکته ۱۱۴: در صورت پرداخت وجه برات به وسیله ضامن، وی حق مراجعه به مضمون عنه و ایادی ماقبل او را دارد.

نکته ۱۱۵: ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهرنویس را کرده است فقط با کسی که از او ضمانت کرده مسؤولیت تضامنی دارد (م ۲۴۹ ق.ت).

نکته ۱۱۶: وظایف دارنده برات:

۱. اعتراض عدم تأدیه در ظرف ۱۰ روز از سررسید (م ۲۸۰) و چنانچه برات به رویت باشد اقدام مقتضی ظرف یک

سال از تاریخ صدور برات (ماده ۲۷۴).

۲. اقامه دعوی حسب مورد ظرف یک یا دو سال از تاریخ اعتراض عدم تأدیه مطابق مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ ق.ت.

اگر دارنده به یکی از وظایف خود عمل نکند، حق اقامه دعوی علیه ظهر نویسان را ندارد و نمی تواند بدون پرداخت خسارت احتمالی درخواست قرار تأمین خواسته نماید. (دکتر شمس معتقد است حتی در صورت عدم رعایت مواعد، دارنده سند تجاری می تواند تأمین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی را بخواهد).

نکته ۱۱۷: دارنده کاهل: دارنده ای که مواد ۲۷۴ و ۲۸۶ ق.ت را رعایت نمی کند. یعنی برات یا سفته ای را که دارد در مواعد مقرر برای قبولی یا پرداخت به محال علیه ارائه نمی دهد و یا در موعد مقرر اقامه دعوی نمی کند که در این موارد حق مراجعه به ظهرنویس ها و ضامن آنها را ندارد.

نکته ۱۱۸: صدور قرار تأمین خواسته بدون پرداخت خسارت احتمالی: با اعتراض عدم تأدیه یا عدم پرداخت و اقامه دعوی ظرف مهلت قانونی.

نکته ۱۱۹: در صورت گم شدن براتی که قبولی روی آن نوشته شده، تقاضای پرداخت فقط به موجب امر محکمه پس از دادن ضامن به عمل می آید.

نکته ۱۲۰: در صورت گم شدن براتی که هنوز قبولی نوشته نشده است، صاحب برات می تواند وصول وجه آن را به حسب نسخ بعدی بخواهد.

نکته ۱۲۱: اگر دارنده برات دو نفر باشند، هر دو نفر باید با هم اعتراض عدم تأدیه کنند.

نکته ۱۲۲: اقامه دعوی علیه یک یا چند نفر از مسؤولین برات، موجب اسقاط حق رجوع به دیگران نیست.

نکته ۱۲۳: هر یک از مسؤولین برات که وجه برات را تأدیه می کند، می تواند پرداخت را به تسلیم برات و اعتراض نامه و مخارج قانونی موکول کند.

نکته ۱۲۴: هرگاه چند نفر از مسؤولین برات ورشکسته شوند، دارنده می تواند در صف تمام یا هر یک از غرما داخل شود (ماده ۲۵۱ ق.ت).

نکته ۱۲۵: در صورتی که همه مسؤولین برات ورشکسته شوند، مدیر تصفیه یا اداره تصفیه ای که وجه برات را پرداخته است نمی تواند به مدیر تصفیه یا اداره تصفیه ورشکسته دیگر مراجعه نماید (ماده ۲۵۱ ق.ت).

نکته ۱۲۶: هرگاه چند نفر از کسانی که برای پرداخت یک دین مسؤولیت تضامنی دارند ورشکسته شوند، طلبکار می تواند در صف هر یک از غرما یا تمام غرما وارد شود.

نکته ۱۲۷: پرداخت برات: پرداخت باید روز وعده یا پس از آن باشد. در برات به رویت و به وعده از رویت برات باید ظرف یک سال ارائه شود اما در براتی که موعد یا سررسید معین دارد دارنده باید حداکثر ظرف ۱۰ روز از سررسید آن را مطالبه کند.

- نکته ۱۲۸:** اثر پرداخت وجه برات: پرداخت برات موجب بری‌الذمه شدن پرداخت کننده است مگر در دو فرض:
- نکته ۱۲۹:** فرض اول: وفق ماده ۲۵۸ ق.ت.ا اگر وجه برات قانوناً نزد پرداخت کننده توقیف شده باشد، وفق مواد ۸۷ الی ۹۵ قانون اجرای احکام مدنی عمل می‌شود.
- نکته ۱۳۰:** فرض دوم: اگر پرداخت کننده پیش از موعد برات، وجه آن را پرداخت کند ممکن است در مقابل کسانی که حقی نسبت به آن دارند همچنان مسؤول باشد.
- نکته ۱۳۱:** اثر پرداخت قسمتی از وجه برات: اگر قسمتی از وجه برات تأدیه شود مسؤولین برات به همان اندازه بری می‌شوند و دارنده‌ی برات فقط برای بقیه آن می‌تواند اعتراض کند.
- نکته ۱۳۲:** تأدیه‌ی وجه برات به وسیله‌ی شخص ثالث: این امر پس از اعتراض عدم تأدیه صورت می‌گیرد.
- نکته ۱۳۳:** مداخله‌ی ثالث در پرداخت، در اعتراض نامه (ماده ۲۷۰) قید می‌شود.
- نکته ۱۳۴:** شخص ثالث پرداخت کننده، برات و اعتراض نامه را از دارنده‌ی سابق دریافت می‌نماید و جایگزین وی می‌شود و همان حقوق و تکالیف را خواهد داشت.
- نکته ۱۳۵:** هرگاه برات پنج ظهرنویس داشته باشد و شخص ثالث به نفع ظهرنویس دوم مبلغ برات را پرداخت نموده باشد در این صورت، برخی از حقوق دارنده برات را دارد؛ زیرا پس از پرداخت به عنوان دارنده‌ی برات می‌تواند به ظهرنویسی که به نفعش پرداخت نموده و همچنین مسؤولین قبل از او رجوع کند.
- نکته ۱۳۶:** اگر وجه برات را ثالث از طرف برات‌دهنده پرداخت کند، همه‌ی ظهرنویس‌ها بری‌الذمه می‌شوند.
- نکته ۱۳۷:** هرگاه چند نفر (ثالث) پرداخت کننده داشته باشیم پرداخت کسی قبول می‌شود که با پرداخت وی افراد بیشتری بری می‌شوند. مثلاً یکی به نفع ظهرنویس دوم و یکی به نفع ظهرنویس چهارم حاضر به پرداخت وجه برات هستند. در این صورت پرداخت ثالث به نفع ظهرنویس دوم پذیرفته می‌شود.
- نکته ۱۳۸:** خود محال‌علیه برای قبولی بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.
- نکته ۱۳۹:** هرگاه پس از اعتراض عدم تأدیه، شخص ثالثی وجه برات را پرداخت کند و قید نکند که به نفع چه کسی پرداخت می‌کند، پرداخت او، به نفع برات دهنده فرض می‌شود زیرا در این حالت افراد بیشتری بری می‌شوند. براتگیر را اصلاً حساب نمی‌کنیم زیرا کسی که مدیون بوده و پرداخت نکرده شایسته نیست که پرداخت را به نفع او تصور کنیم.
- نکته ۱۴۰:** در پرداخت ثالث، اگر منتفع ثالث براتگیر باشد بحث ایفای دین از ناحیه غیر مدیون است (ماده ۲۶۷ ق.م.) (اگر با اذن باشد حق مراجعه به براتگیر را دارد).
- نکته ۱۴۱:** اگر مضمون‌عنه ضامن معلوم نباشد، مضمون‌عنه شخصی محسوب می‌شود که با پرداخت وی افراد بیشتری بری می‌شوند. بنابراین در چک، صادرکننده و در برات، براتگیر (به شرط اینکه برات را قبول کرده باشد) و در سفته، صادرکننده مضمون‌عنه فرض می‌شوند.
- نکته ۱۴۲:** دارنده‌ی براتی که پرداخت ثالث را رد می‌کند، حق ندارد به مسؤولانی که با فرض قبولی پرداخت ثالث بری‌الذمه می‌شوند، مراجعه کند ولی در مورد قبول شخص ثالث اینگونه نیست و دارنده‌ی برات می‌تواند قبول شخص ثالث را نپذیرد.

سفته (فته طلب)

- نکته ۱۴۳:** فته طلب سندی است که به موجب آن امضاکننده تعهد می‌کند مبلغی را در موعد معین یا عندالمطالبه بپردازد.
- نکته ۱۴۴:** شرایط صورت سفته: با امضا یا مهر صادرکننده و تاریخ صدور و مبلغ به تمام حروف و تاریخ پرداخت و نام گیرنده در صورتی که سند در وجه حامل نباشد.
- نکته ۱۴۵:** تفاوت سفته و برات در این است که صادرکننده‌ی سفته برخلاف صادرکننده‌ی برات، دستور پرداخت وجه سند را به دیگری نمی‌دهد بلکه خود وجه آن را در سررسید پرداخت می‌کند.

- نکته ۱۴۶:** سفته را می‌توان برخلاف برات به صورت سند در وجه حامل تنظیم نمود.
- نکته ۱۴۷:** مقررات راجع به برات در سفته نیز لازم‌الرعايه می‌باشد مگر در مواردی که استثناء شده است.
- نکته ۱۴۸:** مقررات مربوط به ارائه‌ی سفته برای قبولی و نکولی برات، در مورد سفته جاری نیست.
- نکته ۱۴۹:** نکول و اعتراض نکول در سفته اجرا نمی‌شود.
- نکته ۱۵۰:** قبولی شخص ثالث در سفته راه ندارد (اما امکان پرداخت از سوی ثالث وجود دارد).
- نکته ۱۵۱:** مقررات مربوط به محل سفته مصداق ندارد.
- نکته ۱۵۲:** مقررات مربوط به الزامی بودن قید نام دارنده برات در سفته مصداق ندارد.
- نکته ۱۵۳:** در صورت عدم تأدیه سفته، دارنده از هرکدام از مسؤولین می‌تواند وجه سفته را مطالبه کند و پرداخت‌کننده حق رجوع به ایادی قبلی خود را دارد.
- نکته ۱۵۴:** شخصی که وجه سفته را قبل از موعدپردازد ممکن است بری‌الذمه نشود (ماده ۲۵۶ ق.ت).
- نکته ۱۵۵:** هرگاه ضامن پرداخت کند، حق دارد علیه مضمون‌عنه خود و ایادی ماقبل او اقامه‌ی دعوی کند.
- نکته ۱۵۶:** هرگاه دارنده مواعد را رعایت نکند، فقط حق رجوع به مدیون اصلی (صادرکننده) را دارد.
- نکته ۱۵۷:** صدور سفته اگر از سوی تاجر باشد از اعمال تجاری تبعی محسوب می‌شود.
- نکته ۱۵۸:** سفته نیز همانند برات، قابل ظهرنویسی است و مقررات برات در این مورد نیز جاری است.
- نکته ۱۵۹:** بر مبنای مسؤولیت تضامنی، در صورت عدم تأدیه سفته دارنده می‌تواند از هرکدام از مسؤولین وجه سفته را مطالبه کند و پرداخت‌کننده حق رجوع به ایادی قبلی خود را دارد.

مسؤولین سفته

- نکته ۱۶۰:** مسؤولیت صادرکننده سفته: صادرکننده مسؤول نهایی سند است و در هر صورت مسؤولیت پرداخت دارد و حتی اگر دارنده به وظایف قانونی خود عمل نکرده باشد مادام که مرور زمان دعاوی اسناد تجاری حاصل نشده باشد دارنده‌ی سفته می‌تواند علیه صادرکننده طرح دعوی نماید.
- نکته ۱۶۱:** مسؤولیت ظهرنویس: ظهرنویس سفته دارای مسؤولیت پرداخت است. یعنی چنانچه صادرکننده در سررسید وجه را نپردازد، دارنده پس از اعتراض عدم تأدیه می‌تواند در اعمال ماده ۲۴۹ اقامه‌ی دعوی کند مشروط بر اینکه به وظایف قانونی خود عمل کرده باشد.
- نکته ۱۶۲:** مسؤولیت ضامن: اگر مضمون‌عنه ضامن، صادرکننده سفته باشد، همچنانکه برای مراجعه به این مسؤول رعایت مواعد شرط نیست برای مراجعه به ضامن آن نیز رعایت مواعد شرط نیست.
- نکته ۱۶۳:** چنانچه مضمون‌عنه ضامن، ظهرنویس باشد برای مراجعه به ظهرنویس رعایت مواعد شرط است. پس برای مراجعه به ضامن او نیز رعایت مواعد شرط است.
- نکته ۱۶۴:** اگر شخص ثالثی ظهر سفته را بدون هیچ قیدی امضاء نماید این امر ظهور در ضمانت دارد.
- نکته ۱۶۵:** وظایف دارنده‌ی سفته:
۱. اعتراض عدم تأدیه ظرف ۱۰ روز مطابق ۲۸۰ و در مورد سفته‌های عندالمطالبه با توجه به مواد ۲۷۴ و ۳۰۹ اقدام مقتضی ظرف یک سال از تاریخ صدور سفته

۲. اقامه‌ی دعوی ظرف یک یا دو سال از تاریخ اعتراض عدم تأدیه

- نکته ۱۶۶:** مطالبه‌ی وجه سفته عندالمطالبه باید از طریق اظهارنامه به متعهد ابلاغ شود و زمان محاسبه‌ی واخواست از تاریخ ابلاغ اظهارنامه به مدیون محاسبه می‌شود.

نکته ۱۶۷: دارنده‌ی کاهل: دارنده‌ای که مواد ۲۷۴ و ۲۸۶ ق.ت را رعایت نمی‌کند یعنی سفته‌ای را که دارد در موعد مقرر برای پرداخت به محال علیه ارائه نمی‌دهد و یا در موعد مقرر اقامه دعوی نمی‌کند که در این موارد حق مراجعه به ظهرنویس‌ها و ضامن را ندارد.

چک

نکته ۱۶۸: چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده، وجوهی را که در نزد مُحالْ عَلَیْهِ دارد کلاً یا جزئاً به دیگری واگذار می‌کند.

نکته ۱۶۹: بر طبق قانون تجارت چک سندی حال محسوب می‌شود.

نکته ۱۷۰: صدور چک همانند سفته و برخلاف برات می‌تواند در وجه حامل باشد.

نکته ۱۷۱: صدور چک برخلاف برات و سفته فقط با امضای صادرکننده امکان دارد.

نکته ۱۷۲: طبق قانون صدور چک، مُحالْ عَلَیْهِ باید بانک باشد. طبق قانون تجارت، مُحالْ عَلَیْهِ در چک می‌تواند بانک نباشد.

نکته ۱۷۳: صدور چک، عمل تجاری نیست و اگر از طرف تاجر در امر تجاری صادر شود از اُعمالِ تجاری تَبَعی محسوب می‌شود.

نکته ۱۷۴: چک سند لازم‌الاجرا است و مزایای آن عبارت است از: صدور تأمین خواسته، جنبه‌ی کیفری داشتن، اقدام از طریق اجرای ثبت اسناد.

نکته ۱۷۵: مسئولیت صادرکننده‌ی چک: صادرکننده‌ی چک مدیون اصلی سند است و چه دارنده به وظایف قانونی خود عمل کند یا نکند در هر حال، دارنده، حق مراجعه به صادرکننده را دارد.

نکته ۱۷۶: مطابق قسمت آخر ماده‌ی ۳۱۵ چنانچه وجه چک به سببی که مربوط به مُحالْ عَلَیْهِ است از بین برود، دعوی دارنده چک علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نیست.

نکته ۱۷۷: مسئولیت ظهرنویس چک: ظهرنویس چک دارای مسئولیت پرداخت است. یعنی چنانچه چک منجر به صدور گواهی عدم پرداخت گردد، دارنده‌ی چک در صورتی که به وظایف قانونی ذیل عمل کرده باشد، حق اقامه‌ی دعوی علیه ظهرنویس را دارد.

نکته ۱۷۸: امضای ظهر چک، ظهرنویسی جهت انتقال محسوب می‌شود و وکالت در وصول خلاف اصل می‌باشد. فردی که ظهر چک را امضاء و به دیگری منتقل نموده است، مسئولیت کیفری نخواهد داشت زیرا مسئولیت کیفری فقط مختص صادرکننده می‌باشد.

نکته ۱۷۹: وظایف دارنده‌ی چک:

۱. اخذ گواهی عدم پرداخت ظرف ۱۵ روز، ۴۵ روز و ۴ ماه از تاریخ صدور چک (مطابق مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ ق.ت)

۲. اقامه‌ی دعوی در ظرف یک سال یا دو سال از تاریخ برگشت چک (مطابق مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۳۱۴ ق.ت)

چنانچه دارنده به یکی از وظایف فوق عمل نکند حق اقامه‌ی دعوی علیه ظهرنویس را ندارد.

نکته ۱۸۰: کسی که وجه چک را دریافت می‌کند (دارنده)، باید ظهر آن را امضاء یا مهر کند.

نکته ۱۸۱: انواع چک: عادی، تأییدشده، تضمین‌شده و مسافرتی.

نکته ۱۸۲: چک‌های مشمول قانون صدور چک، چک‌های صادره عهده‌ی بانک‌های دولتی و خصوصی داخل کشور و شعب آنها در خارج از کشور می‌باشند و صدور چک از صندوق‌های قرض‌الحسنه و مؤسسات مالی و اعتباری مشمول قانون صدور چک نمی‌باشد.

نکته ۱۸۳: چک در حکم سند لازم الاجرا می باشد و می توان فقط علیه **صادرکننده چک** از طریق اجرای ثبت، اجرائیه صادر نمود مشروط بر آنکه مطابقت امضای صادرکننده در حدود عرف بانک داری از طرف بانک تأیید شود و مالی از صادرکننده در دسترس باشد.

نکته ۱۸۴: اداره ی حقوقی در نظریه شماره ۷/۱۲۱۳ - ۸۲/۳/۲۵ اظهار داشته که درخواست صدور اجرائیه از دایره اجرای ثبت اسناد و املاک در مورد چک مقید به مهلت معین نمی باشد.

نکته ۱۸۵: معایب اجرای ثبتی:

۱. هزینه بالای حق الاجرا: حق الاجرا حقی است به صورت پول که دولت از بابت اجرائیه اسناد رسمی می گیرد که پنج درصد مبلغ مورد اجراست.

۲. در صورت منصرف شدن از طریق اجرای ثبتی و پس از ابلاغ اجرائیه، هزینه، مسترد نمی شود. به عبارت بهتر، مطابق اصلاحات آیین نامه اجرای اسناد رسمی لازم الاجرا در سال ۹۸، پس از صدور اجرائیه، دارنده چک می تواند ضمن اعلام انصراف، گواهی لازم را از اداره ثبت درخواست نماید. در این صورت، اگر اجرائیه ابلاغ شده باشد، حق الاجراء برابر مقررات وصول و پرونده مختومه می گردد.

۳. حبس محکوم علیه در صورتی که مالی از وی در دسترس نباشد و معسر هم نباشد در اجرای ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مختص اقدام دادگستری است و با اجرای ثبتی نمی توان چنین اقدامی نمود چراکه در «آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی» (مصوب ۸۷؛ اصلاحی ۹۸) حبس پیش بینی نشده است اما «در قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی» (مصوب ۱۳۹۴) پیش بینی شده است.

۴. اقدام از طریق اجرای ثبتی فقط علیه صادرکننده امکانپذیر است و نمی توان سایر مسئولین را از این طریق تعقیب نمود.

نکته ۱۸۶: مزایای اجرای ثبتی:

۱. نیاز به تقدیم دادخواست و تشریفات دادرسی و قطعیت حکم ندارد.

۲. مدت زمانی بسیار کمتری نسبت به اقامه دعوی حقوقی و کیفری دارد.

۳. اقدام ثبتی به موازات تعقیب کیفری ایرادی ندارد و دارنده می تواند همزمان با اعلام جرم علیه صادرکننده برای وصول وجه چک از طریق اداره ی ثبت اقدام نماید.

۴. در صورت صدور چک به نمایندگی، صادرکننده و صاحب حساب متضامناً مسؤول هستند و اجرائیه علیه آنها بر اساس تضامن صادر می شود.

نکته ۱۸۷: دارنده می تواند کلیه خسارات و هزینه های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف دارنده در جهت وصول متحمل شده است را مطالبه کند.

نکته ۱۸۸: در صورتی که شرطی برای پرداخت در چک درج شده باشد **بانک** به آن ترتیب اثر نمی دهد.

نکته ۱۸۹: صدور چک بلامحل یک جرم ساده است و از **تاریخ صدور چک** محقق می شود و عدم پرداخت آن از طرف بانک کاشف از وقوع جرم در زمان صدور است. بنابراین در مورد جرم واقع شده دادگاه محلی که چک در آنجا برگشت خورده است صالح است.

نکته ۱۹۰: در صورتی که موجودی حساب کمتر مبلغ چک باشد بانک مکلف است همان میزان را پرداخت نموده و نسبت به مازاد گواهی عدم پرداخت صادر نماید.

نکته ۱۹۱: مجازات صدور چک بلامحل:

۱. مبلغ چک کمتر از ۱۰ میلیون ریال باشد حبس تا ۶ ماه.

۲. مبلغ چک از ۱۰ میلیون تا ۵۰ میلیون ریال باشد حبس از ۶ ماه تا ۱ سال.

۳. مبلغ چک بیش از ۵۰ میلیون ریال باشد حبس از ۱ تا ۲ سال + ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت ۲ سال.

نکته ۱۹۲: صدور چک از حساب مسدود با علم به مسدود بودن حساب، در حکم صدور چک بلامحل است و به حداکثر مجازات (۲ سال حبس) محکوم می شود و این جرم غیر قابل تعلیق است.

نکته ۱۹۳: **مرور زمان تعقیب کیفری: ۶ ماه** از تاریخ **صدور چک** برای اخذ گواهی عدم پرداخت + ۶ ماه از تاریخ **اخذ گواهی عدم پرداخت** برای طرح دعوای کیفری.

نکته ۱۹۴: کسی که چک پس از برگشت به وی منتقل شده حق طرح دعوای کیفری ندارد مگر اینکه ظهرونیسی جهت وکالت در وصول باشد.

نکته ۱۹۵: طبق ماده ۱۲ قانون صدور چک، جرم صدور چک بلامحل جرم خصوصی است و قابل رسیدگی غیابی می باشد.

نکته ۱۹۶: در این جرم با گذشت شاکی در حین رسیدگی **قرار موقوفی تعقیب** صادر می شود و مجوزی برای اخذ یک سوم جزای نقدی وجود نخواهد داشت.

نکته ۱۹۷: چنانچه شاکی پس از صدور حکم قطعی گذشت نماید، اعلام رضایت شاکی با درخواست تجدیدنظر به دادگاه تجدیدنظر ارسال می شود و این دادگاه پس از انطباق مورد با ماده ۱۲ قانون صدور چک، حکم بدوی را فسخ و مبادرت به صدور قرار موقوفی تعقیب می نماید.

نکته ۱۹۸: به صورت کلی شاکی می تواند در حین طرح دعوای کیفری دادخواست ضرر و زیان خود را تقدیم دادگاه نماید و دادگاه مکلف است به آن رسیدگی و حکم مقتضی صادر نماید حتی اگر حکم بر براءة متهم دهد. پس، مطابق ماده ۱۴ ق.آ.د.ک «شاکی می تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند. به موجب ماده ۱۵ ق.آ.د.ک «پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان دیده از جرم می تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، **دادخواست ضرر و زیان خود** را تسلیم **دادگاه** کند و نکته قابل توجه که در ماده ۱۶ قانون اخیرالذکر آمده اینکه: «هرگاه دعوای ضرر و زیان ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوای مذکور قابل طرح در دادگاه کیفری نیست، مگر آنکه مدعی خصوصی پس از اقامه دعوای در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است که در این صورت می تواند با استرداد دعوای، به دادگاه کیفری مراجعه کند، اما چنانچه دعوای ضرر و زیان ابتداء در دادگاه کیفری مطرح و صدور حکم کیفری به جهتی از جهات قانونی با تأخیر مواجه شود، مدعی خصوصی می تواند با استرداد دعوای، برای مطالبه ضرر و زیان به دادگاه حقوقی مراجعه کند. چنانچه مدعی خصوصی قبلاً هزینه دادرسی را پرداخته باشد نیازی به پرداخت مجدد آن نیست.» و نهایتاً به موجب ماده ۱۷ همین قانون: «دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک موجود رأی مقتضی صادر کند، مگر آنکه رسیدگی به ضرر و زیان مستلزم تحقیقات بیشتر باشد که در این صورت، دادگاه رأی کیفری را صادر و پس از آن به دعوای ضرر و زیان رسیدگی می نماید.»

نکته ۱۹۹: رسیدگی به دعوای چک فوری و **خارج از نوبت** خواهد بود.

نکته ۲۰۰: موارد صدور چک بلامحل که قابل تعقیب کیفری نمی باشد:

۱. چک سفید امضاء

۲. چک مشروط

۳. چک بابت تضمین یا تعهد باشد.

۴. چک وعده دار و چک بدون تاریخ.

نکته ۲۰۱: موارد امکان صدور دستور عدم پرداخت و اقدامات متأخر بر آن: ادعای مفقود یا سرقت شدن یا جعل چک
نکته ۲۰۲: در این صورت بانک با قید دلیل عدم پرداخت چک، گواهی عدم پرداخت صادر و به دارنده تسلیم می‌کند.
نکته ۲۰۳: دستوردهنده مکلف است ظرف یک هفته در مراجع کیفری طرح دعوا نموده و گواهی مخصوص به بانک ارائه دهد.
نکته ۲۰۴: بانک مکلف است تا تعیین تکلیف نهایی در مراجع قضایی یا انصراف دستوردهنده، وجه چک را در حساب مسدودی نگهداری نماید.

نکته ۲۰۵: در صورت عدم طرح شکایت پس از یک هفته، دارنده می‌تواند به بانک مراجعه و وجه چک را وصول نماید. به علاوه دارنده می‌تواند علیه دستوردهنده شکایت نماید، اگر خلاف ادعای دستوردهنده معلوم شود علاوه بر محکومیت دستور دهنده به حبس مقرر در ماده ۷ کلیه خسارات وارده را مطالبه کند.

نکته ۲۰۶: پرداخت چک‌های تضمین شده و مسافرتی را نمی‌توان متوقف نمود مگر آنکه بانک ادعای جعل نماید.
نکته ۲۰۷: صدور چک بلامحل به نمایندگی و وکالت از شرکت: (بر خلاف برات و سفته) صادرکننده و صاحب حساب متضامناً مسؤول پرداخت می‌باشند.
نکته ۲۰۸: مرور زمان دعاوی راجع به اسناد تجاری پنج سال می‌باشد.

یه توصیهٔ مُخلصانه: از بهترین راه‌های دستیابی به اهداف این است که انرژی‌مان را در بخشش به دیگران متمرکز کنیم. اگر می‌خواهیم اعتماد به نفس خودمان بیشتر شود، سعی کنیم اعتماد به نفس اطرافیان‌مان را بالا ببریم. اگر حس امیدواری و مثبت‌اندیشی می‌خواهیم باید در شخص دیگری این‌ها را القا کنیم و اگر موفقیت را برای خودمان می‌خواهیم برای دیگران هم بخواهیم. این «اثر دیگران» است بر زندگی ما! اثر موجی کمک به دیگران و بخشیدن سخاوت‌مندانهٔ وقت و انرژی‌مان به آنها این است که خودمان بزرگ‌ترین ذینفع این «نوع دوستی» خواهیم بود. وقتی هم آموختیم یکی از تأثیرگذارترین بخش‌ها بر زندگی هر کس اطرافیان‌ش می‌باشد، لذا با بهبود وضع اطرافیان در واقع زندگی خودمان را به سمت خوبی تغییر داده‌ایم. اثر دیگران یعنی اینکه اگر دو ستم جزوهٔ حقوق مدنی را خوانده است و از آن متأثر شده، آن را به من هدیه کند، من به دیگری هدیه کنم یا با نوشتن مطلبی دربارهٔ این جزوه، دیگران را تشویق به خواندن آن کنم تا هم خودم لذت ببرم، هم جامعه و اطرافیانم هم موجی از لذت و تغییر مثبت را احساس کنند. من متوجه شده‌ام بهترین راه برای به دست آوردن چیزهایی که در زندگی‌ام می‌خواهم این است که انرژی‌ام را روی بخشش به دیگران متمرکز کنم. اگر این جزوه به تو کمک کرده اوون رو برای پنج نفر بفرست؛ چون بدون تو حتی ممکن نبود آن را پیدا کند.

اگر در حین مطالعه با موارد سهو قلم و یا خطاهای انسانی دیگر که ما از آن غافل مانده‌ایم، مواجه شدید؛ از طریق ایمیل mollakarimi.omid@gmail.com با ما در میان بگذارید تا اصلاح نماییم. در نگارش بعضی از قسمت‌های این جزوه از کتاب «مختصر حقوق تجارت دکتر توکلی» کمک گرفته‌ایم.

به روزرسانی جزوه: ۱۳۹۹ اینستاگرام نویسنده: @omid_mollakarimi



امید ملاکریمی هستیم؛ به حواس پرت متولد دهه ۶۰ توو تهران! ارزش اصلی من در زندگی، کمک به دیگران و تأثیرگذاری بر زندگی آنهاست. به یادگیری و اشتراک گذاشتن آموخته‌هایم با دیگران علاقه‌ی زیادی دارم. البته همه تلاش‌م را می‌کنم تا روش‌هایی را که به افزایش کیفیت یادگیری کمک می‌کنند یاد بگیرم و بعد از افزودن تجربیات خودم، آنها را به دیگران هم انتقال بدهم. در حوزه آموزش و نویسندگی در رشته حقوق با روش «ساده‌نویسی» و «به کار بردن مثال‌های روان» متفاوتم! من به این جمله ایمان دارم: «اگر موفقیت بیشتری می‌خواهی باید به دیگران کمک کنی تا به موفقیت بیشتری دست یابند.»

داستان نویسنده: بعد از اینکه لیسانسم رو گرفتم مثل خیلی از دانش آموخته‌های حقوق وارد دوره کارشناسی ارشد شدم؛ البته باید بگم که به کار ثابت هم داشتم که ماهانه به حقوق ثابت از اوون می‌گرفتم. رفته رفته به این نتیجه رسیدم که اگر بخوام اینجوری ادامه بدم دست آخر بعد از دریافت مدرک کارشناسی ارشد و یا حتی دکتری در بهترین حالت می‌خوام به کارمند سطح بالا توو به اداره بشم که نهایتاً به حقوق خوب دریافت کنم. شاید برای خیلی‌ها رسیدن به به حقوق کارمندی خوب نقطه اوج آرزوها شون محسوب بشه اما من رسیدن به به حقوق ثابت خوب رو مطلوب نمی‌دیدم. همیشه دوست داشتم مثل قهرمانای این فیلما به آدمایی که توو موقعیت‌های بد قرار گرفتن کمک کنم و با کلی غرور و کمال رضایت از مفید بودن خودم به نفس عمیق بکشم و بگم «تونستم!». از این فیلما که بگذریم ذات زندگی آدمیزاد اینه که باید بجنگه و از «یه جا نشستن» یا همون «صبح به صبح کارت زدن توو به محیط اداری» فراری باشه. خلاصه اواخر اسفند ماه بود که تصمیم گرفتم عطای حقوق ثابت را به لقایش ببخشم و از اول فروردین شروع کنم به خوندن! البته این اشتیاق سوزان باید اول اول توو خود آدم ایجاد بشه و حتی اگر دوستان و اطرافیان با تمسخر بهت بگن: «تو که کار ثابت داری، می‌خوای بشینی و بخونی که چی!؛ یا بگن: «صد و ده هزار تا شرکت می‌کنن و نهایتاً سه هزار تا ور می‌دارن و تو بدون سهمیه عمراً شانس نداری! اطمینان نداشتیم که به موفقیت برسیم اما با خودم عهد کردم که اول فروردین «بسمه‌الله» بگم و با همه توانم پیش برم؛ البته قبلش از خانواده‌ام خواستم که توو این مسیر کمکم کنن و این هشت ماه به کم توقع و انتظارشون رو از من کم کنن. من ریسک شیرین بلندپروازانه‌ای رو آغاز کرده بودم؛ خلاصش کنم برات: «با وجود تمام ترسی که از شکست داشتم، از تصمیم‌ام راضی بودم!». جمله به بنده‌ی خدا اوومد توو ذهنم که می‌گفت اگر آرزوت اینه که به ما شین بخری، اول برو به جا سوئیچی برای ما شینی که توو روایته تهیه کن و یقین داشته باش که به ماشین می‌رسی! منم بدون معطلی، رفتم یک سنجاق سینه کوچولو که رووش آرم کانون رو داره و وکیل‌های کانون همیشه روی کت یا مانتوشون می‌زنن تهیه کردم. تا شروع کردم کمک‌های خدا رو دیدم که یکی یکی برام می‌اومد. مثلاً با مسؤول به کتابخونه صحبت کردم و با وجود اینکه ساعت کار اوونجا تا ۶ بعد از ظهر بود بهم گفت: می‌تونی با نگاهیان مجموعه هماهنگ کنی و تا ۱۱ شب هم از کتابخونه استفاده کنی! خلاصه اینکه ایمان داشتم اگر امروز زحمت بکشم فردا از نتیجه و میوه شیرین اوون زحمات بهره‌مند می‌شم؛ به فرموده قرآن: «فان مع العسر، یسر». خوشحالم از اینکه که امروز که این متن رو نوشتم در وضعیتی هستم که در تمامی آزمون‌های حقوقی (وکالت، قضاوت، ارشد، دکتری) قبول شدم و به عضویت «هیأت علمی» رسیدم و می‌خوام متنم رو با به جمله تموم کنم: «تووی سکوت تلاش کن و اجازه بده صدای موفقیت همه جا بیچه!»

چشم‌انتظار خواندن داستان موفقیت‌تان هستیم. به امید موفقیت تو؛ امید ملاکریمی

(پایان گفتار ما: حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است.)

Telegram Channel: @OmidMollakarimi E-mail: mollakarimi.omid@gmail.com

Instagram: @vekalatyar web: mollakarimi.ir

به شماره همراه ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ واتس‌آپ بدین و از من بخواهید تا تمام جزواتی را که تضمین‌کننده قبولی

شما در آزمون وکالت، قضاوت، سردفتری، کارشناسی ارشد و دکتری است را به رایگان برایتان ارسال کنم!